

# اکباتان

شماره ۱ بهمن ماه ۱۳۹۴  
No 1 January-February 2016

۲۴ صفحه ۳۰۰۰۰ ریال  
24 Pages 30000 Rls



گفت و شنود صمیمی  
سرویس فرهنگی  
«اکباتان» با  
مصطفی رحماندوست

اکباتان را هفته اول هر ماه  
از بچه های روزنامه فروشی بخواهید

هدیه این شماره اکباتان / پوستر تیم فوتبال پاسی



در گفت و گو با خانواده زنده یاد فواد آزادیان؛

پرونده «بهمین»  
بازخوانی شد

مرتضی تبریزی:

# استقلال و پرسپولیس نه! فقط تیم ملی

چند سوال از استاندار...



نام: عباس عربزاده  
پیشه: عکاسی بر لبه تیغ در ایران

گشتی ضربه فنی شد



فاروق آزادیان:  
وضعیت موسیقی ایران نگران کننده است





## یا علی گفتیم و عشق آغاز شد

امروز سر آغاز یک تکرار است؛ تکراری که شاید با مکررات قبل تفاوت‌های زیادی داشته باشد. سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تنما می‌کرد ورزشی نویسان همدان پیش‌از این بارها با انتشار ویژه‌نامه‌های مختلف نشان دادند که از توان انتشار یک رساله‌نامه مکتوب با محوریت ورزش بر خوردار هستند و البته خبرنگاران عرصه فرهنگ و هنر در استان همدان نیز بارها توانایی خود در این حوزه را با انتشار ویژه‌نامه‌ها اثبات کردند؛ اما همواره در مقاطع مختلف سیاست‌گذاری‌ها و گاهی اوقات سیاسی‌کاری‌های مسئولین بالادستی رسانه‌ها از یک‌سو و عدم درآمدزایی مناسب از خروجی کارهای صورت گرفته از سویی دیگر، منجر به توقف انتشار ویژه‌نامه‌ها و ایتر ماندن زحمات خبرنگاران عزیز این دو عرصه در تداوم انتشار ویژه‌نامه‌ها می‌شد.

اکنون با تلاش، همدلی و همکاری جمعی از فعالان عرصه قلم و رسانه در حوزه‌های ورزشی و فرهنگی بر آن شدیم تا طرحی نو در اندازیم و «کباتان» را پیش رو شما عزیزان قرار دهیم. در شروع هر کار قطعاً ایراداتی وجود دارد که از همه مخاطبان عزیز تقاضا داریم از طریق کانال‌های ارتباطی، موارد را به اطلاع ما برسانند تا در شماره‌های بعدی نسبت به رفع آن‌ها اقدام نمائیم. توجه به مقوله فرهنگ، ورزش و فرهنگ در ورزش همواره در بیانات رهبر معظم انقلاب و دیگر مسئولین کشور، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین موارد ارتقاء سلامت و پیشرفت در جامعه مطرح بوده است و ما نیز در این راستا تلاش می‌کنیم که بتوانیم گامی مؤثر در استان همدان برداریم.

در هر شماره بخشی از مطالب به عناوین ورزشی و بخشی دیگر به مسائل فرهنگی و هنری اختصاص دارد که سعی داریم با معرفی هر چه بهتر افراد توانمند در هر حوزه و همچنین ارائه تحلیل و گزارشات کامل از وضعیت موجود در رشته‌ها و بخش‌های مختلف، با ارائه پیشنهاد و راهکار مناسب برای توسعه و ارتقاء سطح فعلی و شرایط موجود، پهنوبه خود نقش و رسالت رسانه‌ای خویش را ایفا نمائیم.

در این راه دست همه زحمت‌کشان، صاحب‌نظران و افرادی که فکر می‌کنند با مطالب و دیدگاه‌های خود می‌توانند در حوزه‌های ذکر شده، مؤثر واقع شوند را سخت می‌فشاریم و از همه مخاطبان و هم‌استانی‌های عزیز درخواست داریم که ما را از نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود بهره‌مند نموده و مطالب خود در زمینه‌های فعالیت این رسانه را برای ما ارسال کنند. امیدواریم خروجی کار برای عزیزانی که در عرصه‌های مرتبط با بخش‌های مختلف این رسانه فعالیت دارند، مطلوب و مورد پسند واقع گردد.

«هدف و تلاش خانواده اکباتان بر این است که با باری مردم عزیز استان همدان، به یادآوری مسائل پیرامون یعنی دو اصل اساسی اما مغفول در استان بپردازد و به‌طور قطع مسیر ما در این عرصه با همراهی فرهنگ دوستان و ورزش دوستان همدانی هموارتر خواهد شد.

مخاطبین با نگاه تیزبینانه و دقتی هوشیارانه می‌توانند ما را در رفع کاستی‌ها یاری کنند.»



● توصیه‌ی من این است که جوانها به من نگاه کنند. من وقتی به کوه می‌آیم و گاهی می‌بینم حتی از من مسن‌تر هم کسانی می‌آیند که با استحکام و استقرار جسمانی و قرص و محکم این راه را طی می‌کنند، واقعاً لذت می‌برم.  
مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما هنگام کوهپیمایی ۱۳۷۵/۰۶/۰۲  
● جهت گیری عمده‌ی مطبوعات، باید اصلاح فرهنگ عمومی باشد.  
در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها ۱۳۷۴/۰۴/۱۹

## جای خالی شورای عالی ورزش در استان همدان

اشکان یوسفی

ورزش؛ واژه‌ای پرسروصدا، پرحاشیه و درعین‌حال مظلوم که سال‌هاست در جوامع بشری به‌عنوان جزء لاینفک زندگی مردم و در ایران به‌عنوان بخشی از زندگی افرادی قرار گرفته که دسترسی و امکانات لازم را برای پرداختن به آن در اختیار دارند.

تربیت‌بندی یا همان ورزش، سال‌هاست که به‌عنوان رشته‌ای مستقل و واحدی درسی به صورت عملی در مدارس و دانشگاه‌های جهان و ایران تدریس می‌شود و به‌صورت علمی مورد بررسی، تحقیق و تفحص قرار می‌گیرد. اغلب دانشمندان علم پزشکی، ورزش را عامل اصلی پیشگیری از بیماری‌ها و درمان امراض گوناگون می‌دانند؛ به طوری که کمتر پزشکی را سراغ داریم که ورزش را برای درمان بیماری‌ها تجویز ننماید.

همه‌ساله مسابقات و رقابت‌های مختلف ورزشی در سطوح گوناگون ملی، بین‌المللی و... برگزار می‌شود که این مساله به بهانه‌ای برای اجتماع ملل و اقوام مختلف در کنار یکدیگر مبدل شده و مجال صادرات و واردات فرهنگ‌های گوناگون را فراهم آورده که این مهم بی‌شک نقشی بی‌بدیل در توسعه روابط داخلی و خارجی دارد.

به طور معمول مجموعه‌های ورزشی از جمله بزرگ‌ترین تأسیسات و ساختمان‌های هر شهر به شمار می‌روند و بعضاً به نماد آن شهر نیز مبدل شده و رویدادهای بزرگ ورزشی را در خود میزبانی می‌کنند که در استان همدان نیز مجموعه ورزشی علی مرادیان نیاوند، مجموعه ورزشی شهید حاجی‌بابایی مریاج و... از این دست موارد به شمار می‌روند و در دنیا نیز شاید به اندازه‌ای که جوانان و مردم سایر کشورها از نام ورزشگاه‌های شهرهای بزرگ اطلاع دارند، از سایر اماکن آنها بی‌خبر باشند.

دلایل و شواهد فوق‌الذکر حکایت از جایگاه ویژه ورزش در جهان امروز دارد که بی‌شک بر هیچ عقل سلیم و چشم بصیری پوشیده نیست و در کشور ما نیز کم‌وبیش ورزش جایگاه خود را یافته و مسئولین نظام و به‌طور ویژه مقام معظم رهبری بارها و بارها جوانان را سفارش به ورزش و مسئولین را مکلف به حمایت از ورزشکاران و توسعه این امر خطیر نمودند.

امروز که به مناسبت انتشار اولین شماره «کباتان» به‌عنوان نخستین نشریه تخصصی استان همدان با محوریت ورزش، گوشه چشمی به اوضاع‌واحوال این فرزند مظلوم جامعه انداختیم، متوجه حلقه مفقوده‌ای برای هدایت و راهبری بهتر و اساسی‌تر این مجموعه حساس و مهم شدیم.

در کنار دغدغه‌های فراوان و مشغله کاری مسئولین و در کنار خیل عظیم جلسات، شوراهای کارگروه‌ها، بازدهی‌ها و... (صرف نظر از خروجی آن‌ها) شاید

## خرم آن نغمه که مردم بسیارند به یاد

خالی لیخندها را احساس کرد؛ همان لیخندهایی که دوستان هنرمندش را بیش از هر چیز دیگری در شوک عمیق فرو برده است.

او پس از سالها جنگیدن و دست و پنجه نرم کردن با بیماری قلبی، ۲۹ دی ماه ۱۳۹۴ در تهران جان باخت و پیکر وی ۳۰ دی ماه با حضور اهالی هنر در زادگاهش همدان به خاک سپرده شد و تمام اشک‌ها و لیخندهای صحنه را با خود به آغوش خاک برد و اشک فراق و لیخنند غرور را بر چشمان و لبان هنرمندان این شهر نشاند.

خاک هنرمند پرور همدان این روزها یک هنرمند دیگر را به آغوش کشید تا اوج هنر مظاهر هنری

پس از سبک بال شدن و پر کشیدنش، در شرح حال او از زبان هنرمندان این شهر، هویدا شود. تلخی نبودن و جای خالی مظاهر هنری در این روزها دردی دارد که برای هنرمندان دوچندان است اما شاید بسیاری از آنها از این موضوع گلیزه دارند که هنر هنرمندان این شهر تنها پس از مرگ شناخته می‌شود و در دوران حیات، کمتر پیدا می‌شود کسی که یاد هنرمندان را زنده نگه دارد. پادمان باشد که صحنه پیوسته بجاست؛ گرچه نغمه‌هایی به یادگار سپرده شدند اما هستند کسانی که هنوز قلبشان در این صحنه می‌تپد.

باشد که چشم بستن مظاهر هنری دورکنه به دنیا و کشیدن پرده آخرین صحنه زندگی او، تلنگری باشد برای دل سپردن و در یاد داشتن هنرمندانی که امروز در کنارمان نفس می‌کشند و به زندگی هایمان لیخنند می‌بخشند.



از روزی که از پله‌های صحنه زندگی بالا رفت تا روزی که نغمه‌هایش را به یادگار گذاشت و از پله‌ها پایین آمد، ۳۶ سال طول کشید.

سال ۱۳۵۸ چشم به روی دنیا باز کرد و سالها تلاش کرد بهترین بازیگر صحنه زندگی باشد و حتی بی‌قراری‌ها و ناملایمات قلبی که امانش نمی‌داد، او را از تلاش باز نداشت و سالها برای نشان دادن لیخنند بر لبان مردم، خندید تا همه امروز پس از خداحافظی مظاهر هنری، لیخندهایش را در ذهن مرور کنند.

همه دوستان و دوستدارانش این روزها از تلاش عاشقانه او در صحنه تئاتر و رادیو و تلویزیون سخن

می‌گویند؛ از اینکه گلیزه از آوار سنگین هزینه‌های بیماری همیشه پشت صدای بلند خنده‌ها و نگاه مهربانش پنهان می‌شد.

شاید دیر باشد گفتن از هنرمندی که در آغوش همدان قد کشید و نمایش‌های رادیویی همچون «در و صدق»، «طعم»، «دل و دشنه»، نمایش‌های صحنه ای «من دیگه آدم بشو نیستم»، «هرگ آمد ما هم مردیم»، «یک کمی پیاده راه برویم»، «در راه ماندگان» و فیلم‌هایی همچون مرد هزار چهره و جایی نزدیک آسمان را به یادگار گذاشت اما جمع زیادی از مردم در زمان حیاتش از تلاش صادقانه این هنرمند بی‌خبر بودند و ستاره شهرشان را حالا که لقب «زنده یاد» گرفته، شناخته‌اند و بیش از نیمی از عمر خود را به هنرنمایی گذراند تا بتواند لیخنند رضایت مردم را بخرد اما امروز پس از نبودش می‌توان جای

## اکباتان یعنی...

شاید درس تاریخ، درس دوستداشته‌نتی خیلی‌هایمان نبود اما نمی‌دانم چرا وقتی ما همدانی‌ها به درس شیرین تقسیم آریایی‌ها به سه دسته می‌رسیدیم و مادها سر از همدان درمی‌آوردند، چشمانمان برق می‌زد و غرور وجودمان را فرامی‌گرفت.

همین درس را بیشتر از هر درس دیگری حفظ بودیم و با هزار ذوق و شوق برای همه می‌خواندیم و تأکید داشتیم که همه باید گوش کنند؛ همدان پایتخت مادها است و در آن زمان به آن هگمتانه یا اکباتان می‌گفتند.

یکی از سؤالات امتحان تاریخ هم این بود: «اکباتان چه معنایی دارد؟» ما هم با همان ذوق سرشار می‌نوشتیم: اکباتان یعنی محل اجتماع مردم.

حالا که بیش از سه هزار سال از تولد واژه اکباتان می‌گذرد دوباره آهنربا یا قوه جاذبه‌ای به نام عشق، «کباتان» را زنده کرد و باز هم درپچه‌ای فراهم شد تا از آن بتوان محلی برای اجتماع ساخت اما شاید صاحب اندیشه‌ای که سه هزار سال پیش، حروف را از سر می‌گذراند تا نام «اکباتان» را بر صفحه تاریخ حک کند بارها لوحی که در آن حروف را کنار هم می‌گذاشت، همچون کاغذی که ما مجاله می‌کنیم، شکست تا نام مورد پسندش را بر آخرین لوح بنشاند.

پس از اینکه لوح را پیش روی مردم قرار داد، هر کسی نظری داد و یکی تشویق و تمجید کرد، یکی با نگاهی عاقل اندر سفیه چشم بر چشم لوح دوخت و یکی هم همان‌طور که دستاتش را در جیب گذاشته بود، از کنار مردمان رد شد و لوح را ندید.

سه هزار سال گذشت و بارها کاغذها مجاله شد و حرف‌ها خط‌خطی شد تا ناهی بر لوحی بنشسند و باز هم همان نگاه‌ها و نظرات تکرار شود.

شاید آن روزی که مردم مادستان جمع شدند تا نام شهر و پایتخت خود را انتخاب کنند، اشراف و اعیان و مردمان متواضع طبقه پایین در کنار هم بودند و صدای هر دو گروه بلند بود و در آخر صدای اعیان بود که برتری یافت و نام اکباتان را بر دروازه شهر آویختند و شاید هم برعکس؛ اما امروز «کباتان» همه را صدا می‌زند تا امضایشان را بر لوح خود مهر بزند و به تاریخ هدیه دهد.

او می‌خواهد دوباره درس دوست داشتنی ماد و مادستان را تکرار کند و هر بار که کتاب ورق می‌خورد، در پس بندبند درس و در شلوغی کلمات و واژه‌هایی که از هم سبقت می‌گیرند، همه در ذهن خود تکرار کنند که اکباتان یعنی...

حرف دل خانواده اکباتان این است که اگر قلم یاری دهد و به ناگاه رنگ پس ندهد، اگر بر که‌ها از زیر دستمان کشیده نشود، اگر همت و صبر و اراده بر جان مستولی شود، اگر پروردگار یاری دهد، امید می‌رود که روزی طفل نوپایی که به رسم ارادت نام زادگاهش را به یادگار برده دوران خردسالی، کودکی، نوجوانی و جوانی را سپری کند و همیشه بتواند برنا باشد؛ بتواند اکباتان را که بوی تمدن می‌دهد استوار نگه دارد.

بی‌شک طفل خردسال هم بارها زمین می‌خورد و دست روی زانوئی خود می‌گذارد تا بار دیگر بتواند قدم از قدم بردارد و ای کاش سنگ‌بزه‌ای در مسیرش نباشد تا راه را طولانی کند.

اکباتان قصد دارد از همان روز اول شعر و کتاب و گیتار و سفال و خاک صحنه را در بقیچه‌ای سنگین بپیچد و با دورنمایی دقیق و خط حمله منسجم به تور بچسباند و دروازه مملو شود از گنج‌های ماندگار.

گاهی قلم از دستت می‌لغزد و خواص بر عوام سبقت می‌گیرند و قلم زبست بزرگ‌نمایی و بزرگ پردازی به خود می‌گیرد اما گاهی انگار پادمان می‌رود، هستند بزرگانی که در ذهن ما نیستند و هم‌وغم «اکباتان» این است که ببینند آنچه را که تا امروز ندیده است و محلی باشد برای گردهم آمدن بزرگانی که فراموششان کرده‌ایم.

باشد که اکباتان هم میهمان کرسی نشیینی‌هایمان شود، هم هم‌نشین پارک‌نشینی‌هایمان، هم یار همراه خزانمان باشد و هم کنار پنجره‌های باران‌خورده بهارمان امید می‌رود که اکباتان هنوز هم محلی باشد برای محل اجتماع مردم و رمزگشایی خطوطی که بر این کنیبه نگاشته می‌شود از گزند حوادث دور بماند و مسیر ماندگاری را طی کند.

تلفن سفارش آگهی

۳۸۳۱۱۱۵۵

۰۹۱۸۳۱۱۴۹۰۰

# مرگ تدریجی ورزش اول استان کشتی ضربه فنی شد

میثم ناصرزاد



رسول منعم مدیرکل ورزش و جوانان همدان که از جنس کشتی است، قطعاً نقش کلیدی در فراهم سازی زمینه های رشد و بالندگی کشتی استان تا رسیدن به جایگاه مطلوب دارد

دهه ۷۰ و ۸۰ بدون تردید اوج جایگاه ورزش کشتی استان همدان در کشور بود. ستاره هایی در این ورزش روی تشک بودند که با مازی ها ورزشکاران مهد کشتی ایران برابری می کردند.

ستاره هایی نظیر مسعود مصطفی جوکار، حمید سیفی، سعید ابراهیمی، جلال لطیفی، جلال عسگری، مرحوم علیرضا درویشی، جلیل جگر گوشه، عباس بیگلربیگی، مصطفی یونسی نیا، محمد سلطانی و ... که هر یک مدال های رنگارنگ ملی و بین المللی را در ویتترین افتخارات کشتی همدان جای دادند. این ها ثمره دوره مدیریت حاج حسن سلیمانی رییس وقت هیئت کشتی استان و مربیان سازنده و خاک خورده ای بود که اکنون اغلب آن ها یا خارج از گودنشسته اند و یا در تهران بزرگ ادامه فعالیت دارند.

مربیانی که هرگز به معنای واقعی قدرداران زحمتشان نبودیم. مربیانی نظیر ظفری، سیف، گودرزی، نظری، مالمر، سامعی، مخزنی، مؤذن، ابرار خرم و ...

دهه ۸۰ نیز هر چند نسل جدیدی از قهرمانان نخبه نظیر میثم مصطفی جوکار، جمال میرزایی، مهرا میرزایی و صادق گودرزی در کنار کشتی گبران پایه از جمله وحید شاه محمدی یا به عرصه مدال آوری جهانی و آسیایی و حتی المپیک گذاشتند اما این روند قهرمانی هرگز دوام چندانی نداشت تا در این اواسط دهه ۹۰ شاهد مرگ تدریجی ورزش اول استان باشیم.

در واقع عمر کشتی همدان در عرصه ملی و صاحب دوبنده در میادین بین المللی رو به پایان است و حتی آخرین شانس کشتی استان برای تصاحب دوبنده تیم ملی در مسابقات آسیایی هم چند روز قبل از گردونه مبارزات انتخابی تیم ملی کنار رفت تا استان حتی در آسیا هم فاقد نماینده باشد.

بهراستی چه برنامه مدونی برای کشتی همدان طی سال های اخیر به ویژه یک دهه گذشته پیاده شد؟ آیا با رفتن صادق گودرزی و مابقی نفرات سرشناس، جایگزین مناسبی برای آن ها تعیین و پرورش یافت؟ آیا در ۱۰ سال اخیر هیئت کشتی توانست همچون مازنی ها چرخه قهرمان پروری را حفظ و تقویت کند؟

اینکه اکنون حتی دوبنده ای در تیم ملی برای قهرمانی آسیا نداریم، نه یک تأسف بلکه فاجعه ای اندوهناک است. این در شرایطی است که کشتی همدان دارای زیرساخت های مناسب و حمایت های بی دریغ استاندار و مدیرکل ورزش استان نیز بوده است.

## ضعف مدیریت بالای جان کشتی استان

تشدید اختلافات بین بزرگان کشتی طی سال های گذشته قطعاً آسیب جدی به این مجموعه بخصوص در شهرستان ها ایجاد کرد.

دو دستگی بین اهالی کشتی و برهم زدن نظم کشتی در شهرستان ها به قصد تخریب و فروپاشی این رشته ورزشی هم پیش رفت و باعث شد تا حتی در نهاوند و ملایر که روزگاری مهد کشتی ایران زمین بود، صرفاً شاهد بگومگو، قهر و آشتی پرچم داران این رشته ورزشی باشیم.

از سوی دیگر نادیده گرفتن مهره های جوان و سرشناس نظیر مسعود مصطفی جوکار نیز سبب شد تا این قهرمانان خارج از گودنشسته و همچنان شاهد فعالیت پیشکسوتان کشتی به عنوان مربیان آموزشی با دیدگاه های سنتی و فنون قدیمی باشیم!

عدم توجه به گرایش کشتی به صورت آکادمیک نیز از معضلات این رشته ورزشی طی چند سال اخیر بوده تا همدان یکی از بیکارترین استان ها در کشتی پروری باشد.

هرچند طی دو سه سال اخیر برنامه ریزی بر روی پایه ها را شاهد بوده ایم که البته برای رساندن آنان به صف برترین های ایران باید سال ها منتظر ماند و نسبت به سربلندی آن ها در آزمون های مهم ملی خوش بین باشیم!

اصرار بر حضور مداوم در لیگ های کشتی کشور نیز آسیب

جدی به این رشته ورزشی وارد کرد.

صرف میلیون پول آن هم با استفاده از کشتی گبران درجه دو سایر استان ها، فقط به پر کردن جیب عده ای منجر شد و خروجی مثبتی دیده نشد!

در واقع اگر رقم قابل توجهی که به صورت سالیانه به هیئت کشتی همدان برای حضور در لیگ کشور داده شده را صرف برنامه های استعدادیابی می کردند، اکنون کشتی همدان همچون مازندران نسل های جدید را رونمایی می کرد تا حداقل سهمیه تیم ملی نیز به آرزوی برای کشتی استان تبدیل نشود! در روزگاری که کشتی همدان غرق در بی برنامه گی ها شده است، استان هایی نظیر زنجان و لرستان در صف بهترین ها ظاهر شده و به استان هایی نظیر تهران و مازندران نزدیک شده اند.

## کشتی نیازمند پوست اندازی

طبیعی است ماندگاری یک فرد طی سال ها در یک سمت خاص! نمی تواند اثربخش بوده و شیوه نوین و فرآیند مثبت را به دنبال داشته باشد.

طی ماه های اخیر شاهد روی کار آمدن قهرمانان ارزنده ای از جمله مسعود مصطفی جوکار، سعید ابراهیمی و مهرداد سعدی نژاد در کشتی استان بوده ایم هر چند زمزمه های حضور صادق گودرزی و مابقی مفاخر کشتی نیز به گوش می رسد که البته نیاز اصلی کشتی طی سال های اخیر نیز محسوب شده و این مطالبه گری خانواده کشتی مبنی بر حضور فعال و تصمیم گیرنده قهرمانان ارزنده کشتی به حق بوده است.

بنابراین به واسطه حضور این قهرمانان ارزنده، باید بستر فعالیت مستمر آن ها در ورزش کشتی همدان با هدف قهرمان پروری و استعدادسازی فراهم شود که این نیاز به دیدگاه برخی اهالی کشتی فقط با تغییرات در رأس هیئت کشتی اثربخش خواهد بود.

در جایگاهی که امروزه کشتی کشور با نفراتی همچون خادم که خود از قهرمانان ارزنده کشتی دنیا محسوب می شود، به صورت علمی و فنی اداره می شود، کشتی همدان نیز می بایست به دست قهرمانان ارزنده این ورزش سپرده شود و مدیریت این رشته ورزشی به افرادی داده شود که از تجارب ارزنده در مباحث فنی و مدیریتی برخوردار باشند.

ایراد بزرگی که همواره اهالی کشتی به آن خرده می گیرند، عدم استفاده از تجربه و توان مدیریتی و فنی قهرمانان کشتی در رأس تصمیم گیری های کلان این رشته ورزشی در استان است. چرا نفراتی همچون صادق گودرزی که از پرافتخارترین کشتی گبران کشور به شمار می رود و فردی تحصیل کرده است، نباید در تصمیم گیری های کلان نقش داشته باشد؟ چرا نباید تمایلی به حضور مستمر در هیئت کشتی استان با این شیوه مدیریت فعلی داشته باشد؟

چرا اکنون با وجود زیرساخت های فراهم شده، شهرستان هایی نظیر اسدآباد، نهاوند، ملایر و تویسرکان در حد انتظار به قهرمان پروری کمک نمی کنند؟

چرا نمی بایست کشتی همدان همچون مازندران سهم بزرگ و اساسی در تیم های ملی داشته باشد؟

در واقع اینکه مشکلات از چه نشأت می گیرد و چرا دستگاه ورزش استان همدان چاره اندیشی نمی کند؟

آیا صرفاً برگزاری جلسات تشریفاتی به بهانه حل مشکلات ورزش کشتی کارساز خواهد بود؟

رسول منعم مدیرکل ورزش و جوانان همدان که از جنس کشتی است، قطعاً نقش کلیدی بر فراهم سازی زمینه های رشد و بالندگی کشتی استان تا رسیدن به جایگاه مطلوب دارد.

باید ببینیم کشتی همدان طی سال های اخیر هر چند در رده های پایه شاهد تک چهره های مدال آور در کشور بوده اما در رده ملی تنها به یکی دو مهره باقی مانده از گذشته دلخوش کرده و همین روند سبب شده تا کشتی استان دچار مرگ تدریجی شود.

## دلسردی از عملکرد

### آخرین بازمانده قهرمانی!

آخرین شانس کشتی استان برای کسب سهمیه المپیک هم نتوانست مسیر موفقیت خود را تداوم بخشد.

میثم مصطفی جوکار در رقابت های انتخابی تیم ملی در ناپاوری به رضا بیات از تهران باخت تا شانس حضورش نه تنها در المپیک، بلکه در مسابقات قهرمانی آسیا هم به صفر برسد! این کشتی گیر سوم شد تا احسان لشکری رقیب دیرینه اش با کسب عنوان قهرمانی کشور، در جمع کشتی گبران اعزامی به آسیا قرار گیرد.

حالا با وجود کشتی گیر شاخصی نظیر علیرضا گودرزی در وزن ۸۶ کیلوگرم، احیای دوباره احسان لشکری و رضایات، آیا میثم مصطفی جوکار می تواند امیدوار به کسب سهمیه المپیک باشد؟

کشتی گیری که سال ها در صف قهرمانان بوده و مدال کسب کرده است اما عدم پشتوانه قدرتمند در فدراسیون کشتی باعث شد حلقه در بسیاری از مواقع خورده شود و با یک اشتباه و یک باخت، این بهانه را دست فدراسیون نشین ها بدهد که روی نامش برای حضور در شانس کسب سهمیه، خط بکشند.

حالا دستگاه ورزش استان همدان که ۱۸ ورزشکار همدانی را شانس کسب سهمیه المپیک می دانست، باید نسبت به اعزام میثم مصطفی جوکار به این عرصه مهم ورزشی نا امید باشد چرا که دو کشتی گیر آماده و بانفوذ بر روی این کشتی گیر ملایری سایه افکنده اند!

## رییس هیئت کشتی در صف منتقدین

طی سال های اخیر به خصوص دو سال گذشته شاهد انتقادات گسترده برخی چهره های سرشناس از روند نامطلوب هیئت کشتی استان بوده ایم.

از حمید سیفی قهرمان سابق آسیا گرفته تا سایر اهالی کشتی که هر از گاهی به انتقاد از هیئت کشتی استان دست می زنند! در واقع این انتقادها که این روزها البته بنا بر فعالیت برخی چهره ها در بدنه هیئت کشتی، شیب ملایم به خود گرفته است، نوید تغییرات در دوره بعدی انتخابات هیئت کشتی می دهد. شنیده ها حاکی از بر روی کار آمدن قهرمانان کشتی در صف انتخابات هیئت کشتی استان است.

قطعاً دلیل اصلی آن ها برای ورود به انتخابات، ایجاد شوک تازه به حال نامطلوب ورزش اول استان و کمک به رشد و بالندگی دوباره این رشته ورزشی است.

کشتی همدان نباید از مرگ تدریجی به ناپودی کشیده شود بلکه نیاز به شوک جدید و رسیدگی مطلق به رفع نقاط ضعف خود دارد.

در حال حاضر با علمی شدن ورزش و ورود افراد متخصص به حوزه ورزش به ویژه کشتی، دیگر نمی توان جایگاه را به افراد غیر ورزشی که از تخصص کافی برای هدایت بکار رشته برخوردار نیستند، سپرد.

۲۰ سال پیش اگر سکان کشتی به دست افراد غیر متخصص سپرده می شد، برای این بود که سطح علمی تمام افراد تقریباً یکسان بود و هیچ فردی بر دیگری از نظر علمی ارجحیت نداشت، اما امروز تخصص حرف اول را می زند. این گفته های حمید سیفی از قهرمانان ارزنده کشتی استان همدان در آسیا و از اساتید دانشگاهی است.

با این حال رییس هیئت کشتی استان همدان نیز در اظهار نظری جالب مدعی است: در دو سال اخیر به اندازه سی سال گذشته در کشتی استان کار شده است! رییس هیئت کشتی استان همدان با دفاع از عملکرد هیئت گفت: اینکه گفته می شود کشتی استان توجهی به پایه ندارد و تنها به چند ستاره و یا رده بزرگ سالان توجه می کند بی انصافی و بدون علم و کارشناسی

است و این توهین به مربیان عزیز است که با همه وجود در حال فعالیت هستند.

وی معتقد است توجه ویژه ای به رده های پایه دارند و اکثر فضاهای تمرینی در همدان و شهرستان ها متمرکز بر روی سنین پایه هستند و همه هدف مربیان عزیز و سیاست کلی هیئت کشتی استان بر پشتوانه سازی و تربیت قهرمانان در سطوح جوانان و بزرگسالان خواهد بود.

صایر یون تصریح می کند نباید انتظار داشت اقدامات و تلاش های مجموعه هیئت تنها در عرض یک سال جواب دهد زیرا اگر بخواهیم به مرحله تکامل برسیم قطعاً افت و خیزهایی خواهیم داشت و باید فرصت کافی داده شود تا جایگزین های مناسب برای جمال میرزایی، صادق گودرزی و میثم مصطفی جوکار معرفی شوند و برای این پشتوانه سازی، حداقل ۵ سال زمان لازم است.

او ادامه می دهد علیرغم این مسائل در دو سال گذشته توانسته اند با تلاش مربیان و هیئت های شهرستانی ۲۵ مدال خوش رنگ را در رده های پایه کسب کنند.

رییس هیئت کشتی می گوید این تعداد مدال در تاریخ کشتی استان بی سابقه بوده و علیرغم اینکه گفته می شود در گذشته به رده های پایه توجه می شده است، آمار نشان می دهد در سال ۷۰ علیرغم میزبانی همدان در رده نوجوانان تنها سه مدال کسب شده که بهترین نتیجه کشتی استان در رده های پایه محسوب شده است.

صایر یون بیان می داری یکی از کارهای اساسی که در کشتی صورت گرفت جوانگرایی مربیان در هیئت بود و با برگزاری کلاس های متعدد زمینه حضور مربیان جوان را به این عرصه فراهم کرده اند به طوری که در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد مربیان استان جوان هستند.

وی تأکید می کند مربیان جوان در هیئت نشان دادند که دیگر وقت اعتماد کردن به آنها است و کشتی را باید با علم روز پیش برد و به جهت حرمت مربیان پیشکسوت سعی کردیم که ضمن حفظ احترام آن عزیزان تجربه و علم را در کنار هم داشته باشیم.

رئیس هیئت کشتی استان همدان اظهار داشت در دو سال اخیر شاهد موفقیت مربیانی بودیم که عمر مربیگری آن ها چندان زیاد نیست و سعید ابراهیمی و مسعود مصطفی جوکار نمونه بارز مربیان استان هستند که با حضور در تیم ملی نشان دادند ظرفیت بالایی در امر مربیگری دارند.

## دستاورد لیگ، بدهی های میلیونی!

یکی از مشکلات اساسی و غیر قابل حل کشتی همدان، اصرار بر حضور مداوم در لیگ کشتی کشور و انباشته شدن بدهی ها است.

کشتی همدان طی سال های گذشته که در رقابت های لیگ حضور داشته است، هرگز عنوان قهرمانی را حتی در زمانی که در اوج بود، کسب نکرد.

در حالی که میلیون ها تومان صرف کشتی گبران عضویت یافته در تیم استان شد، نتیجه اش انباشته شدن بدهی های قابل توجهی بود که تاکنون نیز موفق به تسویه آن ها نشده است. همین مشکل باعث سلب اعتماد کشتی گبران سرشناس برای حضور در تیم همدان نیز شد.

حالا هیئت کشتی همدان نه تنها آه در بساط ندارد بلکه به عنوان یکی از پدهکارترین هیئت های ورزشی استان همدان مطرح است.

بنابراین دستگاه ورزش همدان نمی تواند از ورزش اول استان به نیکی یاد کند چرا که این روزها به لحاظ مالی، فنی و مدیریتی دچار مرگ تدریجی شده و امکان بازگشتش به حیات طبیعی نیاز به تغییرات، توجه به برنامه ریزی علمی و به کارگیری نیروهای متخصص دارد.



در روزگاری که کشتی همدان غرق در بی برنامه گی ها شده است، استان هایی نظیر زنجان و لرستان در صف بهترین ها ظاهر شده و به استان هایی نظیر تهران و مازندران نزدیک می شوند.





پسر دوست‌داشتنی و بااخلاق فوتبال همدان خیلی سریع مدارج فوتبالی خود را در عین جوانی طی کرد تا ثابت کند موفقیت در فوتبال پول و پارتی نمی‌خواهد بلکه تلاش و پشتکار است که بازیکن را به ستاره تبدیل می‌کند.

مرتضی تبریزی جزو تک‌ستاره‌های فوتبال همدان است که توانست خیلی سریع به‌صاف اول فوتبالی‌ها بپیوندد و تبدیل به مهره‌ای تأثیرگذار در مسابقات باشگاهی لیگ برتر همراه با ذوب آهن اصفهان شود.

بازیکنی که تا همین چند سال اخیر فوتبالش را همراه با برادر بزرگ خود در کوچه محله‌های منطقه جاده مزدقینه همدان در حاشیه شهر دنبال می‌کرد، تیم استقلال همدان را به‌عنوان نخستین تجربه باشگاهی خود برگزید.

هافبک بلندقامت فوتبال همدان به‌قدری جسور و با اعتمادبه‌نفس بالا تمرین و مسابقه می‌داد که رسیدن به تیم‌های مطرح کشور را غیرممکن نمی‌دانست.

درواقع مرتضی تبریزی با این دیدگاه که می‌تواند تبدیل به بازیکن بزرگی در فوتبال همدان و حتی کشور شود، گام‌هایش را استوار و باقدرت برداشت تا تبدیل به چهره‌ای نام‌آشنا در فوتبال ایران شود.

پسری که از خانواده متوسط و از قشر حاشیه شهر همدان به لیگ برتر فوتبال کشور راه یافت اما هرگز خاطرات کودکی و بچه‌های محله مزدقینه را به فراموشی نسپرده و اولین انتخابش در سفر به همدان، دیدار با خانواده و دوستان قدیمی‌اش است.

## میثم ناصرزاد

گفت‌وگو تفصیلی اکباتان با ستاره همدانی ذوب آهن اصفهان:

# استقلال و پرسپولیس نه! فقط تیم ملی

او هرگز در زرق‌وبرق فوتبال خود را گم نکرد و درک این را داشت که همیشه به یاد گذشته‌اش باشد. اینکه ابتدا چه بود و چگونه شد که تبدیل به چهره فوتبالی شد. مرتضی هنوز هم بازی در کوچه محله‌ها را یادش هست. بازی در استقلال همدان، رفتنش به امیدهای مس، حضورش در امیدها و زیر ۲۳ ساله‌های پاس و اینکه اصغر مدیر روستا تا چه اندازه فضای پیشرفت را برایش در پاس فراهم ساخت. مرتضی تبریزی هر اندازه که به قراردادهای میلیونی و آنچه به‌واقع حقیقت است، رسیده اما مانند برخی از فوتبالیست‌های تازه به دوران رسیده، خود را محو مادیات نکرده و همواره خداوند را به خاطر داشته‌هایش شکر گزار بوده است. خانواده پرجمعیت مرتضی تبریزی هم نقش کلیدی در پیشرفتش داشته‌اند. پدر و مادر مرتضی همیشه او را تشویق به ورزش کردند و برادر بزرگ مرتضی که خود از فوتبالیست‌های خوب محلات بود نیز زمینه‌ساز رشد و بالندگی‌اش در عرصه فوتبال باشگاهی بود. حالا پسر دوست‌داشتنی فوتبال همدان اهداف بزرگ را در سر می‌پروراند. رسیدن به تیم ملی فوتبال ایران آرزوی بزرگی است که فوتبالیست بزرگ‌اندیش همدانی برای تحقق آن تلاش می‌کند. گفت‌وگوی تفصیلی این شش‌سازه اکباتان به مرتضی تبریزی اختصاص یافته است. وی هافبک تأثیرگذار و یکی از مهره‌های کلیدی بحبی گل‌محمدی سرمربی تیم ذوب آهن اصفهان است که از حضورش در عرصه فوتبال، تیم پاس و رفتنش به ذوب آهن می‌گوید.

که بدن‌ها آمادگی لازم را نداشت و به دلیل مشکلات مالی نیز تمرکز بازیکنان بهم ریخته بود. می‌توانستیم ذوب‌آهن را ببریم اما نه با این شرایط!

همان سال راهی ذوب آهن شدی؟  
بله با اویس کردجهان و وحید علی‌آبادی از ذوب آهن اصفهان پیشنهاد داشتیم و به این تیم رفتیم اما من ماندگار شدم و اویس و وحید به تیم‌های دیگر رفتند.

چه موقع قرار است به پاس برگردی؟  
زمانی که پاس به لیگ برتر برسد.

وضعیت تیم پاس را چطور ارزیابی می‌کنی؟  
به نظرم تیم پاس نباید در لیگ یک بماند. به‌رحال این تیم دارای افتخارات ارزنده‌ای است. زیرساخت‌های فوتبالی نیز در همدان مهیای پیشرفت پاس و بازگشت به لیگ برتر است منتھی مسئولان باید به لحاظ مالی این تیم را حمایت جدی کنند.

در اصفهان هم به ناکامی پاس پرداخته می‌شود؟  
نه‌تنها اصفهان بلکه خیلی جاها به من می‌گویند «بابا چه بلایی بود سر پاس آمد». نباید این شرایط را داشته باشد. از صمیم قلب دوست دارم پاس راهی لیگ برتر شود و برای استانتم بازی کنم.

امیدوار به حضور در تیم ملی هستی؟  
چراکه نه. من دوران خوبی را پشت سر می‌گذارم که قطعاً بهتر هم می‌شود. امسال ۵ گل در لیگ برتر و دو گل در جام حذفی به ثمر رسانده‌ام. روند موفقیت‌م را با برنامه‌ریزی پیش می‌برم و آرزویم رسیدن به پیراهن تیم ملی است.

در ذوب آهن بیشتر با چه بازیکنانی صمیمی هستی و اوقات فراغت چه کار می‌کنی؟  
بیشتر با کاوه رضایی و مسعود حسن‌زاده دوست هستم. اوقات فراغت چندانی ندارم و صبح و عصر در اصفهان تمرین داریم. مواقعی هم که استراحت چندروزه داریم به همدان می‌آیم تا در کنار خانواده و دوستانم باشم.

نحوه آشنایی‌ات با اکبر محمدی سرمربی پاس چگونه بود؟  
آقای محمدی با آقای تقوی آمده بودند ذوب‌آهن و از قبل با این دو عزیز آشنایی دارم. اکبر محمدی یکی از بهترین مربیان با دانش فوتبال کشور است.

تیم ملی امید هم سابقه دارد؟  
بله در زمان علیرضا منصوریان در تیم ملی امید بودم.

با ذوب آهن فصل را چطور سپری می‌کنی؟  
دوست دارم امسال هم قهرمان جام حذفی بشویم و در لیگ برتر هم دنبال بهترین جایگاه هستیم. ضمن اینکه امسال جام باشگاه‌های آسیا را در پیش داریم که فرصت بسیار خوبی برای تیم ما است تا قابلیت‌های خود را در صف آسیا نیز نشان دهیم.

بهترین و تلخ‌ترین خاطره فوتبالی؟  
بهترین خاطره قهرمانی در جام حذفی دوره گذشته با تیم ذوب آهن اصفهان بود و تلخ‌ترین خاطره نیز سقوط پاس به لیگ یک.

خبر دارید جمشیدیان به پاس آمده؟  
بله - خیلی خوشحال شدم. جمشیدیان بازیکن بزرگی است و قطعاً به تیم پاس کمک شایانی خواهد داشت. خیلی خوشحال شدم بابت گل سه امتیازی بازی قبل که جمشیدیان زنده گل بود. تجربه وی برای پاس بسیار اثرگذار خواهد بود. امیدوارم مشکلات مالی این تیم نیز حل شود تا به جایگاه واقعی‌اش که صعود به لیگ برتر است، برسد.

اما انتقادها از پاس زیادتر شده است؟  
چرا سال اول که چهارم شدیم و سال دوم در لیگ برتر هفتم شدیم را به یاد ندارند؟ خوب نباید اجازه داد این شرایط تداوم یابد. نیاز است برنامه‌ریزی مناسب برای تأمین منابع مالی باشگاه انجام شود و همه تلاش کنند تا این تیم به لیگ برتر بازگردد.

چند خواهر و برادر هستی؟  
من فرزند سوم خانواده هستم. دو برادر از خودم بزرگ‌تر و یک خواهر کوچک‌تر دارم.

گویا برادر بزرگ‌تر هم فوتبالی بود؟  
بله اما ترجیح داد در محلات بیشتر بازی کند.

مدیر روستا چقدر در پیشرفت فوتبالی‌ات نقش داشت؟  
آقای مدیر روستا باعث شد تا فوتبالم احیا شود و بتوانم مسیر خوبی را در پیش بگیرم.

از پدر و مادرت بگو.  
دست آن‌ها را می‌بوسم. همیشه و همه‌جا از من حمایت کرده‌اند. خیلی برایم زحمت کشیدند و قدرانشان هستم.

حرف پایانی؟  
پاس را حمایت کنید و همه کمک کنند پاس به لیگ برتر بازگردد.



۱۵ میلیون در زمانی که زیر ۲۳ ساله‌های پاس بودم. قرارداد خوشحال بودم که در اوج شادمانی این خبر را به خانواده‌ام در جریان گذاشتم و اعضای خانواده هم بسیار خوشحال شدند. همیشه قدر قرارداد اولیام را می‌دانم و یاد خوشحالی‌های آن زمان می‌افتم. ۱۵ میلیون در آن زمان برای بازیکن زیر ۲۳ سال خیلی پول بود و از این بابت هم خوشحال بودم



مشکلات مالی اساسی‌ترین مانع در رسیدن پاس به لیگ برتر بود. ببینید تیم ما قبل بازی با ذوب آهن تنها ۳۰ درصد گرفته بود و با این شرایط به پلی‌آف رسیده بودیم. مسئولان وعده‌های متعدد برای حل مشکلات مالی دادند. ۱۲ روز بود تمرین نکرد و به‌یکباره تصمیم به حضور در تمرین شد. آن‌هم در آستانه بازی مقابل ذوب آهن!

بیوگرافی مرتضی تبریزی؟  
متولد شانزدهم دی‌ماه ۱۳۶۹ هستم و زاده همدان. فوتبالم را ابتدا در تیم استقلال همدان و زیر نظر محمد همایی و همایون غفارزاده آغاز کردم و سپس در تیم تالار وحدت که محمود الماسی سرمربی‌اش بود ادامه دادم تا اینکه راهی مس کرمان شدم.

مس کرمان؛ چطور شد یک‌باره به این تیم مطرح رفتی؟  
من در دوره هنرستان در رشته تربیت‌بدنی درس خواندم و همین سبب شد تا دانشگاه کرمان و در رشته تربیت‌بدنی قبول شدم و به خاطر علاقه‌ای که به ادامه تحصیلات داشتم، بار این مسافت طولانی را بر دوش کشیدم و همان‌جا بود که به خاطر شرایط بازی توانستم به تیم امیدهای مس راه یابم.

اما به تیم پاس برگشتی؟  
درسته. اتمام درسم مصادف شد با سال سوم انتقال پاس به همدان و علاقه‌مند بودم در این تیم که سابق درخشانی در فوتبال کشور داشت، عضو شوم. در تست‌گیری این تیم حضور یافتم و ظرف یک ربع علی‌اصغر مدیرروستا سرمربی وقت پاس انتخابم کرد.

لحظه دوست‌داشتنی برایت بود؟  
قطعاً. نفر اول بودم که خیلی سریع توسط آقای مدیرروستا انتخاب شدم و درواقع وی فوتبالم را احیا کرد.

بنابراین جزو بازیکنان ثابت پاس شدی؟  
من در آن سال جزو امیدها و زیر ۲۳ ساله‌ها بودم و از این بابت خیلی خوشحال بودم که پاس را در لیگ برتر فوتبال کشور همراهی می‌کنم.

اولین قراردادت چقدر بود؟  
درزمانی که زیر ۲۳ ساله‌های پاس بودم، ۱۵ میلیون قرارداد بستم. انقدر خوشحال بودم که در اوج شادمانی این خبر را به خانواده‌ام دادم و اعضای خانواده هم بسیار خوشحال شدند. همیشه قدر قرارداد اولیام را می‌دانم و یاد خوشحالی‌های آن زمان می‌افتم. ۱۵ میلیون در آن زمان و برای بازیکن زیر ۲۳ سال خیلی پول بود و از این بابت هم خوشحال بودم.

بعد قراردادهایت افزایش یافت؟  
بله - سال بعد شد ۲۵ میلیون و سال بعدش هم به ۴۰ میلیون رسید تا اینکه به ذوب آهن اصفهان رفتم.

در این سال‌ها که در پاس بودی با چه مربیانی کار کردی؟  
با اصغر مدیرروستا در لیگ برتر بودیم و سپس با فرار کمالوند و دو دوره با بگوویچ در لیگ یک عضو پاس بودم.

یاد دارم که از پرسپولیس هم پیشنهاد داشتی؟  
بله زمانی که بحبی گل‌محمدی سرمربی پرسپولیس بود برای فصل جدید انتخابم کرد و حتی قرارداد داخلی بستم اما همین که وی به ذوب آهن اصفهان رفت ترجیح داد به خاطر اینکه انتخاب این مربی بودم، در پرسپولیس ماندگار نشوم و در نهایت راهی ذوب آهن اصفهان شدم.

بنابراین علاقه خاصی بین شما و گل محمدی هست؟  
یحیی گل‌محمدی از مربیان با دانش و موفق فوتبال کشور است و افتخار می‌کنم شاگردی این مربی بااخلاق و دوست‌داشتنی را در کارنامه‌ام دارم.

مرتضی تبریزی استقلال است یا پرسپولیس؟  
من فقط به تیم ملی توجه دارم و آرزویم رسیدن به تیم ملی است. درواقع نه به پرسپولیس فکر می‌کنم نه به استقلال، فقط تیم ملی برایم مهم است.

اما امسال جزو ستاره‌های ذوب آهن در بازی مقابل پرسپولیس و استقلال بودی.  
خوب طبیعی است؛ بازی دو تیم پخش مستقیم داشت و تماشاگران زیادی این بازی را نگاه می‌کردند. همه بازیکنان دوست دارند در بازی‌های این‌چنینی با انگیزه‌تر ظاهر شوند و جزو بهترین‌های زمین باشند. خواست خدا بود در این دو بازی برای تیم خود موفق باشم.

مرتضی تبریزی با حضور در ذوب آهن چقدر قرارداد بسته است؟  
نمی‌خواهم اشلارهای به قرارداد داشته باشم اما این‌طور نیست که تصور کنید پول قابل توجهی گرفته‌ام. اینجا هم مشکلات مالی وجود دارد و با این حال تلاش ما موفقیت تیم است. من سال اول که به ذوب آهن آمدم لوکا بوناچیچ سرمربی بود و نتایج جالبی کسب نشد تا اینکه یحیی گل‌محمدی آمد و تیم را از انتهای جدول خارج کرد و بهترین دوران فوتبالی را با این سرمربی تجربه می‌کنم.

چند سال قبل با پاس تا یک‌قدمی لیگ برتر بودید اما به همین ذوب آهن باختید و تیم نرفت بالا، چرا؟  
واقعا با سختی توانستیم از سد تیم‌های لیگ عبور کنیم و برای رسیدن به لیگ برتر فقط ذوب آهن را مقابل خود داشتیم. مشکلات مالی اساسی‌ترین مانع در رسیدن ما به لیگ برتر بود. ببینید تیم ما قبل بازی با ذوب آهن تنها ۳۰ درصد گرفته بود و با این شرایط به پلی‌آف رسیده بودیم. مسئولان وعده‌های متعدد برای حل مشکلات مالی دادند. ۱۲ روز بود تمرین نکرد و به‌یکباره تصمیم به حضور در تمرین شد. آن‌هم در آستانه بازی مقابل ذوب آهن!



# طلای رضا برای هیات مدیره رنگی نداشت!



نیم فصل نخست لیگ دسته یک فوتبال کشور در حالی به پایان رسید که تیم تحت هدایت طلایی منش به مراتب عملکرد بسیار بهتر از زمانی که داوود مهابادی سرمربی پاس بود، به ثبت رسانده است.

مهابادی در ۱۰ بازی نخست لیگ دسته یک هدایت تیم پاس همدان را برعهده داشت که حاصل آن فقط ۸ امتیاز بود. مهابادی در ۱۰ هفته نخست این رقابت‌ها به ترتیب با تیم‌های چهاردهم، سیزدهم، دوم، دوازدهم، نهم،

بیستم، ششم، هشتم، نهم و شانزدهم جدول بازی کرد. در واقع بیشتر بازی‌هایی که مهابادی سرمربی تیم پاس بود با تیم‌های نیمه دوم جدول برگزار شد.

## برتری مقابل مس بهترین نتیجه

بهترین نتیجه‌ای که مهابادی در ۱۰ دیداری که هدایت پاس را عهده دار بود، برتری ۳ بر یک مقابل مس رفسنجان بود. او تنها این برد را برای پاس کسب کرد. بردی که به گفته کارشناسان ناپلونی به دست آمد و پاس در چند دقیقه طولان به پا کرد. دیداری که مهابادی همه بازیکنانش را در اختیار داشت و هفته نهم، هفته‌های شیرین برای پاسی‌ها بود. این دیدار در همدان برگزار شد.

## رکورددار تساوی

مهابادی از ۱۰ بازی ۵ بار تساوی کسب کرد. تیم او در هفته‌های اول، سوم، ششم، هفتم، یازدهم به ترتیب مقابل تیم‌های شهرداری اردبیل، فجرسپاسی شیراز، نساجی مازندران، پارسه تهران و آلومینیوم هرمزگان مساوی کرد. در واقع ۳ بازی تساوی شده با تیم‌های پایین جدول بود. از این ۵ بازی، ۴ دیدار در خانه و یک بازی خارج از خانه برگزار شد. این تساوی‌های خانگی قطع به یقین به ضرر پاس بود چراکه نیم فصل دوم باید میهمان این تیم‌ها باشد.

## ۴ باخت کشنده

تیم مهابادی در ۴ بازی شکست را پذیرا شد. هر ۴ باخت نیز خارج از خانه برگزار شده است. پاسی‌ها به ترتیب مقابل تیم‌های داماش گیلان در هفته دوم، ایران جوان بوشهر در هفته چهارم، ماشین سازی تبریز در هفته هشتم و گل گهرسیرجان در هفته دهم شکست خوردند. شکست پاسی‌ها در مدت سرمربی‌گری مهابادی به باخت ۲ بر یک مقابل ماشین سازی تبریز بر می‌گردد. شکستی که حتی موجب شد مهابادی در رختکن از شاگردانش خداحافظی کند!

## ۱۰ گل زده و ۱۳ گل خورده!

تیم مهابادی از ۱۰ بازی انجام داده ۱۰ گل به ثمر رساند. یعنی در هر بازی یک گل! اما ۱۳ گل نیز دریافت کرد. یعنی ۳ گل بیش از ۱۰ گل خورده در ۱۰ بازی! در واقع تیم مهابادی عکس سال گذشته در خط دفاع بسیار متزلزل ظاهر شد و نتوانست آنطور که باید از دروازه خود دفاع کند. نکته اینکه بیشتر گل‌های خورده پاس در دقایق پایانی دریافت شد.

## استفاده از تمام نفرات

تیم تحت هدایت مهابادی همه نفرات را در اختیار داشت. در واقع مهابادی با دست پر در میادین حضور می‌یافت. البته در این بین روح... سلطانی از هفته چهارم پاس را به دلیل مصدومیت شدید تنها گذاشت و جهانگیر عسگری هم مدام مصدوم و محروم بود! اما در مجموع مهابادی همه ابزارش برای کسب نتیجه را در اختیار داشت اما هرگز تمرکز لازم را برای موفقیت پاس نداشت!

## آغاز طلایی منش با لشکر شکست خورده!

رضا طلایی منش اما زمانی تیم پاس را تحویل گرفت که پاس برخی بازیکنانش را از دست داده بود. به مصدومیت زدن برخی بازیکنان، محروم‌ها و اعزام نامطلوب تیم به خرم آباد با تمرین نصفه و نیمه، نتیجه‌ای جز باخت به همراه نیامورد. طلایی منش به دلیل کمبود بازیکن، به ناچار بیشتر زیر ۲۳ ساله‌هایش را در ترکیب ۱۸ نفره بازی مقابل خیبر قرار داد. باخت تیمش مقابل خیبر هم براساس اشتباهات فردی رقم خورد تا بدترین نتیجه پس از شکست ۳ بر یک بازی با ماشین سازی رقم بخورد. او در ۱۰ بازی که هدایت پاس را برعهده داشت خیلی از بازیکنان را به دفعات در اختیار نداشت. چند بازیکن کلیدی جدا شدند، عده‌ای هم مشتری پروپا قرص مصدومیت و شماری هم محروم بودند.

## سه برد حیاتی

تیم تحت هدایت طلایی از ۱۰ بازی انجام داده به سه برد رسید. هر ۲ برد خانگی و به ترتیب برابر فولاد یزد در بازی هفته دوازدهم، نفت مسجد سلیمان از معوقه هفته پنجم و شهرداری اردبیل در هفته بیستم بود. بردی که موجب شد پاس در پایان نیم فصل اول حداقل به رتبه هفدهم برسد!

## سه تساوی با مدعیان صعود

پاس برابر گیتی‌پسند می‌توانست در خانه پیروز شود اما برابر این حریف تن به تساوی داد و ۲ مساوی برابر نفت آبادان در هفته چهاردهم و پیکان در هفته شانزدهم در واقع مقابل تیم‌های قدرتمند و مدعی صعود بود. البته نباید فراموش کرد که این بازی‌ها خانگی نبود و انتظار در خانه فقط کسب پیروزی است. از ۱۰ بازی انجام شده، ۳ بار شاگردان آن زمان طلایی به تساوی رسیدند.

## چهار باخت عجیب

تیم تحت هدایت طلایی در ۴ بازی به ترتیب مقابل تیم‌های خیبر خرم آباد، آلومینیوم اراک، خونه به خونه بابل و مس کرمان شکست خورد. نکته مهم اینکه تیم پاس در ۳ بازی مقابل تیم‌های پنجگانه چهارم و سوم جدول شکست خورد.

## بی رنق در گلزنی

تیم پاس در نیم فصل اول، در مجموع ۱۰ بازی تحت هدایت طلایی منش کم گل زده است. آنها در ۸ بازی تنها ۲ گل زدند و در دو دیدار پایانی هم ۵ گل به ثمر رساندند. آنها همچنین در ۱۰ بازی پایان ۹ گل دریافت کردند.

## طلایی بهتر از مهابادی

آمار می‌گوید طلایی از مهابادی بهتر کار کرده است!

تیم تحت هدایت طلایی به مراتب بهتر از مهابادی کار کرد و به اذعان کارشناسان توانست ضمن ارائه بازی‌های زیبا، پایانی خوش را در نیم فصل اول با یک برد دیگر برای هواداران ثبت کند. او در واقع عکس مهابادی بیشتر میل به بازی‌های هجومی دارد. مهابادی در بیشتر بازی‌ها سیستم ۴-۱-۴-۱ را به کار می‌برد که حتی به ۱-۲-۳-۴ هم می‌رسید! اما طلایی در بیشتر بازی‌ها سیستم ۴-۲-۴ را پیاده کرد و حتی در مواقعی با ۳ مهاجم بازی کرد. مهم اینکه طلایی از وجود همدانی‌ها بیشتر بهره برده است. بازیکنانی نظیر لطفی، صالحی و عفراتی در زمان مهابادی فرصت حضور در بین ۱۸ بازیکن را نداشتند اما طلایی منش به آنها حتی میدان هم داد. طلایی در حالی هدایت پاس را عهده‌دار شد که نفراتی نظیر جهانگیر عسگری، رسول پیرزاد، پیمان نامور، مختار جمعه‌زاده، روح... سلطانی و وحید محمدی رفته رفته به دلایل مختلف از تیمش کنار رفتند. در واقع او با کمتر از نیمی از ترکیب اصلی مهابادی توانست از وی سبقت بگیرد.

## اخراج به سبک عرب‌ها

بعد از استعفای مهابادی و سپردن سکان هدایت پاس به رضا طلایی منش، این مربی بومی هم دوام چندانی در تیم پاس نداشت تا ثابت شود این تیم حتی به بومی‌ها هم رحم نمی‌کند! در واقع به اذعان کارشناسان طلایی منش این اواخر خوب داشت نتیجه می‌گرفت. او دو برد پیاپی به دست آورد تا پاس از انتهای جدول کنده شود منتهی دیر استارت زد و طلای رضا برای هیات مدیره دیگر بی رنگ شده بود.

در واقع هیات مدیره تصمیم خودش را مبنی بر تغییرات گرفته بود و خیلی بی‌سرسر و صدا طلایی منش را کنار زدند. هر چند این اقدام دور از انتظار بود اما به هر حال تصمیمات پهلویی هیات مدیره بازهم سرانجامی تلخ و این بار برای رضا طلایی منش داشت.

این نوع اخراج پیشتر ما را یاد فوتبال عرب‌ها انداخت. یعنی خیلی زود حوصله مدیران سر می‌رود و تغییرات را بهترین راه حل می‌دانند!

## ورز کار و پورعلی ستاره پاسی‌ها

همیشه می‌گویند دود از کنده بلند می‌شود. دو مدافع و هافبک باتجربه پاسی‌ها که سن و سالشان بیش از سایرین است در نیم فصل اول بهترین‌ها بودند.

ورز کار در تمام ۲۰ بازی انجام شده تیم پاس حضوری ثابت داشت و در تمامی بازی‌ها ۹۰ دقیقه در میدان بود. امین پورعلی هم اگر دچار مصدومیت نمی‌شد به اندازه ورز کار می‌توانست انجام وظیفه کند.

یکی از ویژگی‌های بارز محسن ورز کار که در هیچ جای فوتبال کشور دیده نشده و مختص معمار پاسی‌ها است، پاس با زانو به عقب است!

امین پورعلی هم با گل‌های حساس خود و همکاری تاثیرگذار در خط دفاعی پاس یکی از مهره‌های کلیدی نیم فصل اول بود.

## لطفی پدیده شد!

محسن لطفی به همراه محمدرضا مولایی جزو زیر ۲۳ ساله‌های پاس بودند که در نیم فصل اول به خصوص بازی‌های پایانی و تحت هدایت رضا طلایی منش در ترکیب ثابت قرار می‌گرفتند. لطفی در بازی مقابل نفت مسجد سلیمان و شهرداری اردبیل دو گل حساس به ثمر رساند و یکی از عوامل مهم در پیروزی‌های پاس بود.

## نادر هوشیار، چپ پای کلاسیک

نادر هوشیار بدون تردید چپ پای کلاسیک پاسی‌ها به شمار می‌رود. این بازیکن با ارسال‌های موج و خطرناک خود بارها مهاجمان را در فرصت‌گزنی قرار داد. هر چند در نیم فصل اول زیاد به او فرصت همکاری در بازی‌های هجومی داده نمی‌شد اما همچنان در تک نفوذهای خود نیز خطرناک بوده و هست.

## بازیکنان پرنوسان

میلااد صادقیان و وحید جلالی نیا جزو بازیکنانی بودند که در نیم فصل اول نوسان زیادی داشتند. گاهی در برخی دیدارها عالی و گهگاهی نیز عملکرد پرتافتی داشتند. به خصوص اینکه هر دو در نیم فصل اول یکبار از زمین اخراج هم شده‌اند.

## بدشانسی‌ها!

پیمان نامور بدون تردید بدشانس‌ترین بازیکن پاس محسوب می‌شود. بازیکنی که در اوج فوتبالی خود دچار پارگی رباط صلیبی شد و خانه نشین شد. روح الله سلطانی نیز با شکستی پا مواجه شد و از فوتبال کناره‌گیری کرد. مختار جمعه زاده نیز در شرایطی که تازه خود را پیدا کرده بود، دچار مصدومیت شدید شد تا چند ماه از میادین فوتبال به دور بماند. کارشناسان دلیل اینگونه مصدومیت‌های شدید را بدنسازی نامطلوب ابتدای فصل می‌دانند.

## گل‌های نامطمئن

اینکه از فاصله ۴۰ متری چندین بار گل دریافت شود، فقط برای مسعود همامی صدق می‌کند. یکی از بالاترین قراردادهای تاریخ فوتبال پاس در لیگ یک را منعقد کرد و چنان گل‌های کشنده‌ای دریافت کرد که پاس حالا حالا نمی‌تواند آنها را جبران کند.

دو گل از فاصله ۴۰ متری در بازی رفت مقابل ایران جوان بوشهر و خیبر خرم آباد نسخه شکست پاس را پیچید. بازیکنی که خود را وارد حاشیه‌ها کرد تا بهانه‌ای برای جدایی از این تیم با دریافت درصد قابل توجهی از قراردادش شود!

مسعود پورمحمد به مراتب بهتر ظاهر شد. سنگربان با اخلاق پاسی‌ها هر چند در دیدارهایی نظیر داماش گیلان و آلومینیوم اراک در دریافت گل مقصر بود اما در برخی صحنه‌ها همچون بازی با شهرداری اردبیل در دور برگشت عالی کار کرد.

## مهاجمان گل‌زن و پر ادعا

محسن آذرباد، سعید خردمند و جهانگیر عسگری از همان ابتدای فصل مدام درگیر حاشیه بودند. بهانه آنها پول بود و انقدر در بازی‌های پاس موقعیت از دست دادند که تماشاگران از بازی آنها سیراب شدند. البته جهانگیر عسگری در چند بازی موثر واقع شد اما خصلت این بازیکن که مصدومیت‌های الکی و تن‌ندان به مسابقات دور خارج از خانه بود، منجر به جدایی‌اش از پاس شد.

در این بین آرمان رضایی و نیما پرتویی هم به اندازه کافی فرصت بازی پیدا نکردند تا به قدری از آمادگی مطلوب سال قبل خود به دور باشند که نتوانند در حد انتظار موفق عمل کنند.

## بی اعتمادی به بومی‌ها

در زمان مهابادی اعتماد چندانی به سه بازیکن بومی نشد! سیدجمال معصومی کمتر به بازی گرفته شد، آرمن طلایی منش دقیقه‌ای بازی می‌کرد و حسین کاظمی هم اگر بومی فرض بداریم زیاد مورد توجه مهابادی نبود.

طلایی منش برحسب موقعیت سرنوشت ساز پاس از هر سه بازیکن استفاده لازم را داشت و اتفاقاً در ترکیب تیمش خوب بودند. اما حتی تلاش این سه بازیکن هم چیزی عاید تیم نکرد و در اغلب بازی‌ها در باخت‌ها به ناچار شریک شدند!

## نیمکت نشینان بی ادعا!

صادق کریمی و مابقی نیمکت نشینان مطلق پاس هم در سکوت بسر برده و اثری از حضورشان در زمین نبود. البته صادق کریمی در ابتدای فصل در ترکیب اصلی حضور داشت اما رفته رفته کنار گذاشته شد. سایر بازیکنان زیر ۲۳ سال نیز فرصت حضور پیدا نکردند.

## عزیزی جور یدی را کشید!

هر اندازه که گفته می‌شود بهرام یدی قراردادهای تیم پاس را تا ۵ میلیارد و خرده‌ای بست! عزیزی مدعی است که قراردادهای او در نیم فصل با جدایی چندین بازیکن و مربی به کمتر از نصف کاهش داده است. بازیکنان زمان بهرام یدی ۱۰ درصد از قراردادهای او دریافت کردند و عزیزی این رقم را به بالای ۳۰ درصد رساند!

عزیزی سه بار دست به تغییر مربی زد که از این نظر به نوعی رکورددار است. حالا هواداران پاس منتظرند ببینند آتش یدی و عزیزی در پایان فصل چه طعمی خواهد شد؟!

# توجه به نخبگان ورزشی از مهم‌تر

نزدیک به چهار ماه

از مدیریت رسول منعم در اداره کل ورزش

و جوانان استان همدان می‌گذرد و محوریت ورزش در نشریه فرهنگی

ورزشی «اکباتان» فرصتی را فراهم کرد تا اولین واژه‌های ورزش استان در این نشریه با سخنان

متولی آن رقم بخورد. بدون شک آگاهی از پیشینه و سابقه مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان برای مخاطبان ورزش دوست

همدانی، یکی از دغدغه‌ها و سؤالات مهم است و با توجه به این موضوع اولین پرسش «اکباتان» از رسول منعم با معرفی خود و ارائه پیشینه

و سابقه ورزشی و مدیریت او شروع شد. محصل پرسش و پاسخ «اکباتان» با مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان را در ادامه می‌خوانید.

## ماهنامه فرهنگی، ورزشی استان همدان



# اکباتان



خود را برای حضور ورزشکاران استان در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا افزایش دهیم. به هیئت‌های ورزشی ابلاغ شده که اعتبارات بر اساس برنامه بین هیئت‌ها تقسیم خواهد شد و به این ترتیب هر هیئتی برنامه بیشتری داشته باشد از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد شد. استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در ورزش بر اساس ماده ۵۳ از فرصت‌های ورزش و جوانان به شمار می‌رود که در این خصوص اطلاع‌رسانی خواهیم کرد چراکه اگر بتوانیم حمایت بخش خصوصی و همچنین اعتبارات دستگاه‌ها را برای توجه به ورزش قهرمانی جذب کنیم، توسعه ورزش را در آینده شاهد خواهیم بود.

توجه و حمایت از تیم‌های حاضر در لیگ‌های کشوری یکی دیگر از سیاست‌هایی است که باید در این زمینه برنامه‌ریزی و نظارت بیشتری را داشته باشیم. تشکیل کمیته نظارت بر عملکرد هیئت‌های ورزشی از جمله برنامه‌های موردنظر ورزش و جوانان استان است و با تشکیل آن، کارشناسان این کمیته در برنامه‌ها، مسابقات و اردوها حضور خواهند داشت و در این خصوص گزارش ارائه خواهند کرد.

در بخش جوانان نیز اعتقاد داریم که جوانان باید به‌خوبی حمایت شوند و در این راستا ستاد ساماندهی امور جوانان تشکیل شده که بیشترین نتیجه‌گیری را در خصوص حمایت از جوانان به دنبال خواهد داشت. حمایت از سمن‌ها، کارآفرینی، اشتغال و ازدواج از جمله مهم‌ترین برنامه‌ها است که به شهرستان‌ها نیز تأکید شده که توجه کافی را به این موضوعات داشته باشند.

کردیم و از نزدیک با شرایط ورزشکاران و قهرمانان این فدراسیون‌ها آشنا شدیم و در اردوها با مربیان در ارتباط بودیم و توان خود را به کار گرفتیم که از حمایت و عنایت فدراسیون‌ها برای توانمندسازی ورزشکاران رشته‌های مختلف استفاده کنیم. تشکیل جلسات تخصصی با هیئت‌های ورزشی از دیگر برنامه‌های ما در طول مدت اخیر بود و معاونت ورزشی اداره کل به تشکیل این جلسات با اعضای هیئت‌ها مجاب شد و با این اقدام، بیشتر به دنبال این هستیم که برنامه‌های حوزه ورزش پس‌از این جلسات جمع‌بندی شود و تأمین و تجهیز نیازمندی‌ها و امکانات و همچنین رفع مشکلات را در دستور کار قرار دهیم.

بر اساس آنچه برنامه‌ریزی شده نشست‌هایی برگزار خواهد شد و در این نشست‌ها، هیئت‌های ورزشی ارزیابی و به سه سطح برتر، میانه و ضعیف تقسیم خواهند شد و پس از این تقسیم‌بندی، جلسات مشترک با این هیئت‌ها برگزار و شاخص‌های مثبت و منفی موردبررسی و یا چالش قرار خواهد گرفت. توجه به استعدادیابی از مهم‌ترین برنامه‌های ما به شمار می‌رود و به هیئت‌های ورزشی تأکید شده که عنایت کافی را در این زمینه داشته باشند چراکه آینده ورزش با استعدادیابی رقم خواهد خورد.

پایگاه قهرمانی استان همدان تجهیز شده و سعی بر این است که تجهیزات تکمیل و شرایط برای رشد و بلوغ نخبگان استان و بهبود شرایط جسمانی آن‌ها فراهم شود.

توجه به نخبگان ورزشی یکی از اولویت‌های کاری ما به شمار می‌رود و به دنبال این هستیم که آمادگی

**اکباتان: اهداف و سیاست‌های شما در اداره کل ورزش و جوانان چیست و چه هدفی را برای توسعه ورزش در استان همدان در دستور کار خود قرار داده‌اید؟**

منعم: در تلاش هستیم که برنامه‌های کوتاه‌مدت را با همکاری مجموعه استان برای مدیریت ورزش و جوانان استان همدان تنظیم کنیم و در کنار آن تدوین برنامه میان‌مدت را نیز در نظر داریم که با همکاری مجموعه ورزش و جوانان انجام خواهد شد. ما در این مجموعه به دنبال این هستیم روندی که در چند سال اخیر در بخش زیرساخت‌های ورزش و جوانان فراهم شده و نتیجه تلاش مدیرکل قبلی است، ارج بنهیم و وظیفه‌داریم این روند را هم حفظ کنیم و هم توسعه دهیم.

اعتقاد داریم از زیرساخت‌ها برای پیشبرد اهداف استفاده کنیم و از طرفی دیگر تخصصی کردن فضای ورزشی را در قالب هیئت‌ها در نظر داریم و به دنبال این هستیم که از ظرفیت هیئت‌ها که در بهبود ورزش برای ایجاد آمادگی جهت حضور ورزشکاران در المپیک ریودزانیرو، کمیته مستعدین را در استان تشکیل دادیم و ۱۸ قهرمان در ۱۱ رشته ورزشی شناسایی شدند و تلاش کردیم علیرغم محدودیت‌های موجود، شرایط و امکانات این ورزشکاران را رصد کنیم؛ به‌طوری‌که کمک‌هزینه ماهیانه را برای این ورزشکاران در نظر گرفتیم و برای پیشبرد امور با فدراسیون‌ها در ارتباط بودیم.

در طول مدت اخیر با سه فدراسیون ارتباط برقرار

بودم و پس از نپاوند به زادگاه خود شهرستان ملایر منتقل شدم و چهار سال مدیر تربیت‌بدنی شهرستان ملایر بودم و با توجه به شرایط به استان قم منتقل شدم و به‌عنوان معاون در سازمان تربیت‌بدنی استان قم فعالیت خود را ادامه دادم و بنا بر اعتماد مجموعه این استان، در سال ۹۱ سمت ریاست این سازمان به من پیشنهاد شد که با توجه به تمایل رئیس فعلی به ادامه ریاست، این پیشنهاد را نپذیرفتم.

پس از پایان فعالیتیم در قم به‌طور مجدد به همدان منتقل شدم و سه سال به معاون ورزش اداره کل ورزش و جوانان مشغول به کار بودم که بر اساس تجاربی که به همراه داشتم، بنا بر پیشنهاد وزارت ورزش و جوانان به‌عنوان مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان انتخاب شدم و فعالیت خود را به‌عنوان مدیرکل از چندماه پیش آغاز کردم.

**اکباتان: مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان سابقه ورزشکاری هم دارد؟**

منعم: تخصص اصلی من رشته کشتی است و از دوازده‌سالگی این رشته را شروع کردم، زمانی که وارد کشتی شدم کفش کشتی اندازه پای من نبود. از همان ابتدای ورود به ورزش اعتقاد زیادی به رعایت مسائل اخلاقی داشتم و در طول ۹ سال فعالیت ورزشی، خاطرات خوبی را به‌جا گذاشتم و تلاش کردم بعد قهرمانی و اخلاقی را به صورت توأمان دنبال کنم. پس از رشته کشتی در رشته شنا و آمادگی جسمانی تجربه کسب کردم و در هر سه رشته موفق به کسب کارت مربیگری شدم.

علاوه بر این یکی از علاقه‌مندان و بنیان‌گذاران ورزش صبحگاهی در شهرستان‌های استان بوده‌ام.

**اکباتان: در ابتدا خودتان را معرفی کنید.**

منعم: من رسول منعم، متولد سال ۱۳۴۶ در شهرستان ملایر هستم و برخلاف اینکه شاید برخی بر این عقیده داشته باشند که تاریخ تولد من با ظاهرم همخوانی ندارد اما باید بگویم که دوران پر فرازونشیبی را سپری کرده‌ام.

در سال ۱۳۶۹ به‌عنوان دانشجوی رشته تربیت‌بدنی در دانشگاه شهید چمران اهواز تحصیلات دانشگاهی خود را آغاز کردم و زیر نظر سازمان تربیت‌بدنی، تحصیلات خود را در مقطع کاردانی در اهواز سپری کردم و برای گذراندن دوره کارشناسی نیز در بوشهر حضور یافتم و از آنجا که از ابتدا علاقه‌مند به فعالیت، آینده‌نگری و نشان دادن ذوق کاری‌ام بودم سه سال در استان بوشهر، به‌عنوان مسئول روابط عمومی سازمان تربیت‌بدنی بوشهر مشغول به کار شدم.

از بوشهر برای ادامه تحصیل به تهران رفتم و دوره کارشناسی را در دانشگاه زیر نظر سازمان تربیت‌بدنی طی کردم و پس از پایان تحصیل به همدان منتقل شدم و در زمان سرپرستی کیومرث هاشمی در سازمان تربیت‌بدنی استان همدان، به‌عنوان مسئول روابط عمومی فعالیت خود را شروع کردم و پس از مدتی تقدیر بر این بود که به‌عنوان مدیر شهرستانی به کیودر اهنگ منتقل شوم و به مدت چهار سال به‌عنوان رئیس اداره تربیت‌بدنی شهرستان کیودر اهنگ مشغول به فعالیت شوم.

بنا بر ضرورت به مدت دو سال در این شهرستان مسئولیت داشتم و سپس به شهرستان نپاوند انتقال پیدا کردم و دو سال رئیس تربیت‌بدنی این شهرستان

# این اولویتهای ورزش و جوانان است

در حال حاضر ۷۵ سمن در استان فعال هستند و ۱۵ سمن در آستانه صدور مجوز قرار دارند که البته ظرفیت استان همدان بیش از این تعداد سمن است. شش کارگروه در بخش سازمانهای مردم‌نهاد تشکیل شده که مباحث موردنظر در این کارگروهها در شورای سمنها بررسی می‌شود. در بخش زیرساختهای اداره کل ورزش و جوانان استان همدان، ۷۰ پروژه نیمه‌تمام داریم که برای تکمیل نیاز به ۶۵ میلیارد تومان اعتبار دارد و اعتقاد داریم که بر اساس ماده ۲۷ مبنی بر واگذاری به بخش خصوصی به‌خوبی وارد شویم و در قدم اول ۱۰ پروژه را برای واگذاری به بخش خصوصی آماده کردیم و در این زمینه یکی از استانهای پیشتاز هستیم.

در ماده ۱۰ و ۱۷ مبنی بر واگذاری پروژههای ورزشی به خیرین نیز اقداماتی همچون تشکیل مجمع خیرین انجام شده و امیدواریم لیست طرحها برای واگذاری هرچه سریعتر تکمیل شود. امید می‌رود با فروش فضاهای مزاد بتوانیم پروژههای نیمه‌تمام را تکمیل کنیم که بر این اساس، سه سالن همدان با فروش این فضاها تکمیل می‌شود.

از سویی دیگر به دنبال افزایش حقوق کارکنان اداره کل ورزش و جوانان هستیم چراکه این موضوع، انگیزه کارکنان را افزایش خواهد داد و امید می‌رود با هماهنگی استانداری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی این هدف به نتیجه برسد.

به دنبال این هستیم که به بازنشتگان توجهی بیش از پیش داشته باشیم که در این راستا در ابتدا سرکشی از خانواده بازنشتگان را در دستور کار قرار دادیم که به‌طورقطع هم در تقویت روحیه بازنشتگان و هم جوانان اثرگذار خواهد بود.

در این راستا صندوق حمایت از بازنشتگان باید فعال شود که مراحل اجرایی آن در حال پیگیری است، از طرفی مجمع حمایت از پیشکسوتان نیز تشکیل شده است. بخش عمده برنامه ما این است که مشکلات مالی را با ارائه برنامه به سازمان مدیریت و اخذ اعتبار، برطرف کنیم که در این راستا لیست نیازمندیها تهیه شده است.

در حال حاضر ۴۰۰ هیئت ورزشی فعال در استان همدان داریم و تأکید ما به هیئتهای ورزشی این بوده که برنامه‌ریزی را تنها به شهرستان همدان به‌عنوان پایتخت استان معطوف نکنند و برنامه‌ها استانی باشد. سازماندهی هیئتها و مجامع انتخابات آن‌ها به‌روز شده و به‌جز مجامع انتخاباتی، مجامع سالانه نیز برگزار می‌شود و اعتقاد بر این است که هرچه ارتباط با فدراسیونها بیشتر شود ورزش موفقتر خواهد بود و از طرفی وظیفه فدراسیونها این است که در استانها حضور داشته باشند و مباحث را به چالش بکشند.

**اکیاتان: یکی از دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های اهالی ورزش، صبور و محبوب به حیا بودن مدیرکل ورزش و جوانان است و اینکه آیا این صبوری در مدیریت هم جریان دارد؟**

منعم: هر انسانی چارچوب ذهنی و تفکری مخصوص به خود را دارد و همه انسانها یک‌شکل نیستند؛ من معتقدم که در کمال آرامش و بسا ایجاد فضای آرام، می‌توان کارها را به بهترین شکل پیش برد اما از طرفی اگر نیاز به جدی بودن و برخورد در کار باشد، به‌هیچ‌عنوان ملاحظه نخواهم کرد. من در چهار شهرستان مسئولیت داشتم و بر اساس این سوابق، تنها چیزی که در کار من نبوده ملاحظه‌کاری است و به‌هیچ‌عنوان به دنبال ملاحظه نیوسم و هرچا که نیاز به ورود به مسائل بوده، وارد شدم؛ در کنار اینکه معتقدم باید امور را با مشورت پیش برد اما در هر کاری که نیاز بوده ورود پیدا کردم تا آن‌ها به نتیجه برسند؛ بنابراین به‌جرات می‌گویم که ملاحظه‌گری و برخورد آرام در مدیریت، هیچ خللی را به ورزش و مدیریت آن وارد نکرده است.

**اکیاتان: ضمن تبریک انتصاب «علی ضمیری» به‌عنوان معاون ورزش و جوانان استان همدان، آیا این انتصاب با نظر مستقیم خود شما انجام شده است؟**

منعم: اعتقاد زیادی به استفاده از تجارب نیروهای مجموعه دارم و تا جایی که این امکان وجود داشته باشد، از این نیروها استفاده خواهم کرد. اعتقاد دارم باید از توانایی موجود بهره گرفت و علیرغم سفارشات بسیاری که برای انتصاب افرادی به‌عنوان معاون ورزش اداره کل ورزش و جوانان انجام شد، با رعایت احترام سفارش‌دهندگان، علی ضمیری را به‌عنوان معاون انتخاب کردم و به‌جرات می‌گویم انتخاب وی سفارش هیچ‌کسی نبوده است.

ضمیری هم نیرویی جوان است و هم سلامت کاری در وی دیده می‌شود و بر اساس اینکه او شخصیتی

جویسای نام، با انگیزه و با اشتیاق بود و از طرفی مدرک کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی داشت و مدرس فدراسیون فوتبال نیز بود، این انتخاب انجام شد.

**اکیاتان: آیا تغییرات دیگری را نیز در دستور کار دارید؟**

منعم: تغییرات طبیعی است اما با مجموعه فعلی، امور را به‌خوبی پیش می‌بریم و سیستم به‌اندازه کافی نیروی با انگیزه دارد که اگر قرار باشد جایجایی صورت بگیرد از اعضای این مجموعه استفاده خواهد شد.

**اکیاتان: نظر شما در رابطه با استفاده از افراد غیرمرتبط با حوزه ورزش به‌عنوان رؤسای هیئتهای ورزشی چیست؟**

منعم: در انتخاب و تعیین رؤسای هیئتها باید شرایط سنجیده شود؛ در مواردی می‌توان شاهد توفیقات رؤسای غیرورزشی که صاحب جایگاه هستند، بود و از جایگاه و موقعیت آن‌ها در کنار نیروهای تخصصی برای بهبود ورزش بهره گرفت، البته در برخی موارد نیز انتخاب یک رئیس ورزشی می‌تواند به توفیقات ورزش کمک کند.

این تفکر که اگر رئیس هیئت غیرتخصصی باشد، توفیقی در ورزش حاصل نخواهد شد، اشتباه است و بدون شک می‌توان از موقعیت و جایگاه یک مدیر غیرتخصصی برای برقراری ارتباط و توسعه امور ورزش استفاده کرد.

**اکیاتان: با توجه به پیش رو بودن انتخابات و اینکه ورود هیئتهای ورزشی به مسائل انتخاباتی ممنوع است، چه تدبیری برای نظارت بر این موضوع اندیشیده شده است؟**

منعم: اعتقاد داریم که فضای مدیریتی ورزش و هیئتهای ورزشی باید عاری از فعالیت‌های سیاسی باشد و در این راستا بخشنامه‌هایی به هیئتها و ریاست ورزش و جوانان شهرستانها ابلاغ شده و قرار بر این است که امانت‌دار باشیم و همه می‌دانیم فضای ورزش فضایی برای جانب‌داری نیست. به زیرمجموعه ورزش و جوانان توصیه شده که افراد به‌هیچ‌وجه اجازه ورود به مسائل سیاسی را ندارند و استفاده از امکانات و تجهیزات اداری و منابع ساختاری برای اهداف انتخاباتی ممنوع است.

فضای ورزشی استان باید بی‌طرفانه باشد و جانب‌داری را در این فضا از بین ببریم تا با عملکرد مثبت و ایجاد فضای شادی و نشاط زمینه حضور پرشور مردم را در انتخابات فراهم کنیم.

**اکیاتان: مردم از کارکنان مجموعه ورزشی و ورزشکاران انتظار ظاهر و اخلاق ورزشی دارند و عملکرد برخی افراد با این اصول مغایرت دارد؛ تدبیری در خصوص ملزم کردن کارکنان به رعایت حداقلی اصول ورزشی اندیشیده شده است؟**

منعم: روح ورزش معنوی است و روحیه‌ای که باید در یک خدمتگزار و ورزشکار وجود داشته باشد روحیه معنوی و اخلاقی است، به‌طوری‌که بسیاری از مسائل نباید ایجاد شود و اعتقاد داریم که یک خدمتگزار باید الگوی تمام‌عیار مردم از همه جهات باشد و اگر شاهد این باشیم که یک قهرمان خارج از چارچوب اخلاقی عمل کند و به دنبال حاشیه‌سازی باشد، تذکر داده می‌شود.

در نظرسنجیها و تحقیقات صورت گرفته ۲۷ درصد از مردم، ورزشکاران و قهرمانان ورزشی را به‌عنوان الگوی خود معرفی کرده‌اند و باید قدردان این فضا باشیم و فضایی بدون شائبه ایجاد کنیم.

**اکیاتان: بر اساس انتقاداتی که هیئتهای ورزشی مطرح می‌کنند، اختصاصی اعتبارات به برخی هیئتها که از لحاظ امکانات سخت‌افزاری شرایط درآمذایی دارند، در برخی موارد حتی بیشتر از دیگر هیئتها بوده است؛ برنامه‌ای برای تغییر این روند دارید یا توزیع اعتبارات همچون گذشته انجام خواهد شد؟**

منعم: همان‌طور که گفته شد توزیع اعتبارات بر اساس شاخص‌های مربوطه انجام می‌شود و اختصاص اعتبارات به هیئتها به‌گونه‌ای خواهد بود که برنامه‌هایی که هر هیئتی تدوین می‌کنند در صورت تصویب در کمیته فنی اداره کل ورزش و جوانان استان، در صورت لزوم اعتبار دریافت خواهد کرد؛ همچنین در توزیع اعتبارات، امکانات درآمذایی هیئتها موردتوجه قرار خواهد گرفت.

تلاش ما بر این بوده که نیساز هر هیئت در صورت ضرورت تأمین شود و تا به امروز نیز در حد توان از هیئتهای ورزشی حمایت کردیم و به بهبود شرایط قهرمانان، توجه ویژه‌ای داشتیم به‌طوری‌که هیچ ورزشکار و قهرمانی از حمایت‌ها محروم نمانده است.

## اکیاتان:

### ضعف عمده ورزش و جوانان استان همدان در شرایط فعلی چیست؟

منعم: یکی از ضعفهای عمده در کشور این است که روند برنامه‌ریزی در مجموعه هیئتهای ورزشی سنتی است و اعتقاد و تأکید ما بر این است که هیئتها در برنامه‌ریزی‌ها، اولویتهای موردتوجه قرار دهند و بر اساس رسالت، ظرفیت و امکانات موجود، برنامه‌های خود را تدوین کنند و از طرفی مجموعه شهرستانها هیئتهای ورزشی استان به‌عنوان بازوان اجرایی باید اجازه ورود بخش خصوصی به ورزش را بدهند اما در برخی موارد شاهد این هستیم که هیئتها مقابل بخش خصوصی قرار دارند که این روند می‌تواند به توسعه ورزش و قهرمان‌پروری آسیب برساند.

شاید یکی از مشکلاتی که می‌توانیم به آن اشاره کنیم عدم بروز شدن دانش و مهارت نیروهای اداری و مجموعه هیئتهای ورزشی باشد و باید دانش کارکنان و اعضای هیئتها به‌روز شود و هیئتها در این راستا برگزاری دوره‌های ارتقاء دانش را موردتوجه قرار دهند.

یکی دیگر از مشکلاتی که متأسفانه در سیستم نظارتی استان شاهد هستیم برخورد همراه با امرورنهی و با سازوکار قهریه با باشگاه‌های بخش خصوصی است؛ اگر باشگاه خصوصی در عرصه ورزش وجود نداشته باشد ورزش و جوانان توان خدمت‌رسانی به مردم را نخواهد داشت لذا باید برای باشگاهها ارزش قائل باشیم و فضای تجلیل را در کنار تذکرات موردتوجه قرار دهیم به‌طوری‌که در ابتدا باید هشدارها را اطلاع‌رسانی کنیم و در نهایت در صورت مشاهده تخلفات، برخورد قانونی را در دستور کار قرار دهیم.

### اکیاتان: در شرایط فعلی چند درصد از هیئتها توانستند شرایط ایده‌آل ورزشی را در استان فراهم کنند؟

منعم: در همین مدتی که برنامه محوری و توجه به آینده‌نگری را برای هیئتها تشریح کردیم، توفیقاتی را شاهد بودیم، به‌طور مثال می‌توان به این موضوع اشاره کرد که شاید استان در برخی رشته‌ها توان فنی نداشته باشد و باید از مدرسین ملی و بین‌المللی استفاده کرد که در برخی از رشته‌ها این روند در دستور کار قرار گرفته است.

تشکیل مجامع سالیانه یکی از پیشنهادات ما به هیئتها بوده که می‌تواند در بهبود و توسعه روند ورزش اثرگذار باشد چراکه عملکرد اجرایی و فنی یک هیئت وقتی در جایگاه پاسخگویی قرار می‌گیرد، به چالش کشیده می‌شود و با این روند شاهد آینده بهتری در ورزش خواهیم بود.

از سویی دیگر افزایش افراد شرکت‌کننده در مجامع انتخاباتی هیئتها می‌تواند به تقویت روحیه دموکراسی و خدمت به ورزش

## کمک

کند. در طول مدت اخیر رعایت انضباط مالی را به هیئتها توصیه کردیم به‌طوری‌که درآمدها را به نحو مطلوب استفاده کنند و امیدواریم با این روش، شاهد شرایط خوبی در ورزش باشیم.

### اکیاتان: پرسش پایانی اینکه رویکرد شما در خصوص وضعیت باشگاه پاس چیست؟

منعم: علیرغم اینکه در محافل مطرح می‌شود وجود پاس به استان آسیب‌زده، اما اعتقاد قلبی بنده بر این است که پاس به‌عنوان موتور محرک ورزش تأثیرگذار است و ورزش قهرمانی را در سطح استان ارتقاء می‌دهد به‌طوری‌که وقتی پاس با قوت ظاهر می‌شود و عملکرد مثبتی دارد، نشاط و پویایی در ورزش استان موج می‌زند.

باید پاس را از قالب تک تیمی خارج کنیم و سه یا چهار رشته را تحت پوشش این باشگاه قرار دهیم و از طرفی دیگر با تفکر جمعی و پرهیز از تصمیمات انفرادی به نتایج بهتری برسیم.

در طول مدت اخیر هیئتمدیره پاس قوت بیشتری گرفته و همراه جلسات آن برگزار می‌شود؛ انتخاب هیئتمدیره قانونی و ساماندهی پاس در دستور کار قرار دارد و با این شرایط پاس می‌تواند برندی برای توسعه ورزش قهرمانی باشد و هر زمان پاس روند مثبتی داشته باشد جذب علاقه‌مندان را به دنبال خواهند داشت.

مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان در پایان این گفتگو تأکید کرد: نشریه "اکیاتان" می‌تواند در روند توسعه ورزش استان و ایجاد انگیزه در ورزشکاران اثرگذار باشد و ویژگی بارز نشریه اکیاتان این است که ماندگاری بیشتری بین اقشار خواهد داشت و با توجه به این موضوع اداره کل ورزش و جوانان استان همدان آمادگی خود برای حمایت از این نشریه را اعلام می‌کند.



آرش یوسفی

EKBATAN SPORT

ورزش و جوانان



**تخصص اصلی من رشته کشتی است و از دوازده‌سالگی این رشته را شروع کردم و زمانی که وارد کشتی شدم کفش کشتی اندازه پای من نبود**



**در حال حاضر ۴۰۰ هیئت ورزشی فعال در استان همدان داریم و تأکید ما به هیئتهای ورزشی این بوده که برنامه‌ریزی را تنها به شهرستان همدان به‌عنوان پایتخت استان معطوف نکنند و برنامه‌ها استانی باشد**



**من معتقدم که در کمال آرامش و با ایجاد فضای آرام، می‌توان کارها را به بهترین شکل پیش برد اما از طرفی اگر نیاز به جدی بودن و برخورد در کار باشد، به‌هیچ‌عنوان ملاحظه نخواهم کرد**



# الوند

## تشنه دوران طلایی کوهنوردی

استان همدان از جمله استان‌های غربی کشور است که به‌عنوان منطقه‌ای کوهستانی، دارای آب و هوایی معتدل در تابستان و سرد همراه با یخبندان در زمستان است. به‌نحوی که جز در دهه اخیر، همواره به‌عنوان سردترین نقطه ایران، طی سال‌های متمادی از آن یاد می‌شود. بارش‌های سنگین، زمستان‌های سخت و دره‌های پوشیده از یخ و برف از ویژگی‌های همدان است و مخلوق چنین طبیعتی، رودهای جاری در دامنه‌های کوه‌های استان است که در طول سال، با جریان خود، طراوت و شادابی خاصی را به مردمان دامنه‌هایش ارزانی می‌دارد.

جدا از ارتفاعات زیبای شهر نهاوند که ادامه زاگرس میانی است، باید گفت آنچه بیش از سایر ارتفاعات استان در میان علاقه‌مندان به طبیعت‌گردی و کوهنوردی شهره است کوهستان و رشته‌کوه الوند است که هر ساله بسیاری از عاشقانش را در دامان خود میزبانی می‌کند و اغراق نیست بگوییم که تاریخ ایران‌زمین و بلکه جهان و امدا ر آن است، زیرا الوند زادگاه حکمتانه‌ای است که پایتخت تاریخ و تمدن ایران به شمار می‌رود و تاریخ جهان بی‌تأثیر از حکومت‌ها و امپراطوری ایران نبوده و همواره از آن سهمی داشته است.

این کوهستان زیبا و پراب، با آب و هوایی منحصربه‌فرد و هزاران هزار چشمه با جهت جنوبی- شمالی در غرب همدان به طول حدوداً ۷۰ کیلومتر واقع شده و قلی چون کلاه قاضی، شاه‌نشین، یخچال، کمرلزون، چهارقله، الوند، کلاغ لانه، دائم برف، قزل ارسلان، کرکسین و آلمابلاغ را شامل می‌شود که از ارتفاع ۲۹۰۰ تا ۳۵۸۰ را در بردارد، گر چه در این بین الوند با ارتفاع ۳۴۲۸ متر، بیشترین ارتفاع اقبال عموم است و آن را بلندترین می‌نامند اما قله یخچال در ۱۵ کیلومتری جنوب شهر، مرتفع‌ترین قله است که برای رسیدن به آن باید بیش از الوند وقت و انرژی گذاشت.

وجود چنین ارتفاعاتی با پناهگاه‌ها و جان‌پناه‌هایی در خور، باعث شده تا هر ساله علاقه‌مندان زیادی خود را به دامان الوندی بسیارند که جایگاه مقدسی در میان عموم داشته است، به‌نحوی که هر ساله در موعدی خاص خود را مهیای صعود به آن می‌کنند و تماشای طلوع خورشید از فراز آن را از آرزوهای خود می‌دانند تا قسمشان به نام «شاه الوند» به‌حق باشد.

مهربانی الوند و چشمه‌های گوارای آن سبب شده تا هر کس که جرعه‌ای از چشمه گوارایش را نوش کند، عرق و علاقه خاصی بدان پیدا کند، طوری که دل‌کنندش را ناممکن داشته و تا لحظه مرگ، زندگی و پویایی الوند را به فراموشی نسپارند و هر سال و ماه به زیارتش بشتابند که ماحصل آن پرورش بزرگ‌مردان کوهنوردی است.

همدان زادگاه کوهنوردی است، خالق کوهنوردانی که نه تنها در همدان، که در کشور پرآوازه‌اند و نام و خاطرشان در خاطرات بسیاری جا گرفته و در دل خیلی از علاقه‌مندان نشان حک‌شده که از جمله «محمود اجل» که شاید بتوان او را که از

پیشکسوتان تاریخ کوهنوردی است به‌عنوان «پدر کوهنوردی ایران» به شمار آورد، آن چنانکه در دهه ۳۰ که کمتر فعالیتی در کوهنوردی کشور به چشم می‌خورد او قدم در فتح دماوند نهاد که بعدها بسیاری دنباله‌رو او شدند، فریدون اسماعیل‌زاده و بسیاری دیگر پیشکسوتانی بودند که بسیاری از قله‌ها را به‌عنوان «نخستین» صعود کردند، همچنین «نجائیان» و زنده‌یاد «مقدم» که سابقه درخشانی را در گشایش مسیرهای صعود بر دیواره‌ها، بخصوص دیواره علم‌کوه بنام و افتخار همدان به ثبت رسانیدند و آقایان جلال چشمه‌قصابانی و حمید اولنج فاتحان اورست... تا جایی که امروز همدان را به‌عنوان «قطب کوهنوردی کشور» به شمار آورند؛ افتخاری که در نزدیک به دو دهه اخیر به عللی تضعیف شد و امید است مجدداً بدان دست‌یابیم.

**به‌رحال فضای کوهنوردی همدان در بیش از سه دهه اخیر دستخوش تغییرات و اعمال مدیریت‌هایی بوده که گاه موفق و گاه ناموفق عمل شده‌اند که به‌اختصار به بیان آن می‌پردازیم.**

۱. از ابتدا اداره و مدیریت کوهنوردی همدان به‌صورت «شورایی» بود که شور و مشورت و اتخاذ تصمیم بر اساس اتفاق آرا و تسهیم مسئولیت و خرد جمعی از جمله مزایا با چاشنی اختلاف‌سلیقه در گاهی مواقع بود که به‌رغم آن، همواره شاهد پویایی کوهنوردان همدانی بودیم.

۲. پس‌از آن با انتخاب رئیس هیئت و تصدی بیش از دو دهه بر هیئت توسط یکی از کوهنوردان آن دوره و بلندمدت بودن آن در دل خود مزیتی چون وجود برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت جهت نیل به اهداف تعیین‌شده را داشت و عدم ورود یا مهیا نبودن مسیر جهت ورود جوانان و قهرمانان جهت تصدی به دلایل گوناگون از جمله فقدان انگیزه، موجبات طولانی شدن این دوره را فراهم کرد که البته در کنار آن حواشی و اختلافاتی هم بود که متأسفانه ریشه‌دار بوده و هم‌اکنون نیز جامعه کوهنوردی همدان تاوان آن را می‌دهد و هنوز درگیر آن است.

آن دوره فارغ از قضاوت جانب‌دارانه، دوره اوج موفقیت‌هایی بود که منجر به تبدیل شدن همدان به قطب کوهنوردی شد که البته این موضوع به معنای نقش صددرصدی هیئت وقت در موفقیت نبوده، آن‌گونه که انکار نقش هیئت در صعودهای هیمالیونوردی، سنگ‌نوردی و قدم‌نهادن در بلندترین قله دنیا ممکن نیست و به‌دور از حب و بغض باید به دنبال آن دهه همچنان به انتظار نشست، دهه‌ای که همت فردی، بالاترین ابزار بود، آن‌هم در میان اختلافات سطحی و گاهی عمیق و البته در حوزه سنگ‌نوردی هم نمی‌توان افتخارات سنگ‌نوردان همدانی را با امکانات و فضای محدود با حال قیاس کرد که آنچه در آن دوران

باعث رشد و تعالی و مدال‌آوری این رشته بود انگیزه‌های فردی و البته پشتیبانی گاه‌به‌گاه متولیان بود که با شدت و ضعف وجود داشت، همتی که در حال حاضر به‌واسطه رشد و ترقی سایر استان‌ها باید صدچندان شود تا به نقطه اوج نزدیک‌تر شویم. گرچه نمی‌توان از آغاز تخریب و نابودی الوند در طی مقطع موردنظر به‌واسطه ورود شرکت بالابر گنج‌نامه باهدف توسعه گردشگری و مماشات احتمالی مسئولین و اعلام موافقت یا سکوت در برابر آن، در چنین طرح مخربی چشم‌پوشی کرد که اگر در خانه کس است، یک اشارت بس است.

۳. در ادامه، پس از گذشت نزدیک به سه دهه مدیریت یک نفر در هیئت، ورود و تصدی یکی از قهرمانان کوهنوردی استان و کشور به‌رغم کشمکش‌های فراوان بر سر انتخاب و انتصاب و برگزیده شدن وی، با اختلاف آرای شدید بین فدراسیون و تربیت‌بدنی وقت، آینده خوشی را به‌رغم امیدهای اکثریت جامعه کوهنوردی رقم نزد و سنگ‌اندازی‌ها و ناسازگاری‌ها باعث شد تا هیئتی که در نظر داشت با جذب حداکثری با بنیه سازی و ایجاد فضایی مناسب برای ورود جوانان گامی در جهت ارتقاء و نزدیک شدن به جایگاه دهه‌های قبل و برداشتن شکاف بین جوانان و پیشکسوتان بردارد مجبور به استعفا شود تا کورسوی امیدی که در دل جوانان شهر جوانه‌زده بود به خزان تبدیل شود و به‌جز چند برنامه عمومی و صعود به قله مرتفع که با اقبال عموم مواجه و تا سال‌ها پیگیر زنده شدن همان خاطرات بودند اقبالی به دست نیاید و حتی برگزاری اردوهای هیمالیونوردی با جوانان هم ابتر ماند و عدم حمایت‌ها باعث شد تا دست رییس هیئت در حنایی بماند که قاعده بازی حکم می‌کرد با او چنان نکنند و بگذارند لاقلاً چهار سالی را بر مسند بماند. رییس هیئت در شرایطی که تورم شدید دو رقمی بر کشور حاکم بود و نرخ صعودهای برون‌مرزی به قیمت حراج کردن آینده جوانان وام‌گیرنده بود به کار خود ادامه نداد و آبروی خود را برداشت و به مقاومت در برابر «سایه‌ها» پایان داد.

**با تمام فرصت‌ها و تهدیدهایی که در عرصه کوهنوردی همدان خودنمایی می‌کند تمامی افتخارات در سایه همین ضعف‌ها و قوت‌ها و انگیزه‌های عالی و بی‌انگیزگی‌ها به‌دست‌آمده که چنانچه اختلاف‌سلیقه‌های سطحی و عمیق موجود با کمی «همدلی و هم‌زبانی» در سالی که مقام معظم رهبری آن را به همین نام، نام‌گذاری کرده‌اند، می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل باشد**

**مهربانی الوند و چشمه‌های گوارای آن سبب شده تا هر کس که جرعه‌ای از چشمه گوارایش را نوش کند، عرق و علاقه خاصی بدان پیدا کند، طوری که دل‌کنندش را ناممکن داشته و تا لحظه مرگ، زندگی و پویایی الوند را به فراموشی نسپارند**

۴. استغفای صورت گرفته حوای پیمایی بود که شاید شنیده نشد و آن‌گونه که باید از رئیس «مستغفی» جهت بازگشت و پی‌جویی دلایل استعفا، حمایت و دلجوئی می‌کردند، به انجام نشد و معدود نفراتی هم که حمایت کردند کارساز نشد و قفلی که بر در هیئت زده‌شده بود به دست شخصی افتاد که بلافاصله درحرکتی که نشان از قدرت‌نمایی تربیت‌بدنی نسبت به ریاست مستغفی قبل و نمایش توانمندی به ریاست جدید بود، برنامه‌ای برون‌مرزی با ضرب‌الاجل و فراغ از مقدمات لازم انتخاب نفرا، اجرا شد و همچنین برنامه‌ای با همان انگیزه و هدف برای بانوان اجرا شد که می‌توان این دو برنامه را به‌عنوان آخرین برنامه‌های برون‌مرزی کوهنوردان استان نامید که به‌واسطه تورم شدید و هزینه‌های بالا عطایش را به لقایش بخشیدند و صرفاً تکیه‌بر کارگاه‌های آموزشی و میزبانی مسابقات سنگ‌نوردی و کسب امتیاز در رتبه‌بندی کشوری و چند صعود استانی، حائز اهمیت شد به‌نحوی که این قصه همچنان ادامه دارد درحالی که هیئت فعلی مجهز به سالن سنگ‌نوردی منحصربه‌فرد و البته درآمد زا برای خود و یا تربیت‌بدنی شد که به دلیل عدم اشراف‌نگارنده به میزان دخل‌وخرج آن، با توجه به هزینه نگهداری چنین امکاناتی از ورود بدان خودداری می‌شود و البته داشتن اطلاعات منوط به ارائه عملکرد است که در هیئت‌ها کمتر شاهد آن بوده‌ایم. نتیجه اینکه با تمام فرصت‌ها و تهدیدهایی که در عرصه کوهنوردی همدان خودنمایی می‌کند تمامی افتخارات در سایه همین ضعف‌ها و قوت‌ها و انگیزه‌های عالی و بی‌انگیزگی‌ها به‌دست‌آمده که چنانچه اختلاف‌سلیقه‌های سطحی و عمیق موجود با کمی «همدلی و هم‌زبانی» در سالی که مقام معظم رهبری آن را به همین نام، نام‌گذاری کرده‌اند، می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل باشد که در این میان نقش پیشکسوتان و دستگاه ورزش را در ایجاد چنین فضایی نباید مورد اغماض قرار داد که اگر چنین شود می‌توان بذر امید را دوباره بارور کرد که آدمی به امید نفس می‌کشد.





# ۸۵ درصد شانس حضور در المپیک ریو را دارم



«بهنام آری» در خطه ای که مهد کشتی به شمار می رود، مجذوب ورزش پدرش شد تا پا در رکاب قهرمانی از ویژگی کوهستانی زادگاهش نیاوند برای تصاحب مدال های خوش رنگ عمر ورزشی اش را سپری کند. آری یکی از پرافتخارترین دوچرخه سواران استان همدان و اهل شهرستان نیاوند است. پدرش یکی از نخستین رکاب زنان تیم دوچرخه سواری شهرستان نیاوند محسوب می شود و همین علاقه سبب شد تا فرزندش در شرایطی که خانواده های نیاوندی بیشتر دوستدار کشتی بودند، به دوچرخه سواری گرایش یابد. بهنام آری سال ها پیراهن تیم ملی را بر تن داشته و صاحب مدال های رنگارنگ نیز شده است. او همیشه به سرعت علاقه داشته و قدرت بدنی اش باعث شد تا در رشته هایی نظیر

استقامت نیز موفق باشد. آری این روزها خود را برای المپیک ۲۰۱۶ ریو آماده می کند. بزرگ ترین رویداد ورزشی جهان که هر ورزشکاری آرزوی حضورش را دارد. این دوچرخه سوار حرفه ای استان همدان حتی برای حفظ و تقویت آمادگی مطلوبش تصمیم به انصراف از مسابقات قهرمانی آسیا گرفت. او در مسیر المپیک رقبای سرسخت داخلی را پیش رو دارد اما شبانه روز در تلاش برای عبور از حریفان داخلی و دریافت بلیت ریو برزیل است. رد پای بهنام آری را این روزها باید در کوه و کمر اطراف شهر نیاوند جستجو کرد. ارتفاعات بهترین فضای تمرینات هوازی برای این قهرمان ارزنده استان به شمار می رود. گفت و گوی اکباتان با این رکاب زن پرافتخار نیاوندی را بخوانید:



**پیشرفتم به دلیل شرایط جاده ای شهرستان نیاوند است. مسیرهای این شهرستان و ارتفاع از سطح دریا بهترین مکان برای تمرین و آماده سازی است. این امکانات خوب را دانست**



**توقع دارم ارتباط لازم را با مسئولان فدراسیون داشته باشم تا حقم خورده نشود. به نظرم مدیرکل ورزش و جوانان و سایر مسئولان پیگیر وضعیتم از سوی فدراسیون خواهند بود. گویا حقوق ماهیانه دریافت می کنید؟**

**بنابراین یکی از بهترین دوچرخه سواران ایرانی هستید. حریفان قدرتمندی در داخل کشور دارم و همین باعث شده تا سطح کیفی ما ارتقا یابد و بتوانیم در مسابقات برون مرزی نیز موفق عمل کنیم.**

**گویا دوچرخه سواری ایران سه سهمیه المپیک را تا به اینجا کسب کرده. به نظر ۸۵ درصد شانس حضور در المپیک ریو را دارم.**

**پس ۱۵ درصد باقی مانده چطور؟ فقط احتمال دارد مسئولان این طور مطرح کنند که بهتر است با تجربه ها به المپیک ریو بروند؛ وگرنه می دانم توانایی عبور از سد حریفان را دارم.**

**حریفان شما در داخل کشور چه کسانی هستند؟ معظمی گودرزی، عسگری، سهرابی، میزبانی، زرگری و... اینها جزو بهترین های دوچرخه سواری کشور هستند.**

**امسال باوجود اینکه می توانستید به مسابقات قهرمانی آسیا بروید اما منصرف شدید، چرا؟**

**همه شانس های کسب سهمیه المپیک از رفتن به مسابقات آسیایی منصرف شدند تا با برنامه ریزی بهتری بتوانند تمرینات آماده سازی خود را در کشور دنبال کنند. بهر حال سهمیه المپیک کجا و مسابقه آسیایی کجا...!!!!**

**قطعی شدن نفرات اعزامی به المپیک چه زمان مشخص می شود؟ خردادماه سال آینده، بعد از قهرمانی کشور تعیین می کنند؛ امیدوارم جزو سهمیه های اعزامی باشم.**

**چه انتظاری از مسئولان دارید؟ توقع دارم ارتباط لازم را با مسئولان فدراسیون داشته باشند تا حقم خورده نشود. به نظرم مدیرکل ورزش و جوانان و سایر مسئولان پیگیر وضعیتم از سوی فدراسیون باشند. من تمام تلاشم را برای رسیدن به بهترین شرایط مطلوب آمادگی بدنی خواهم داشت و مسئولان نیز کمک کنند.**

**گویا حقوق ماهیانه دریافت می کنید؟**

**بله - از مدیرکل ورزش و جوانان قدر دانی می کنم. بهر حال مبلغی را به عنوان کمک هزینه ماهیانه پرداخت می کنند و این برای یک ورزشکار حائز اهمیت است.**

**تمرینات تیم ملی از چه زمان آغاز می شود؟**

**اوایل فروردین ماه به اردو می روم و باید تا آن زمان از نظر بدنی کاملاً آماده باشم.**

**جمله آخر.**

**می خواهم به المپیک بروم. از خانواده ام، مربیان و هیئت دوچرخه سواری استان همدان نیز کمال قدر دانی را دارم.**



## سایه روشن های ورزشی همدانی

**■ رضا حاتمی مدافع همدانی خیبر خرم آباد در حالی در لیست خریدهای نیم فصل پاس قرار داشت که خیبری ها حاضر به صدور رضایت نامه برای این مدافع بلند قامت نشدند.**

**■ حمید گلزاری و رضا حاتمی طی دو هفته اخیر با گل های سه امتیازی برای خیبر خرم آباد، شش امتیاز مهم را برای این تیم کسب کردند.**

**■ مادر مهرداد رضایی با حضور در دفتر باشگاه پاس، خواستار دریافت طلب ۱۰ میلیونی فرزندش از این باشگاه شد.**

**■ کسب سهمیه المپیک برای آرزو حکیمی در هاله ای از ابهام قرار دارد. گویا دیگر مسابقه ای برای سهمیه المپیک وجود ندارد و با این اوصاف باید حکیمی را از فهرست شانس های کسب سهمیه المپیک خط زد!**

**■ الوند همدان در یک قدمی سقوط قرار دارد. گویا این تیم باید از ۵ بازی ۴ برد کسب کند. منوچهر بیگم جانی و مصطفی کاشی نیز از این تیم جدا شدند و فعلاً محمود الماسی به همراه امید خورج عهده دار الوند هستند.**

**■ در حالی که سوشامکاتی هنوز از پرونده حاشیه ساز خود رها نشده اداره مالیاتی استان همدان به تازگی با انتشار آگهی از بدهی ۵۳ میلیونی وی برده برداشته و خواهان پرداخت آن شده است.**

**■ تاریک دره همدان به زودی میزبان مسابقات اسکی رده سنی جوانان کشور است.**

**■ در حالیکه مجمع انتخابات یکی از هیات های ورزشی همدان نزدیک است، قهرمانان ورزشی این هیات خواستار کناره گیری رئیس سابق و عدم حضورش در انتخابات هستند. حتی این قهرمانان در حال رایزنی برای انتخاب فردی دیگر برای عهده دار شدن سمت ریاست این ورزش پر طرفدار هستند.**

**■ هزینه میلیونی برای هیات هندبال همدان برای حضور در لیگ برتر و عدم کسب نتایج مطلوب موجی از انتقادات را به همراه داشته است.**

**■ با ناکامی میثم مصطفی جوکار در مسابقات جام تختی، شانس این کشتی گیر برای حضور در المپیک ریو به شدت کاهش یافت.**

**■ در حالیکه باشگاه پاس از آذرباد و خردمند دو مهاجم خود به دلیل جدایی خودسرانه از این تیم و پیوستن به نفت مسجد سلیمان شکایت کرده، اما این دو بازیکن بدون توجه به شکایت پاسی ها، تیم نفت را در بازی مقابل خونه به خونه بابل همراهی کردند.**

**■ رئیس فدراسیون بدنمیتون کشور از امیر جباری بدنمیتون باز همدانی به عنوان یکی از بخت های اصلی کسب سهمیه ۲۰۲۰ یاد کرد. جباری طی ماه آینده به معتبرترین کمپ تمرینی آسیا واقع در مالزی اعزام می شود.**

**■ در حالیکه گفته می شد محمد بهنگدم گزینه سرپرستی تیم فوتبال پاس است اما وی این سمت را قبول نکرد.**

**■ پاسی ها همچنان در انتظار ۳۰۰ میلیون کمک مالی فولاد ویان به عنوان اسپانسر مالی خود هستند. گفته می شود این پول قرار است به زودی به باشگاه پاس پرداخت شود.**

**■ مدیرکل ورزش و جوانان همدان به هیات های کم کار هشدار داد که در صورت تداوم این روند، ربالی کمک از سوی دستگاه ورزش دریافت نخواهند کرد!**

**■ اکبر صادقی فوتبالیست اسدآبادی با عقد قراردادی به صبای قم پیوست. صادقی یکی از بازیکنان مدنظر علی دایی است. وی پیش از این در تیم ذوب آهن اصفهان بازی می کرد.**





گپ و گفت صمیمی «اکباتان» با نفر اول سه‌گانه کشور؛

# مردم بدانند وقتی کسی قهرمان می‌شود پشت آن کلی هزینه بوده است

سلمان تیموری متولد ۲۹ شهریور ۱۳۶۶  
از شهرستان تویسرکان

فارغ التحصیل مقطع کارشناسی در رشته تربیت بدنی

دارای چندین مقام در فوتبال و بعد دومیدانی استان و کشور که دو مقام اولی دانشجویان ایران بهترین دستاورد او بود تا اینکه در استان یزد و در دوران دانشجویی با رشته ورزشی سه‌گانه یا triathlon آشنا شد و بنا بر استعدادی در خودش حس کرد فعالیت رسمی‌اش را در این رشته ورزشی جذاب و فوق‌استقامت و المپیک شروع کرد.

سلمان از سال ۱۳۸۶ وارد رشته سه‌گانه شد و بعد از دو سال به اردوهای ملی رسید. وی دو سال هم با بی‌مهری مسئولین و به خاطر شهرستانی بودن و نداشتن حامی با وجودی که

۱۵۰۰ متر شنا در دریا یا آبهای آزاد، ۴۰ کیلومتر دوچرخه سواری و ۱۰ کیلومتر دو استقامت، ورزش مهیج سه‌گانه را تشکیل می‌دهند و ورزشکار بدون توقف و فوت وقت تمامی مراحل را طبق استانداردها و قوانین این رشته انجام می‌دهد و ورزشکاری موفق است که در پایان بتواند سه رشته را به ترتیب و با کمترین زمان ممکن به پایان برساند.

در جمع سه نفر برتر ایران در رده سنی خودش بود، پشت درهای تیم ملی ماند که این تلنگر باعث شد تمریناتش را جدی و حرفه‌ای‌تر از گذشته انجام بدم تا بتواند توانایی‌های خودش را ثابت کرده و نظر کادر فنی و فدراسیون را نسبت به خودش عوض کند. همه این اتفاقات باعث شد دلاور تویسرکانی از سال ۱۳۹۰ به بعد یکه تاز سه‌گانه ایران باشد و بهترین نتایج را در این رشته برای شهر و استان به ارمغان بیاورد. کسب مقام اول در تک تک مراحل لیگ برتر سه‌گانه کشور و نفر اول رنکینگ و قهرمان سه‌گانه کشور در سال ۹۰ و همچنین کسب مقام اول قهرمانی کشور همان سال و در نهایت اولین اعزام آسیایی به کشور قزاقستان که بهترین نتیجه تیم ملی سه‌گانه ایران در رده بزرگسالان در همین مسابقات، کسب مقام نخست در تمامی مراحل لیگ سال‌های ۹۱، ۹۲، ۹۳ و ۹۴ و همچنین نفر اول رنکینگ ایران و کسب ۴ سال قهرمانی کشور به طور متوالی حضور در تمامی اردوهای ملی و تمامی اعزام‌های خارج از کشور تا جایی که به چندین کشور حتی دو یا سه بار برای مسابقات سفر کرد. کسب تنها سهمیه ایران در مسابقات آسیایی و مجوز حضور در بازیهای جهانی و قهرمانی جهان در کشور کلمبیا

را برای آن مسابقات آماده می‌کنم و تمام امیدم برای کسب سهمیه المپیک ۲۰۱۶ ریو، موفقیت مسابقات ژاپن است.

مهم‌ترین حرفین شما در مسابقات قهرمانی آسیا از کدام کشورها هستند؟

ورزشکاران ژاپن، قزاقستان، کره، چین و حتی هنگ‌کنگ رکوردهای خوبی دارند و از مهمترین رقبا به شمار می‌روند.

رکورد خودتان چقدر است؟

با رقیبان آسیایی تفاوت چندانی ندارم، اگر در شنا کمی تمرکز را بیشتر کنم به طور قطع یکی از برترین‌ها خواهم بود. مربی بوشهری‌ام هرروز برنامه ورزشی‌ام را از طریق فضای مجازی ارسال می‌کند و تمریناتم را چک می‌کند تا با تقویت شنا از حرفیان آسیایی عقب نمانم.

بهترین مقام‌هایی که تاکنون به دست آورده‌اید؟

از چهار سال پیش در تمام مسابقات داخلی قهرمان شدم و در رقابت‌های بین‌المللی مهم‌ترین عناوینی که به دسما آوردم مقام هشتمی آسیا در رشته دوگانه، مقام هفدهم در سه‌گانه، سی و چهارمی جهان در مسابقات ۲۰۱۴ کلمبیا است. اگر در مسابقات جهانی ۲۰۱۵ اسپانیا دوچرخه‌ام پنچر نمی‌شد مقامی کسب می‌کردم که در تاریخ ایران ماندگار می‌شد.

سقف آرزوهای سلمان تیموری کجاست؟

با این زحماتی که کشیده‌ام، وقت و هزینه‌ای که صرف کرده‌ام دوست دارم در المپیک ۲۰۲۰ توکیو ژاپن نتیجه‌ای بگیرم که در تاریخ ورزش سه‌گانه ایران جاوید و ماندگار باشد.

و صحبت پایانی شما.

تشکر می‌کنم از شما و مانه‌نامه ورزشی-فرهنگی اکباتان، امیدوارم با اجرای برجام و رفع تحریم‌ها گشایشی در ورزش کشور ایجاد شود.

همچنین از مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان که به همراه رییس هیئت برنامه من را اختصاصی دنبال می‌کنند، تشکر می‌کنم و امیدوارم با پیگیری تمریناتم و کسب نتایج خوب بتوانم جواب محبت‌های آن‌ها را بدهم.

زدم.

کرام یک از ماده‌های ورزشی سه‌گانه سخت‌تر است؟ (باکمی لبخند) دوییدن به عنوان مرحله پایانی سخت‌تر است؛ هرچند که شنا کلید کار است اما به خاطر فشاری که در دوییدن به سیستم بدن وارد می‌شود و در آخرین مرحله انرژی بدن تحلیل می‌رود، دوییدن سخت‌تر می‌شود.

سه‌گانه ایران نسبت به آسیا و جهان چه وضعیتی دارد و مهم‌ترین مشکلات شما در این رشته چیست؟

با تحریم ایران و رکود اقتصادی وضعیت تمام رشته‌ها از جمله سه‌گانه نامناسب شده به طوری که فدراسیون پول این را نداشت تا برای ما مربی خارجی بیاورد یا اردوهای مشترک خارجی با کشورهای صاحب سه‌گانه برپا کند. ما تجربه کافی نداشتیم و باید از علم روز دنیا استفاده می‌کردیم و همه این‌ها به دلیل بی‌پولی انجام نمی‌شد، اما امیدواریم با لغو تحریم‌ها و به نتیجه رسیدن برجام تمام این مشکلات برطرف شود. عمده مشکل ما مشکل مالی است چراکه ورزش حرفه‌ای تنها شغل من است

و در سه‌گانه من باید به اندازه سه رشته ورزشی وقت و انرژی و هزینه بگذارم. در سال فقط بالغ بر ۳۰ میلیون تومان هزینه تغذیه و مکمل‌های ورزشی من می‌شود که نمی‌گویم تمامی، اما بیشتر آن را شخصی پرداخت می‌کنم. بعضی اوقات پول قرض کردم تا بتوانم تمرینات خودم را پیش ببرم؛ مردم این را بدانند که وقتی کسی قهرمان می‌شود پشت آن کلی هزینه بوده است. برخی از استان‌های صنعتی پشتیبان مالی دارند اما من بارها در استان و شهرستان فریاد زده‌ام اما دست رد به سینه‌ام زدند. شرایط سختی را پشت سر گذاشتم اما امید به آینده دارم، ناامید نیستم و امیدوارم با حمایت‌های مدیرکل ورزش و جوانان و رئیس هیئت سه‌گانه استان موفق باشم.

شرایط برای کسب سهمیه المپیک به چه شکل است؟ قاره آسیا فقط پنج سهمیه در المپیک دارد که این شرایط را کمی دشوار می‌کند. دو نفر اول مسابقات قهرمانی آسیا و نفر اول رنکینگ آسیا به همراه دو نفر ورزشکار برتر آسیایی در رنکینگ جهانی مجوز حضور در المپیک را می‌گیرند.

کدام برای شما راحت‌تر است؟ چون ما به دلیل مسائل مالی در مسابقات رنکینگ‌دار شرکت نمی‌کنیم تنها راه برای کسب سهمیه المپیک مسابقات قهرمانی آسیا است که اوایل اردیبهشت ماه در ژاپن برگزار می‌شود و من خود

شغل شما چیست؟ در حال حاضر تمرین و ورزش حرفه‌ای تنها شغل من است.

سابقه ورزش در خانواده شما وجود دارد؟ برادرم در رشته نجات‌غریق فعالیت دارد و پسر خاله‌ام هم رزمی‌کار است.

ورزش را از کجا شروع کردید و چه اتفاقی شما را به سمت ورزش سه‌گانه کشاند؟

ورزش را از دوران راهنمایی و با دوومیدانی شروع کردم و تا اواخر دبیرستان ادامه دادم و بعد از اینکه در دانشگاه استان یزد قبول شدم به همراه تیم دانشگاه دو بار مقام قهرمانی دانشجویان ایران را در دوی استقامت کسب کردم و این پایان فعالیت در رشته دوومیدانی بود و با توجه به توانی که در خود دیدم در سال ۱۳۸۷ رشته سه‌گانه را انتخاب کردم. با حمایتی که در یزد از من شد دوچرخه‌ای را خریدم و با خریدن دوچرخه دیگر تمرینات شنا را نیز دنبال کردم، در فضای مجازی در مورد این رشته تحقیق کردم و با تمرینات آن آشنا شدم.

از یزد که به همدان بازگشتم عدم وجود هیئت سه‌گانه و امکانات در تویسرکان باعث شد تمریناتم را با هزینه شخصی در یکی از استان‌های هم‌جوار انجام دهم تا اینکه از چهار سال پیش که هیئت همدان فعال شد، به همراه تیم همدان در مسابقات شرکت کردم.

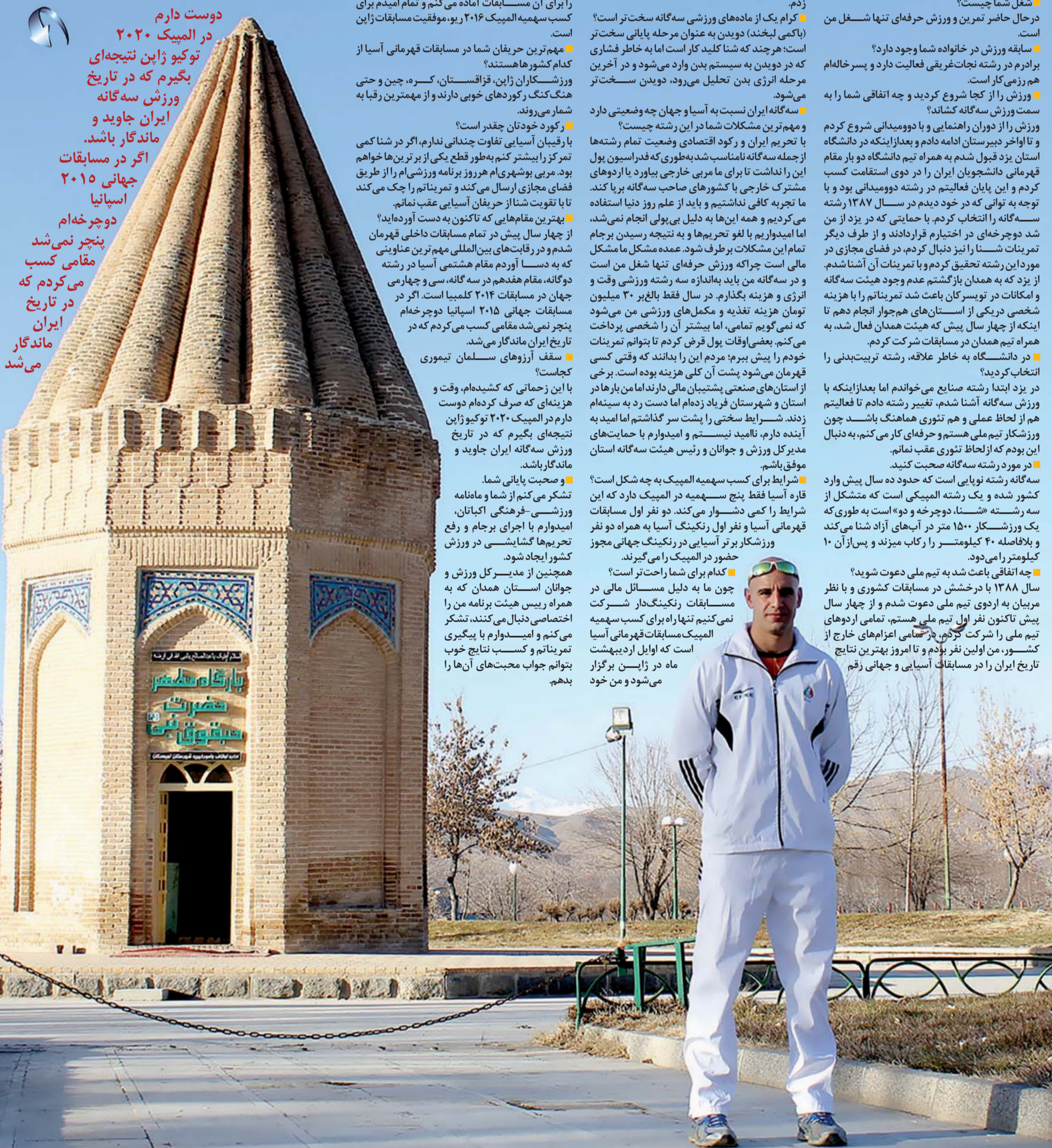
در دانشگاه به خاطر علاقه، رشته تربیت‌بدنی را انتخاب کردید؟

در یزد ابتدا رشته صنایع می‌خواندم اما بعد از اینکه با ورزش سه‌گانه آشنا شدم، تغییر رشته دادم تا فعالیتیم هم از لحاظ عملی و هم تئوری هماهنگ باشد چون ورزشکار تیم ملی هستم و حرفه‌ای کار می‌کنم، به دنبال این بودم که از لحاظ تئوری عقب نمانم.

در مورد رشته سه‌گانه صحبت کنید. سه‌گانه رشته نوپایی است که حدود ده سال پیش وارد کشور شده و یک رشته المپیک است که متشکل از سه رشته «شنا، دوچرخه و دو» است به طوری که یک ورزشکار ۱۵۰۰ متر در آب‌های آزاد شنا می‌کند و بلافاصله ۴۰ کیلومتر را رکاب می‌زند و پس از آن ۱۰ کیلومتر را می‌دود.

چه اتفاقی باعث شد به تیم ملی دعوت شوید؟ سال ۱۳۸۸ با درخشش در مسابقات کشوری و با نظر مربیان به اردوی تیم ملی دعوت شدم و از چهار سال پیش تاکنون نفر اول تیم ملی هستم، تمامی اردوهای تیم ملی را شرکت کردم، در تمامی اعزام‌های خارج از کشور، من اولین نفر بودم و تا امروز بهترین نتایج تاریخ ایران را در مسابقات آسیایی و جهانی رقم

دوست دارم  
در المپیک ۲۰۲۰  
توکیو ژاپن نتیجه‌ای  
بگیرم که در تاریخ  
ورزش سه‌گانه  
ایران جاوید و  
ماندگار باشد.  
اگر در مسابقات  
جهانی ۲۰۱۵  
اسپانیا  
دوچرخه‌ام  
پنچر نمی‌شد  
مقامی کسب  
می‌کردم که  
در تاریخ  
ایران  
ماندگار  
می‌شد



## دکتر فولادوند

مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان



کودک از ابتدای ورود به دبای مدرسه، پیوسته در این تلاش است که به زندگی خوب، سالم و پرطراوت دست یابد. در تأمین این نیاز و تحقق چنین هدفی، بهره‌مندی دانش‌آموزان از امکانات ورزشی، در کنار سایر عوامل تربیتی، بسیار سازنده و مفید خواهد بود و لذا معلمان آگاه تربیت‌بندی مدارس، بایستی به آموزش صحیح تربیت‌بندی به دانش‌آموزان همت گمارند و در این راه از هیچ کوشش ثمربخشی دریغ ننمایند. کلیه تلاش‌ها باید در جهت توسعه آموزش تربیت‌بندی و دانش‌نوین این رشته در بین دانش‌آموزان باشد چراکه از گذشته‌های دور، اعتقاد ما بر این است که «روح سالم در بدن سالم است». پس چه بهتر که این کار، از مدارس آغاز گردیده و به نحو صحیح و اصولی دنبال گردد. تربیت‌بندی و فعالیت‌های ورزشی مدارس باعث بهبود وضعیت جسمانی و افزایش تحرک و پویایی در بین دانش‌آموزان عزیزمان است. معاونت تربیت‌بندی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان همدان به پشتوانه تلاش و همت همکاران تربیت‌بندی در کل استان در اجرای طرح‌های ملی در کف مدارس سراسر استان به نحو مطلوب و مقتضی موفق بوده است. که امیدواریم با اتکال به خداوند تعالی این موفقیت روزبه‌روز افزون گردد.

## جعفری

معاون تربیت‌بندی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان همدان



از ابتدای سال ۱۳۹۱ معاونت تربیت‌بندی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان همدان با سه اداره تربیت‌بندی و فعالیت‌های ورزشی، اداره سلامت و تندرستی و اداره مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی، کار خود را در راستای تحقق اهداف اسناد بالادستی و تلاش در راستای حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان عزیز این استان آغاز نموده است.

حضور تاریخی تربیت‌بندی در برنامه‌های درسی مدارس و سایر نهادهای رسمی و غیررسمی اجتماعی گویای این حقیقت است که تربیت‌بندی به‌عنوان یک فعالیت آموزشی و پرورشی پذیرفته شده است. به‌راستی شواهد علمی بسیاری وجود دارد که بر نیاز اساسی کودکان، نوجوانان و جوانان به آموزش تربیت‌بندی و نقش یک زندگی فعال و سهم تربیت‌بندی در آن و همچنین لزوم تشویق کودکان و نوجوانان به شرکت در ورزش‌ها تأکید دارد.

تربیت‌بندی در مدارس استان با حضور نیروهای توانمند، طرح‌ها و برنامه‌های ابلاغی از سوی وزارت متبوع از نظر کیفی در حال پیشرفت است. با تعیین فعالیت‌ها و برنامه‌های معاونت تربیت‌بندی که تقاضاها می‌است فی‌مابین معاونت تربیت‌بندی و سلامت وزارت، با استان‌ها و همچنین معاونت تربیت‌بندی و سلامت استان با شهرستان‌ها که به امضاء طرفین رسیده است، تحت عنوان «برش استانی» اقق برنامه‌های تربیت‌بندی را روشن می‌کند. که این برش استانی باعث تحرک، پویایی و شورونشاط درس تربیت‌بندی شده است. با داشتن نیروهای تربیت‌بندی توانمند امیدواریم در اجرای تمامی فعالیت‌ها به موفقیت‌های لازم دست پیدا کنیم. گذشته از پرداختن به تربیت جسم دانش‌آموزان با اجرای برنامه‌های عملیاتی دو اداره سلامت و مراقب زمینه پرورش روح و روان دانش‌آموزان را نیز فراهم کرده‌ایم.

## خدارحمی

رئیس اداره تربیت‌بندی و فعالیت‌های ورزشی اداره کل آموزش و پرورش



رقابت‌های ورزشی از جمله جاذبه‌های تربیت‌بندی در مدارس بوده و از موضوعات مورد اقبال و علاقه دانش‌آموزان می‌باشد و از دیرباز از ابزارهای بسیار قوی و در اختیار مدارس جهت رشد و تعالی دانش‌آموزان در حوزه آموزشی و پرورشی بوده است. با توجه به اثرات مثبت ورزش در بین دانش‌آموزان مدارس علاوه بر شور و نشاط و روحیه مثبت، زمینه‌های فراهم می‌آورد تا تفریحات سالم در جامعه گسترش یابد. با بهره‌مندی از حضور بیش از ۷۰۰ معلم متخصص تربیت‌بندی در مدارس سراسر استان کیفیت‌بخشی این درس را فراهم کرده‌اند. در سال گذشته مسابقات دختران و پسران در ۴۹ رشته مقطع با حضور ۳۷۰۰ دانش‌آموز، مربی، سرپرست و عوامل اجرایی برگزار شد و از بین این دانش‌آموزان تعداد ۲۳۳ ورزشکار به مسابقات قهرمانی کشور اعزام شدند و به لطف خدا نتایج مطلوبی هم کسب کردند که توانستیم با سه پله صعود در بین ۳۲ استان شرکت‌کننده در رتبه چهاردهم قرار بگیریم. المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای نیز با حضور ۱۱۵ دانش‌آموز و تعامل بیش از ۱۰۰۰۰ معلم تربیت‌بندی و همکاران آموزشی و عوامل اجرایی برگزار شد. همچنین سایر برنامه‌ها و طرح‌های ملی درس تربیت‌بندی با قوت عملیاتی شد و امسال هم با تعیین راه و هدف درس تربیت‌بندی تحت عنوان «برنامه عملیاتی» با قوت و تلاش همکاران بخش ستادی و صف در حال اجرا و پیگیری می‌باشد.

## مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های اداره تربیت‌بندی:

- ۱- برگزاری دوره‌های تخصصی - آموزشی معلمان تربیت‌بندی
- ۲- اجرای برنامه نرمن صبحگاهی
- ۳- برگزاری دوره‌های آموزش مربیگری و داوری
- ۴- برگزاری جشنواره‌های ورزشی
- ۵- برگزاری جشنواره دفتر کار برتر، الگوهای برتر تدریس و رقابت‌های علمی - تخصصی
- ۶- تعامل و همکاری با هیئت‌های ورزشی
- ۷- تجهیز و توزیع وسایل و امکانات ورزشی
- ۸- استعدادیابی و پرورش پتانسیل‌های ورزش دانش‌آموزی
- ۹- پوشش دهی طرح‌های وزارتی
- ۱۰- برگزاری مسابقات ورزشی در سطح شهرستان‌ها و نواحی
- ۱۱- برگزاری مسابقات ورزشی استانی
- ۱۲- برگزاری اردوهای ورزشی و اعزام به رقابت‌های کشوری
- ۱۳- اجرای برنامه‌های فرهنگی در حاشیه رقابت‌های

- ۵- کسب ۲ مدال طلا توسط دانش‌آموزان پسر دوم متوسطه در رقابت‌های کشتی پهلوانی سراسر کشور
- ۶- کسب ۵ مدال طلای انفرادی توسط دانش‌آموزان قهرمان مهدی بابایی در رشته کشتی پهلوانی
- ۷- کسب مدال طلای انفرادی توسط دانش‌آموز قهرمان مهدی دباغی در رشته ورزش باستانی
- ۸- کسب مدال طلای انفرادی توسط دانش‌آموز قهرمان شیما صفایی در ورزش تنیس روی میز
- ۹- کسب مدال نقره انفرادی توسط دانش‌آموز قهرمان رضا کزازی در رشته پهلوانی
- ۱۰- کسب مدال نقره انفرادی توسط دانش‌آموز قهرمان علی حاجی بابایی در رشته دو ۱۵۰۰ متر
- ۱۱- کسب مدال نقره انفرادی توسط دانش‌آموز قهرمان مژگان عالمی در رشته دو ۶۰۰ متر
- ۱۲- کسب ۱۲ مدال برتر تیمی توسط دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی استان در رشته هندبال

## تعداد تیم و نفرات اعزامی به مسابقات و جشنواره‌های کشوری

تیم ورزشی	مقطع	جنسیت	عنوان‌های کسب‌شده	مدال
تنیس روی میز	ابتدایی	دختر	اول انفرادی / سوم انفرادی	۱ طلا / ۱ برنز
تنیس روی میز	متوسطه اول	دختر	سوم تیمی	۵ برنز
دوومیدانی	ابتدایی	دختر	دوم انفرادی / سوم انفرادی	۱ نقره - ۱ برنز
دوومیدانی	متوسطه اول	دختر	سوم انفرادی	۱ برنز
والیبال	ابتدایی	دختر	-----	-----
هندبال	ابتدایی	دختر	-----	-----
بسکتبال	ابتدایی	دختر	-----	-----
بدمینتون	ابتدایی	دختر	-----	-----
طناب زنی	ابتدایی	دختر	سوم انفرادی	۱ برنز
<b>مجموع</b>	-----	-----	-----	<b>۱۱ مدال</b>
فوتسال	ابتدایی	پسر	-----	-----
فوتسال	متوسطه اول	پسر	-----	-----
والیبال	ابتدایی	پسر	-----	-----
والیبال	متوسطه اول	پسر	-----	-----
والیبال	متوسطه دوم	پسر	کاپ اخلاق	-----
شنا	ابتدایی	پسر	-----	-----
ژیمناستیک	ابتدایی	پسر	-----	-----
تنیس روی میز	ابتدایی	پسر	سوم تیمی	برنز
بدمینتون	ابتدایی	پسر	-----	-----
دوومیدانی	ابتدایی	پسر	-----	-----
دوومیدانی	متوسطه اول	پسر	دوم انفرادی - سوم انفرادی	۱ نقره / ۱ برنز
هندبال	ابتدایی	پسر	سوم تیمی	برنز
طناب زنی	ابتدایی	پسر	-----	-----
بومی - محلی	ابتدایی	پسر	-----	-----
کبکی	متوسط اول	پسر	-----	-----
کشتی پهلوانی	متوسطه دوم	پسر	اول تیمی	۱ طلای تیمی
ورزش باستانی	متوسطه دوم	پسر	اول انفرادی / دوم انفرادی	۱ طلای تیمی / ۱ نقره انفرادی
جمع کل:	-----	-----	-----	<b>۲۰ مدال</b>

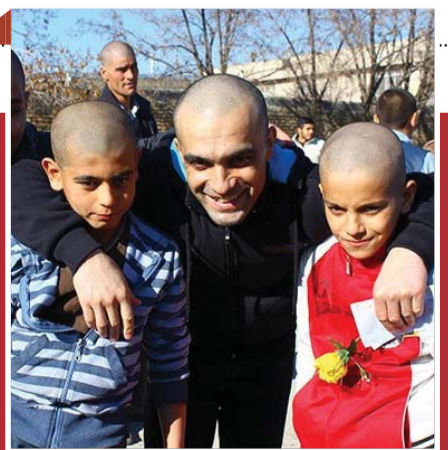
	زهره موسویان / مقام اول / کشوری / کوهپایه برتر تدریس		مریم خوشرو / مقام دوم و میزبان		فاطمه حسینی / مقام چهارم / کشوری / کوهپایه برتر تدریس
	سباز ارجمی / مقام اول		شیما صفایی / مقام اول		مینا ابو الفتحی / مقام اول
	نگار رضایی / مقام اول		سوما تهرانی / مقام اول		نسیم عیاشی / مقام اول
	پانته آ قلی پور / مقام سوم دو و میدانی		هدیه آقا محمدی / مقام اول		ندایا اچاقلو / مقام اول

## سفیر المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای استان همدان معرفی می‌گردد

قادری می‌تواند نقش مهمی را در کنار خانواده بزرگ معلمان ورزش همدان ایفا کند. در کنار اجرای طرح ملی المپیاد ورزشی در دومین سال اجرا همراه با سایر استان‌ها این معلم با اخلاق و سخت‌کوش به‌عنوان سفیر المپیاد ورزش درون مدرسه‌ای انتخاب و معرفی خواهد شد.

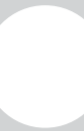
آموزش و پرورش استان همدان با توجه به نیاز پیش‌ازپیش توجه به افزایش تحرک جسمانی دانش‌آموزان با اجرای المپیاد درون مدرسه‌ای تلاش می‌کند جمعیت تحت پوشش برنامه‌های ورزشی را افزایش دهد. نقش قهرمانان ملی و بین‌المللی در کنار مدیران و خانواده‌ها قابل توجه است و با همین نگاه محمدرضا

محمدرضا قادری به‌عنوان سفیر المپیاد ورزشی درون مدرسه‌ای استان همدان معرفی می‌گردد. قرار است با این حکم معلم ارزشمند تربیت‌بندی که قهرمانی دوچرخه‌سواری جوانان آسیا را در کارنامه درخشان خود جای داده‌است نسبت به شناسایی استعدادها برتر دانش‌آموزان به مجموعه تربیت‌بندی مدارس همدان کمک نماید.









# پرواز فؤاد آزادیان به قله جوانمردی؛



# برفی که دیگر سفید نیست...

«بهمن» بهمن‌ماه ۹۰ را بر همه تلخ کرد و آرزوهایی را زیر سپیدی برف برد و جز سباهی خاطرمای باقی نگذاشت.

در لغت نام دهخدا به دنبال معنی «فؤاد» می‌گردد و فؤاد آزادیان و اکبر سماوات برای نجات جان عروس و داماد که رخت سفید برف بر تن کرده بودند، به تیر یک رسانه‌ها تبدیل شد.

همه بسیج شده بودند تا از زیر آوار سنگین برف، چهار نفر را نجات دهند و ۶ روز از جان مایه گذاشتند تا به تن بیخیزده این چهار نفر رسیدند.

سرمایی که به جان آن‌ها افتاده بود و روحشان را به یغما برده بود حالا چاشنی بیان تلخ این حادثه شده است، حتی نوشتن از این ماجرا هم سرمای بهمین و یخزدگی را به جان قلم می‌اندازد و واژه‌ها را در لحظه‌ای می‌بلعد؛ برفی که چهار سال است کمتر روی خود را به همدان نشان داده در آن سال آمد تا بهمین‌ماه را بر همدان تلخ کند و واژه‌ها را سرد کند.

اما سرمای قلم بهانه سردی دل‌ها و فراموشی نیست؛ قلم نمی‌تواند نلغزد در بیان خاطرات یک خانواده که هر لحظه سال و هر روز زمستان را با سختی سپری می‌کنند و با عکس‌های فرزندشان روزگار می‌گذرانند.

شاید اینکه دست تقدیر اولین ششمه «کباتان» را به آغازین روزهای بهمین‌ماه پیوند زد، بی‌حکمت نباشد و شاید اینکه نشریه «کباتان» چهارمین سالروز پرواز قهرمان همدانی را به تصویر می‌کشند، دینی است که همدان باید به فداکاری‌های یک جوانمرد ادا می‌کرد.

همین یادش شد تا پس از گذشت چهار سال از پرواز کبوترانه فؤاد آزادیان پای حرف‌های پسر و مادرش بنشینم و با یادآوری آن روزها شاهد اشک‌های مادر فؤاد باشم و اشک‌های این مادر دستان را بلرزاند.

یوسف آزادیان و همسرش کیهان رضوی از سال‌ها تلاش و سختی برای به کمر رساندن فؤاد و فاروق دو فرزند عزیزشان گفتند؛ از پرواز فؤاد و تلاش فاروق برای آرزوهایی که به آن‌ها نرسید و امروز دیگر آرزوهایش از زبان تنبور به گوش می‌رسد.

قرار نبود از همان ابتدا در رابطه با فؤاد شروع کنم و تلخی را از اولین واژه‌ها وارد گفتگو با خانواده آزادیان کنم و بر همین اساس از سال‌ها تلاش یوسف آزادیان در عرصه اسکی پرسیدم و او این‌گونه سخنانش را آغاز کرد:

اسکی همان از سال ۱۳۵۴ شکل گرفت و در انتهای تلاش و سستی برای به کمر رساندن فؤاد و فاروق دو فرزند عزیزشان گفتند؛ از پرواز فؤاد و تلاش فاروق برای آرزوهایی که به آن‌ها نرسید و امروز دیگر آرزوهایش از زبان تنبور به گوش می‌رسد.

قرار نبود از همان ابتدا در رابطه با فؤاد شروع کنم و تلخی را از اولین واژه‌ها وارد گفتگو با خانواده آزادیان کنم و بر همین اساس از سال‌ها تلاش یوسف آزادیان در عرصه اسکی پرسیدم و او این‌گونه سخنانش را آغاز کرد:

اسکی همان از سال ۱۳۵۴ شکل گرفت و در انتهای تلاش و سستی برای به کمر رساندن فؤاد و فاروق دو فرزند عزیزشان گفتند؛ از پرواز فؤاد و تلاش فاروق برای آرزوهایی که به آن‌ها نرسید و امروز دیگر آرزوهایش از زبان تنبور به گوش می‌رسد.

اسکی همان از سال ۱۳۵۴ شکل گرفت و در انتهای تلاش و سستی برای به کمر رساندن فؤاد و فاروق دو فرزند عزیزشان گفتند؛ از پرواز فؤاد و تلاش فاروق برای آرزوهایی که به آن‌ها نرسید و امروز دیگر آرزوهایش از زبان تنبور به گوش می‌رسد.

اسکی همان از سال ۱۳۵۴ شکل گرفت و در انتهای تلاش و سستی برای به کمر رساندن فؤاد و فاروق دو فرزند عزیزشان گفتند؛ از پرواز فؤاد و تلاش فاروق برای آرزوهایی که به آن‌ها نرسید و امروز دیگر آرزوهایش از زبان تنبور به گوش می‌رسد.

اسکی همان از سال ۱۳۵۴ شکل گرفت و در انتهای تلاش و سستی برای به کمر رساندن فؤاد و فاروق دو فرزند عزیزشان گفتند؛ از پرواز فؤاد و تلاش فاروق برای آرزوهایی که به آن‌ها نرسید و امروز دیگر آرزوهایش از زبان تنبور به گوش می‌رسد.

اسکی همان از سال ۱۳۵۴ شکل گرفت و در انتهای تلاش و سستی برای به کمر رساندن فؤاد و فاروق دو فرزند عزیزشان گفتند؛ از پرواز فؤاد و تلاش فاروق برای آرزوهایی که به آن‌ها نرسید و امروز دیگر آرزوهایش از زبان تنبور به گوش می‌رسد.

سال گذشته به‌عنوان چهره ماندگار از من تقدیر شد اما این چهره‌ها و تلاش‌هایی که انجام داده‌اند هیچ جا ثبت نشده؛ مگر غیر از این است که همدان نیاز به تاریخ دارد.

پدر ریش سفید جوانمرد همدانی باینکه چند سالی از اسکی دل کنده اما از دور اتفاقات را رصد می‌کند و معتقد است که اسکی در همدان وضعیت بسیار خوبی دارد و امکانات در حال حاضر عالی است.

او می‌گوید: من از سال ۱۳۹۰ که این حادثه تلخ برای فرزندم اتفاق افتاد حتی یکبار هم به سمت گنج‌نامه نرفتم، باوجود اینکه سال‌ها در این مسیر در رفت‌وآمد بودم اما حالا خاطرات تلخ جای هیچ رغبت و انگیزه‌ای برای رفتن به پیست اسکی در من نگذاشته است.

پدر صورت قهرمان شهر ما از آن حادثه تلخی گفت که مردم همدان و دیگر شهرها را در شوک عمیقی فرو برد و هنوز هم هستند کسانی که در این شوک مانده‌اند و خاطرات این مرد پولادین را هنوز از یاد نبرده‌اند.

۱۴ بهمن‌ماه سال ۱۳۹۰ بود که به دلیل بارش سنگین برف و کولاک در جاده پیست اسکی و فروریختن بهمین به فؤاد و اکبر سماوات که در پیست حضور داشتند خبر دادند که یک عروس و داماد گرفتار بهمین شدند و چون پسر مسئول کمیته فنی هیئت اسکی بود به همراه اکبر سماوات برای نجات جان آن زوج در به دریای سهمگین برف آلود زد و دیگر برنگشت.

در همین حین که یوسف آزادیان از این حادثه می‌گوید چشم‌مان بین نگاه‌های مادر و پدر در رفت‌وآمد است و نمی‌دانم چگونه از حال این مادر که زخمی ۴ ساله در دل دارد، بپرسم و وقتی اولین کلمه را به زبان آورد و نام «فؤاد» بر زبانش جاری شد، اشک‌های این مادر مهربان و گرمی نگاهش، دستانم را لرزاند.

کیهان رضوی بغضش را به سختی فرومی‌خورد و می‌گوید: یکی از آرزوهای فؤاد قهرمانی اسکی بود، تمام انرژی و توانش را به کار گرفت تا جوانان این استان را به سمت اسکی هدایت کند اما در این حادثه تلخ اجازه طی کردن مسیر آرزوهایش را نداد.

فارق هم خوشبختانه با متأسفانه به دلیل موفقیت در رشته تحصیلی و مدرک کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی، به هدفی که در نظر داشت، نرسید و از این ورزش دلسرد شد و به سمت هنری رفت که در خانواده ما ریشه داشته دارد که خوشبختانه در موسیقی به جایگاه خوبی رسید.

پدر خانواده آزادیان دلخوری را چاشنی سخنان همسرش می‌کند و این‌گونه ادامه می‌دهد: ایشان دبیر تربیت‌بدنی بودند و ۲۵ سال به‌عنوان نایب‌رئیس هیئت اسکی استان همدان فعالیت کردند و از طرفی خود من نیز رئیس هیئت اسکی بودم و سال‌ها در این رشته حضور داشتم و دو فرزند ما هم ورزشکار و دارای مدرک تحصیلی مرتبط با ورزش بودند، اما باین‌وجود فارق باوجود شرکت در آزمون، موفق به اشتغال در آموزش‌پرورش نشد که این موضوع جای تأسف دارد؛ فارق تلاش بسیاری انجام داد اما حتی ذره‌ای از تلاش او در ورزش دیده نشد.

مادر فارق نیز از این موضوع گلایه دارد و معتقد است

که اگر فارق موسیقی را در کنار ورزش دنبال نمی‌کرد نمی‌توانست در ورزش موفق شود.

دوباره یاد فؤاد بین حرف‌های مادر زنده می‌شود و از تقاضای او برای نقل مکان به خانه‌ای نو سخن می‌گوید، از تقاضایی که باعث شد خانواده آزادیان امروز در خانه‌ای جدید و به یاد فرزندشان، زندگی را سپری کنند البته کم نبودند خاطراتی که از فؤاد در خانه قدیمی به یادگار مانده بود و نگاه به هر گوشه آن، آوار غم و غصه را بر قلب پدر و مادر فرومی‌ریخت؛ همین بهانه‌ای شد تا با منزلگاهی پر از خاطره خداحافظی و به محله‌ای دیگر نقل مکان کنند. این خانواده از خانه که هیچ از زمستان و برف هم دل خوشی ندارند و هر قطره برف یک خاطره را برایشان زنده می‌کند و مصداق این بی‌قراری را می‌توان از حرف‌های کیهان رضوی پی برد، اینکه می‌گوید: هیچ خاطره خوبی از برف ندارم و وقتی برف می‌بارد حال بدی دارم و می‌توانم بگویم که برف با تمام سفیدی برای ما سیاه شد...

یوسف آزادیان بازم ماجرا را به فارق پیوند می‌زند و لبخند آرامی از اینکه فارق هر هفته برای دیدن پدر و مادرش سختی راه را به جان می‌خرد تا نگاه پر از عشق و مهربانی خانواده‌اش را بخرد، در لبانش می‌نشیند.

مادر هم از این دل‌بستگی خوشحال است و می‌گوید: فارق هم مثل همه جوانان دیگر می‌تواند روزهای پایانی هفته را برای خودش برنامه‌ریزی کند اما او پایان هر هفته کنار ما است. دوباره اشک در چشمانش حلقه می‌زند و از فؤاد می‌گوید: پس از ۳۰ سال تحمل سختی و تلاش‌های فراوان، می‌خواستیم نفس بکشیم اما بهمین کاخ آرزوهایمان را فروریخت و مسیر دردناکی که فؤاد برای رسیدن به قله طی کرده بود و خم به ابرو نیاورده بود با یک حادثه به پایان رسید.

فؤاد تمام توانش را به کار گرفت تا خودش را به اوج قله برساند و در اوج قله پرواز کرد.

دوستانش می‌گفتند فؤاد در آخرین شب از آرزوهایش می‌گفته و اینکه دوست دارد سیمرغ باشد چون سیمرغ ۲۰ سال بیشتر عمر نمی‌کند.

فؤاد در رشته اسکی تلاش زیادی کرد و تحصیلات خود را در فرانسه تکمیل کرد و همان زمان پس از شرکت در مسابقه اسکی در فرانسه توسط شهردار یکی از شهرها نیز تقدیر شده بود؛ گاهی تلاش فؤاد باعث غیبه برخی می‌شد. پسر من ۲۹ سال داشت اما بسیار مردتر از سن و سال‌اش بود و ما پس از پروازش، با مرور خاطراتش، با رو شدن داستان دستان پرمتجربش برای کمک به دیگران و با کارهای بزرگی که انجام داده بود، به بزرگی وجودش پی بردیم.

فؤاد با پروازش نه تنها ما بلکه همه دوستانش را در شوک بزرگی فروبرد به‌طوری‌که بعد از گذشت چهار سال، دوستان فؤاد مثل گذشته شور و شعف ندارند و هنوز هم عکس‌های یادگاری او را به ما هدیه می‌کنند و برای دوستشان شعر می‌سرایند؛ این هنر فؤاد بود که همه به یادش باشند نه هنر ما که به یاد او هستیم.

اشعاری را که دوستان فؤاد برایش سروده بودند یکی یکی ورق می‌زد و با تک‌تک کلماتش آرام می‌گرفت.

«که من گر نیستم در جمعتان دیگر خداوند به نیکی مهر زد تاریخ این دفتر» حال دل مادر فؤاد در ابیات این اشعار هویدا بود و این‌گونه حال دل او را بیان می‌کرد:

«دانی که چرا سوزد آن بار جفا دیده زیرا که فؤادش را ای برف جدا کردی آن گل به تو دادم من از بهر نگهداری این عهد چه شد دیگر، ای برف وفا کردی؟»

یوسف آزادیان هم هنر ماندگاری فرزندش را تأیید می‌کند و از مردم که با حضور خود در مراسم تشییع پیکر این قهرمان صحنه‌ای بی‌بدیل ساختند، تشکر می‌کند.

به گفته پدر فؤاد آزادیان از سال‌های پس از انقلاب تا آن روز معدود تشییع جنازه‌ای با چنین عظمتی در همدان برگزار نشده بود و جمعیت به‌اندازه‌ای بود که مراسم ختم فؤاد در حسینیه امام خمینی (ره) شهر همدان برگزار شد.

کیهان نظری در لحظاتی که به سخنان همسرش گوش فرا می‌دهد، خاطرات فرزندش را مرور می‌کند و این بار هم در اندیشه پرواز قهرمانش اشک را چاشنی احساسش کرده و گفت: فؤاد من پرواز کرد چون به نیت کمک به دو انسان گرفتار در بهمین، یا در جاده‌ای بی‌بازگشت گذاشت و من افتخار می‌کنم که در اوج انسان دوستی رفت.

اگر فؤاد و اکبر سماوات برای کمک به آن دو نفر نرفته بودند و اجازه ورود به پیست را نمی‌دادند ۱۵۰ خانواده عزادار می‌شدند؛ در آن لحظات مدیرکل سابق ورزش و جوانان نیز در پیست اسکی حضور داشت و به‌قصد کمک آمده بود اما فؤاد به او اجازه همراهی نداد و رفت و برگشت پنج هزار کارگر بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی ۶ روز تلاش کردند تا اثری از عروس و داماد گرفتار در بهمین و فؤاد و اکبر سماوات که برای نجات آن زوج غرق در بهمین پیدا کنند و دیگر استان‌ها هم بسیج شدند تا پس از تلاش شبانه‌روزی و بی‌وقفه در ابتدا عروس و داماد، سپس اکبر سماوات و در آخر هم فؤاد را از زیر برف بیرون کشیدند.

در همان سال مراسم‌های زیادی برای فؤاد برگزار شد و مردم محبت خود را نشان دادند اما امروز تنها خاطرات است که در اذهان مردم مانده و فؤاد را ماندگار کرده است و هیچ تقویمی تلاش‌های فؤاد و آن روز تلخ را ورق نمی‌زند.

بزرگانی بودند که از این دنیا رفتند و پس از رفتن آن‌ها خیابانی به نامشان نام‌گذاری شد اما فداکاری فؤاد هم خدمت بزرگی بود که جایی ثبت نشد و نامی از او نیست.

پدر هم این موضوع را تأیید می‌کند و می‌گوید: روزی که رئیس فدراسیون اسکی به همدان آمد در خانه ما حضور یافت و از من درخواست کرد که باهم به پیست اسکی برویم اما من گفتم: چگونه به‌جایی بیایم که هیچ بویی از فرزندم نمی‌آید و هیچ نامی از او نیست و همین بهانه‌ای شد تا نام مدرسه اسکی همدان به نام فؤاد آزادیان نام‌گذاری شود. هم غم و غصه دلش را چنگ می‌زد و هم فداکاری غرورانگیز پسرش دلش را تسلی می‌داد اما اشک‌هایش گاهی بی‌امان می‌بارید و با همان چشم‌های اشک‌بار و گلوئی بغض‌آلود از این می‌گفت که پسرش ساعت ۶ صبح محیطی گرم را راه می‌کرد و دل به گوه می‌زد تا به آرزوهایش برسد.

فؤادش رفته اما دلش برای فارق می‌تپد و از تلاش فراوانی که فارق برای کمرنگ شدن تلخی این داستان انجام داده، سخن می‌گوید و بازم آن روز تلخ را مرور می‌کند که فارق در پیست اسکی دیزین خبر جان باختن برادرش را می‌شنود و بسا همان لباس و کفش اسکی در هوایی سرد و جاده‌های برف زده خودش را به همدان می‌رساند.

کیهان نظری می‌گوید: خیلی نگران فارق هستم، او از خودش و تمام توانش برای ما مایه می‌گذارد و همیشه سعی می‌کند کنار ما باشد باینکه به دلیل مسائل کاری ناچار به دوری است. لبخندی می‌زند و آرزو می‌کند که پسرش سروسامان بگیرد.

سخنان پایانی او با آرزویی برای جوانان ختم می‌شود و می‌گوید: وقتی شادی جوانان را می‌بینم ضربان قلبم تندتر می‌شود و خوشحال می‌شوم. برای همه جوانان آرزو دارم که به‌اندازه‌ای معرفت داشته باشند که به هم‌نوعان خود کمک کنند و انسان دوستی را سرلوحه کارشان قرار دهند.

یوسف آزادیان بازم ماجرا را به فارق پیوند می‌زند و لبخند آرامی از اینکه فارق هر هفته برای دیدن پدر و مادرش سختی راه را به جان می‌خرد تا نگاه پر از عشق و مهربانی خانواده‌اش را بخرد، در لبانش می‌نشیند.

مادر هم از این دل‌بستگی خوشحال است و می‌گوید: فارق هم مثل همه جوانان دیگر می‌تواند روزهای پایانی هفته را برای خودش برنامه‌ریزی کند اما او پایان هر هفته کنار ما است. دوباره اشک در چشمانش حلقه می‌زند و از فؤاد می‌گوید: پس از ۳۰ سال تحمل سختی و تلاش‌های فراوان، می‌خواستیم نفس بکشیم اما بهمین کاخ آرزوهایمان را فروریخت و مسیر دردناکی که فؤاد برای رسیدن به قله طی کرده بود و خم به ابرو نیاورده بود با یک حادثه به پایان رسید.

فؤاد تمام توانش را به کار گرفت تا خودش را به اوج قله برساند و در اوج قله پرواز کرد.

دوستانش می‌گفتند فؤاد در آخرین شب از آرزوهایش می‌گفته و اینکه دوست دارد سیمرغ باشد چون سیمرغ ۲۰ سال بیشتر عمر نمی‌کند.

فؤاد در رشته اسکی تلاش زیادی کرد و تحصیلات خود را در فرانسه تکمیل کرد و همان زمان پس از شرکت در مسابقه اسکی در فرانسه توسط شهردار یکی از شهرها نیز تقدیر شده بود؛ گاهی تلاش فؤاد باعث غیبه برخی می‌شد. پسر من ۲۹ سال داشت اما بسیار مردتر از سن و سال‌اش بود و ما پس از پروازش، با مرور خاطراتش، با رو شدن داستان دستان پرمتجربش برای کمک به دیگران و با کارهای بزرگی که انجام داده بود، به بزرگی وجودش پی بردیم.

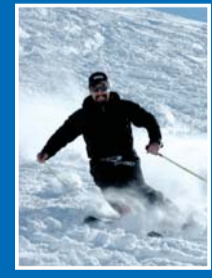
فؤاد با پروازش نه تنها ما بلکه همه دوستانش را در شوک بزرگی فروبرد به‌طوری‌که بعد از گذشت چهار سال، دوستان فؤاد مثل گذشته شور و شعف ندارند و هنوز هم عکس‌های یادگاری او را به ما هدیه می‌کنند و برای دوستشان شعر می‌سرایند؛ این هنر فؤاد بود که همه به یادش باشند نه هنر ما که به یاد او هستیم.



دوستان فؤاد مثل گذشته شور و شعف ندارند و هنوز هم عکس‌های یادگاری او را به ما هدیه می‌کنند و برای دوستشان شعر می‌سرایند؛ این هنر فؤاد بود که همه به یادش باشند نه هنر ما که به یاد او هستیم



هیچ خاطره خوبی از برف ندارم و وقتی برف می‌بارد حال بدی دارم و می‌توانم بگویم که برف با تمام سفیدی برای ما سیاه شد...



این اختراعات نتیجه تلاش های بی وقفه و بی شائبه فاروق آزادبان است اما حالا نوبت گوش سپردن به سخنان نوازنده مطرح همدانی است. آزادبان سخنانش را از تفاوت رشته تحصیلی اش با شرایط کارش شروع می کند و می گوید: من در رشته تربیت بدنی فارغ التحصیل شدم اما امروز، مرا به عنوان نوازنده تار و سه تاری می شناسند. دل مشغولی امروز فاروق آزادبان باعث شد که تار و سه تار آغازگر حرفهایش باشد.

او می گوید: موسیقی را از سال ۶۷ شروع کردم و در ابتدا سه تار و بعداً نوازندگی تار را فرا گرفتم؛ الگوی نوازندگی من اولین معلم، استاد شادروان داریوش زرگری بود که به حق، می توان از او به عنوان معلم اخلاق یاد کرد؛ موفقیت امروز را نیز مدیون استاد بهرام ساعد و استاد بهروز همتی می دانم.

پیروی از نوازندگی استاد شهناز و استاد شریف همیشه پیرو نوازندگی استاد شهناز و استاد شریف بوده ام و همواره از نوای ساز و شیوه نوازندگی این دو استاد بزرگوار لذت می برم.

از سال ۷۵ تا ۸۵ به طور قراردادی در صداوسیما کار کردم و در سال ۸۲ قطعه وعده دیدار را ساختم که مقام اول جشنواره موسیقی تولیدات صداوسیما را کسب کرد.

نخستین اجرای کنسرت رسمی من در سال ۷۰ و در تالار معلم با حمایت صداوسیما همدان و به سرپرستی استاد داریوش زرگری برگزار شد. اما اگر بخواهم از ورزش بگویم باید به پیشینه آن در خانواده ام اشاره کنم.

پدر من یوسف آزادبان از بزرگان و مربیان پیشکسوت ورزش کوهنوردی و اسکی است که سال ۵۳ به عنوان عضوی از نخستین گروه کوهنوردی به هیمالیا صعود کرد. از سوی دیگر خانواده ما همواره فرهنگ و هنر را ارج می نهند و اغلب آنان با سازهای موسیقی آشنایی دارند؛ به طور مثال پدرم تنبک و دایه ها نیز ساز می نوازند. حضور در این خانواده هنردوست و ورزشکار موجب شد که فعالیت های ورزشی، کلاس های سنگ نوردی، شنا و کوهنوردی را از همان کودکی شروع کنم و در سنین پایین همزمان با عضویت در تیم شنای شهرداری همدان، با حضور در تیم اسکی همدان، مقام های استانی و کشوری را کسب کردم و در سال ۸۰ عنوان مربی گری ورزش اسکی را به دست آوردم. با توجه به اینکه ورزش در سلامت ذهن، افزایش خلاقیت، بهبود روند زندگی و پیشرفت افراد اثرگذار است، می توانم بگویم در بخشی از موفقیت من اثرگذار بوده است.

زندگی من همچون هنرمندان دیگر تلاطمات خاص خود را دارد اما هر انسانی برنامه ریزی روزانه ای دارد که من نیز از این داستان مستثنا نیستم.

فعالیت های روزانه من عموماً با تمرین موسیقی شروع می شود، با تمرین در ارکسترها و تدریس موسیقی در آموزشگاه های مختلف دنبال می شود و اغلب شبها با پیاده روی و ورزش در پارک، بیان شعر و آهنگ سازی در محیطی آرام تر سپری می شود.

من در کنار موسیقی، کار در حوزه نشر را نیز دنبال می کنم و خوشبختانه مجوزهای لازم را به منظور چاپ کتابی آموزشی برای هنرآموزان رشته تار و سه تار با الهام از کتاب استاد روح اله خالقی اما روش تدریسی متفاوت، دریافت کرده ام و این کتاب به زودی در بازار منتشر می شود.

از طرفی در حوزه رسانه نیز دستی بر آتش دارم و یک صفحه از ماهنامه «زیربوم» که مجید اخشابی مدیر مسئول آن است، به مطالب این جانب اختصاص دارد.

آزادبان که از رشته تحصیلی اش فاصله گرفته و با موسیقی روزگارش را می گذراند، خود را عاشق موسیقی می داند.

می گوید: در گذشته در شرکت های مختلف ساختمانی کار دولتی انجام می دادم اما بر آن شدم که موسیقی را به صورت حرفه ای با برگزاری و

**فاروق آزادبان ۲۴** شهرورماه ۱۳۵۸ در همدان متولد شد. او فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی است و در نوازندگی و آهنگ سازی (تار و ستار) تخصص دارد. این هنرمند همدانی فعالیت حرفه ای در زمینه موسیقی را از سال ۱۳۶۷ آغاز کرد و از محضر اساتید ارزشمندی همچون داریوش زرگری، بهرام ساعد و بهروز همتی بهره گرفت.

**این عضو انجمن موسیقی ایران، افتخارات ارزشمندی دارد که می توان به کسب مقام نخست جشنواره موسیقی سرود دانش آموزان در دوران تحصیل، انتخاب به عنوان نفر برگزیده جشنواره موسیقی جوان در سال ۷۴، تک نواز برتر جشنواره موسیقی سال ۷۵، تک نواز برتر جشنواره موسیقی دانشجویی سال ۷۶، کسب مقام اول گروه نوازی در جشنواره موسیقی دانشجویی منطقه غرب کشور، مقام اول بهترین آهنگساز تولیدات رادیو تلویزیونی صداوسیما در سال ۸۳ و کسب مقام اول جشنواره موسیقی منطقه ای شمشه در سال ۹۱-۹۰ با اجرای گروه موسیقی همراز اشاره کرد.**

**آزادبان مدرس انجمن موسیقی از سال ۷۵ در آموزشگاه های موسیقی رودکی، فی لیگ، پر نیان، آهنگ و هزارستان در همدان و همچنین مدرس آموزشگاه های موسیقی همراز، کوبه، آوای مهر، گام و... در تهران بوده است.**

## مصومه ملیزاده



هنرمند معتقد است که فرهنگ سازی در حوزه موسیقی باید از دوران کودکی شروع شود و فضا برای آموزش موسیقی به کودکان فراهم باشد؛ من برگزاری دوره آموزش موسیقی به کودکان را تجربه کردم و در دورهای که به همین منظور برگزار شد آموزش مفاهیم موسیقی برای خانواده کودکان را نیز دنبال کردم چراکه علاقه مندی والدین به موسیقی در تأثیر گذاری هر چه بیشتر آموزش ها و پیگیری تمرین های موسیقی و راهنمایی فرزندان بسیار مؤثر است.

برای یادگیری موسیقی سن خاصی مطرح نیست اما بازدهی آموزش ها در هنرآموزانی که از کودکی شروع به یادگیری می کنند، بیشتر است زیرا در این مقطع ذهن افراد آزاد است همچنین افرادی با سنین بالاتر هستند که به خوبی و باعلاقه بسیار ساز می زنند.

بعضی هنرآموزان با اصرار والدین در کلاس های موسیقی شرکت می کنند و ما نیز موظف به آموزش آنان هستیم برخی دیگر نیز به خواسته خود به کلاس های آموزش موسیقی می آیند که قطعاً این افراد پیشرفت بیشتری دارند.

همواره به هنرآموزانی که در آغاز راه آموزش موسیقی هستند، پیشنهاد می کنم که یک هفته سازها و تکنوازی ها را بشنوند تا ببینند که با شنیدن کدام ساز احساس خوبی به آن ها دست می دهد و بعد با داشتن هدف مناسب، راه مورد علاقه خود را انتخاب کنند.

## ممنوعیت آموزش موسیقی در مدارس ایران

یکی از مشکلات ما در عرصه موسیقی این است که آموزش موسیقی در مدارس کشور ممنوع است در حالیکه کلاس موسیقی در تمام مدارس دنیا به عنوان یکی از منابع درسی وجود دارد زیرا تأثیر موسیقی بر سلامت جسم و پرورش روح، موضوعی ثابت شده است.

من در مقاله در زمینه موسیقی درمانی منتشر کرده ام و در این تحقیق مشخص شده است که بسیاری از بیماران اعصاب و روان با گوش کردن به موسیقی مناسب بهبود می یابند.

وجود سالن های استاندارد موسیقی نیز در رشد این هنر ارزشمند اثرگذار است و باید در استانها سالن هایی برای تمرین موسیقی و اجرای کنسرت راه اندازی شود که در همدان می توان به سالن ابن سینا اشاره کرد.

## محدود شدن به موسیقی دوره

### قاجار عامل عقب ماندگی

#### موسیقی کشور

یکی از دلایل عقب ماندگی موسیقی، محدود شدن آن به موسیقی دوره قاجار است؛ موسیقی سنتی بر اساس ردیف نوازی گذشتگان شکل گرفته که اصل کار است اما برای کیفیت آن کافی نیست و باید موسیقی ما با پژوهش ها و تفکرها توسعه یابد.

یکی از دلایل بی ثباتی گروه های موسیقی، حمایت نکردن مسئولان است به طوری که بسیاری از ارکسترها در جشنواره فجر مقام می آورند اما به خاطر حمایت نشدن از هم می یابند.

او اهمیت انتخاب ساز را مثل انتخاب رشته دانشگاهی می داند و معتقد است همانطور که افراد با توجه به علاقه مندی خود رشته دانشگاهی مورد نظر را انتخاب می کنند باید باعلاقه، برنامه ریزی و برخورداری از معلم مناسب؛ ساز دلخواه خود را انتخاب کنند.

فاروق آزادبان جملات پایانی اش را با پرواز جوانمردانه برادرش «فواد» پیوند می زند و معتقد است که پرواز ابدی فداکارانه اش او را جاودانه کرد. او می گوید: برادرم فواد جزو ورزشکاران به نام و

عضو تیم ملی اسکی بود که مدارک دوره های مربی گری خود را از کشور فرانسه گرفته بود و با فداکاری جان خود را از دست داد و برای نجات همشهریان خود، پروازی جاودانه داشت.

در ایران در سه ماه از سال تعطیل است و ارکستر باید چندین ماه تمرین کند تا بتواند با وجود تعطیلی چندماهه موسیقی کشور، نتیجه تمرین ها را در صحنه به نمایش در آورد.

متأسفانه بسیاری از هنرجویان با استعداد در استانها گمنامند که این موضوع واپسسته به اقدامات اداره کل فرهنگ و ارشاد استان است زیرا آدم های هنرمند اهل خودنمایی نیستند و بدون تکبر و با عشق و صفا کار می کنند و در تمام شاخه های هنری اساتید برجسته ای فعالیت می کنند که متأسفانه آن طور که باید شناخته شده نیستند.

## فراهم نشدن جایگاه رشد هنری در شهرستانها

شهرستانها جایگاهی برای رشد افراد فراهم نمی کند و بسیاری از هنرمندان بزرگ همدانی در تهران کار می کنند، نیمی از اساتید بزرگ موسیقی دانشگاه هنر کرج و تهران همدانی هستند در حالی که شاید اگر این افراد در همدان می ماندند امکان رشد نداشتند.

تدریس رشته موسیقی در مرکز علمی کاربردی همدان قدم بسیار خوبی در رشد موسیقی استان است و این اقدام نوازندگی در همدان را علمی تر می کند اگر چه می توان گفت موسیقی و هنر رابطه چندانی با تحصیلات ندارد و بسیاری از اساتید برجسته این حوزه تحصیلات مرتبط با موسیقی ندارند.

## علمی نبودن موسیقی کشور

دیدگاه هایی که در برخی محافل در خصوص پایین آمدن سطح سلیقه مخاطبان موسیقی مطرح می شود، ما را بر آن داشت که نظر نوازنده شهرمان را نیز بپرسیم و او اینگونه پاسخ داد: موسیقی پاپ یا سنتی در بسیاری از موارد علمی نیست و هر شخصی بدون گذراندن دوره آموزشی و فقط با داشتن پول، می تواند خواننده شود

و صدایش توسط سیستم های صدابرداری قابل شنیدن شود. البته نباید وظیفه و رسالت مردم و مخاطبان موسیقی را در قبال این هنر نادیده گرفت و شاید بتوان گفت حداقل حمایت از موسیقی رعایت حقوق

کپی رایت است زیرا هنرمندان برای تهیه آلبوم بسیار زحمت می کشند و مخاطبان نباید با داندلود کردن آهنگها این تلاش ها را نادیده بگیرند. این

کشور در آن دوران بود. متأسفانه اداره کنندگان خانه موسیقی سالهاست که ثابت هستند و تغییر نکرده اند و اتفاقات بسیاری که پیش آمده، اساتید و هنرمندان موسیقی را دلسرد کرده است.

از سویی دیگر باید از اقدامات انجام شده توسط انجمن موسیقی که حدود ۱۵ سال پیش توسط بزرگان موسیقی راه اندازی شد، به نیکی یاد کرد و برگزاری نشست های هفتگی با اهالی هنر و جوانان را که اقدام بسیار ارزشمندی بودی، به فال نیک گرفت هر چند امروز از این انجمن جز نامی باقی نمانده است.

## دخل تصرف نداشتن اهالی فرهنگ و هنر در تصمیمات

تارنواز همدانی از مجموعه فرهنگ و ارشاد نیز گلابه دارد و معتقد است که امروز وزارت ارشاد جای افراد سیاسی است و اهالی فرهنگ و هنر هیچ گونه دخل و تصرفی در تصمیمات آن ندارند؛ از سویی دیگر اغلب تحصیلات مسئولان امور فرهنگی فرهنگ و ارشاد در شاخه هنر نیست در حالی که صرف نظر از تحصیلات دانشگاهی، مسئولان امور فرهنگی و هنری باید آشنایی نسبی با هنر داشته باشند.

فاروق آزادبان پس از مرور وضعیت موسیقی کشور، نگاهش را به سمت موسیقی زادگاهش بر می گرداند و قدرت فوق العاده اهالی موسیقی همدان را تحسین می کند. نوازنده هایی که امروز در استان همدان و کشور، هنرنمایی می کنند بی نهایت قوی هستند به طوری که توانمندی جوانان امروز بیشتر از ۳۰ سال گذشته است و آنان با عشق، علاقه و با تحمل سختی های فراوان کار می کنند؛ متأسفانه بستر مناسبی برای ارائه کار موسیقی فراهم نیست به طوری که همواره با مشکلات عدیده ای همچون هماهنگی سالن، تبلیغات، اسپانسر و

دریافت مجوز شعر مواجه می شوند. اغلب هنرمندان این عرصه به دنبال عواید مالی نیستند و بعد از ماهها تلاش برای برگزاری کنسرت، سود مالی چندانی نصیبشان نمی شود. موسیقی

نوازنده هایی که امروز در استان همدان و کشور، هنرنمایی می کنند بی نهایت قوی هستند به طوری که توانمندی جوانان امروز بیشتر از ۳۰ سال گذشته است و آنان با عشق، علاقه و با تحمل سختی های فراوان کار می کنند؛ متأسفانه بستر مناسبی برای ارائه کار موسیقی فراهم نیست به طوری که همواره با مشکلات عدیده ای همچون هماهنگی سالن، تبلیغات، اسپانسر و دریافت مجوز شعر مواجه می شوند.

اغلب هنرمندان این عرصه به دنبال عواید مالی نیستند و بعد از ماهها تلاش برای برگزاری کنسرت، سود مالی چندانی نصیبشان نمی شود. موسیقی

نوازنده هایی که امروز در استان همدان و کشور، هنرنمایی می کنند بی نهایت قوی هستند به طوری که توانمندی جوانان امروز بیشتر از ۳۰ سال گذشته است و آنان با عشق، علاقه و با تحمل سختی های فراوان کار می کنند؛ متأسفانه بستر مناسبی برای ارائه کار موسیقی فراهم نیست به طوری که همواره با مشکلات عدیده ای همچون هماهنگی سالن، تبلیغات، اسپانسر و دریافت مجوز شعر مواجه می شوند.

اغلب هنرمندان این عرصه به دنبال عواید مالی نیستند و بعد از ماهها تلاش برای برگزاری کنسرت، سود مالی چندانی نصیبشان نمی شود. موسیقی

نوازنده هایی که امروز در استان همدان و کشور، هنرنمایی می کنند بی نهایت قوی هستند به طوری که توانمندی جوانان امروز بیشتر از ۳۰ سال گذشته است و آنان با عشق، علاقه و با تحمل سختی های فراوان کار می کنند؛ متأسفانه بستر مناسبی برای ارائه کار موسیقی فراهم نیست به طوری که همواره با مشکلات عدیده ای همچون هماهنگی سالن، تبلیغات، اسپانسر و دریافت مجوز شعر مواجه می شوند.

حضور در کنسرت های مختلف پیگیری کنم. من عاشق تدریس هستم و تلاشم بر این است که علاقه به هنر و موسیقی در هنرآموزان متولد شود؛ از ورود آنان به عرصه هنر و مشاهده روند پیشرفتشان لذت می برم.

## موسیقی دلنواز، نوایی که به عشق معنا می بخشد

او به حال و روز دنیای موسیقی اشاره می کند و اینکه «انجا که زبان از سخن باز می ماند؛ موسیقی آغاز می شود».

فاروق آزادبان معتقد است که بشر درگیر در زندگی روزمره، گاهی نیاز دارد که به عمق وجودی خود پیاندیشد و در این زمان موسیقی بیان کننده تمام حرف های هنرمند است به طوری که با شنیدن اثر خاصی از یک موزیسین، ابراز عشق درونی را می توان به گوش جان شنید چراکه بیشتر بزرگان این عرصه حرف دل خود را با نواختن ساز می زنند. موسیقی دلنواز، نوایی است که از آن احساس و عشق دریافت شود و به وجود عشق معنی ببخشد.

## وضعیت موسیقی ایران نگران کننده است

این هنرمند همدانی و بهتر است بگویم هنرمند ملی، دل نگران حال موسیقی ایران است و از اینکه نوازندگان در پس نام خوانندگان مغفول مانده اند، گلابه دارد.

آزادبان نظرش را او اینگونه مطرح می کند: اظهار نظر در رابطه با وضعیت موسیقی سخت است اما باید گفت که وضعیت موسیقی امروز کشور ما نگران کننده است. محدودیت های بخش و نشان دادن ساز در رسانه ملی از ایراد های اساسی عرصه موسیقی کشور است که موجب شده صرفاً خوانندگان مطرح شوند و نوازندگان همکار ناشناخته بمانند. این موضوع در برنامه های تلویزیونی و رادیویی نیز نمود دارد به طوری که در زمان بخش قطعه ای از رادیو، صحبتی از عوامل دست اندر کار این قطعه فاخر بیان نمی شود و این موضوع دلسردی نوازندگان را به همراه دارد.

## دیجیتالی شدن سیستم های ضبط عامل کاهش تولید موسیقی های فاخر

گو با گسستن همبستگی در موسیقی، دلش را به درد آورده و او معتقد است که همبستگی گذشته امروز وجود ندارد. آزادبان می گوید: در دهه ۴۰ و ۵۰ بین اهالی موسیقی همبستگی زیادی وجود داشت و به دلیل ارتباط حسی قوی بین اعضای گروه، آثار موسیقی ماندگاری در آن زمان تولید شد اما امروز همبستگی قدیم وجود ندارد و دیجیتالی شدن سیستم های ضبط موسیقی باعث کم شدن تعداد موسیقی های فاخر شده است.

با وجود این شرایط، امیدوارم همدلی و همبستگی بین هنرمندان قوت بگیرد. باید به این موضوع نیز اشاره کنم که استخدام نوازندگان توسط

رادیو و تلویزیون در دهه ۵۰ و ۴۰ یکی از عوامل رشد موسیقی

## نوازنده مطرح همدانی:

# وضعیت موسیقی ایران نگران کننده است





# نام: عباس عربزاده

## پیشه: عکاسی بر لبه تیغ در ایران

شکوفه رنجبر

خرداد ماه سال ۱۳۴۹ در محله کوچه قصابان همدان به دنیا آمد او که بیشتر اوقات زندگی را در خانه کودکی پدرش و در کنار مادر بزرگش سپری می کرد از سال ۶۷ با گذراندن دوره آموزشی کلاس های امیر لطفیان عکاسی را شروع کرد و یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۸ که حدوداً ۱۸ یا ۱۹ سال داشت وارد دانشگاه هنر شد اما از آنجا که

خرداد ماه سال ۱۳۴۹ در محله کوچه قصابان همدان به دنیا آمد او که بیشتر اوقات زندگی را در خانه کودکی پدرش و در کنار مادر بزرگش سپری می کرد از سال ۶۷ با گذراندن دوره آموزشی کلاس های امیر لطفیان عکاسی را شروع کرد و یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۸ که حدوداً ۱۸ یا ۱۹ سال داشت وارد دانشگاه هنر شد اما از آنجا که

کند، او را تغییر دهد و افق جدیدی را پیش رویش بگذارد، این موضوع که چقدر توانسته ام به هدفم برسم باز هم اهمیتی ندارد، مهم این است که من در مسیر رسیدن به این خواسته که خواسته ای قلبی است قرار دارم.

تمام صحبت های من بر محور هنر، رسیدن به نقطه ای است که تفکر هر فرد را که به عنوان بیننده عکسهایم می بینم در بند و اسیر اتفاقات روزمره زندگی نکند بلکه روح او را به سمتی پیش ببرد که معنای راستین و ارستویی باشد.

### عکسهای ما کاسه ماست است!

اکباتان: شما به شکلی از عکاسی صحبت می کنید که تمام عشق و احساس درونی خود را نسبت به آن به من به عنوان یک مخاطب القاء می کنید، راز این اتفاق در چه چیزی گنجانده شده که باعث می شود من به عنوان یک بیننده در دنیایی که هر روز هزاران عکس در آن چاپ و ارائه می شود در کنار آثار شما مکث کرده و لحظه ای هر چند کوتاه در آن زندگی کنم.

عباس عربزاده: ببینید ما دقیقاً مانند یک تولید کننده ماست که ماست های زیادی با برندهای مختلف تولید می کند به نوعی تولید کننده یک عکس هستیم و متأسفانه عکاسی ما دقیقاً همان کاسه های ماست بندی مغازه های تولید ماست شده است یعنی هنوز در پله های اولیه عکاسی قرار گرفته ایم.

با پیکسل های عکسهایمان شعر نمی گوئیم، توانایی تغییر مسیر تفکری مخاطب را در دست نداریم. درد نسل امروز عکاسی این است که عکسهایش در صفحات کامپیوتر باقی می ماند اما من به عنوان کسی که عاشق عکس گرفتن است و تمام زندگی اش را صرف این عشق کرده است با تمام سرمستی ام، عکسهایم را چاپ کردم تا بتوانم بالاخره به قالی برسیم که بیشترین حالت و احساس عکس هایم را به بیننده القاء کند.

یک عکاس باید خود را عنصری کوچک در دنیای شگفت انگیز خلقت های خدا ببیند تا آوارگی و خلأ را حس کند تا آثارش سوزنه تئاترهای بزرگ در دنیا، الهام شعر شاعران هم دوره اش و ... شود.

### عکسهایی که عباس عربزاده را به خانه اجاره ای کشاند

من برای عشقم که عکاسی است هزینه های زیادی داده ام اما با این وجود وقتی آن قابی را که می خواستم به من نمی داد بلافاصله عکس چاپ شده را پاره می کردم و به دنبال قاب و چاپ دیگری بودم. شاید امروز ۲۰۰ تا حتی ۳۰۰ میلیون تومان در این راه هزینه کردم و حالا به قول همسرم تمام دارایی من صرف کاغذ پاره شده است و مجبورم در محلی زندگی و کار کنم که اجاره ای است.

به عقیده من یک موی سر هنرمندان ارزشی هزاران برابر به اسم هایی دارد که بدون محدودیت کار هنری ارائه می دهد. هنرمندانی مانند محسن راستانی، علی فریدونی و هزاران راستانی ها و فریدونی هایی که از محدودیت ها، نامحدود می



### هنر یعنی «پل» میان انسانیت تا وارستگی

و تهیه کننده می دانند اما به طور خاص قصد دارم در مورد عکاسی و عشق شما به آن با هم صحبت کنیم. در مورد سلیق و سبک خاص شما در عکاسی بیشتر بدانیم و اینکه عکاسی عباس عربزاده در کدام مکتب کلاسیک، اکسپرسیو و پست مدرن و... می گنجد؟

عباس عربزاده: لطفاً بنویسید عباس عربزاده عکاسی بدون سبک خاص است زیرا اعتقاد دارم این بیننده است که با توجه به نگاهش و احساسی که از دیدن عکسهای من می گیرد و باید عکس را در ایسمهای مختلف جای دهد. عکاسی برای من یعنی ثبت لحظاتی از زندگی بشر که تکرار شدنی نیست و هیچ هنری جز عکاسی با اینکه تنها ۲۰۰ سال قدمت دارد توانایی انعکاس و ثبت آن را ندارد، چونانکه اگر به هنرهای بصری رجوع کنیم از سینما، تئاتر، نقاشی، عکاسی و ... هیچ هنر بصری که در زمان جریان داشته باشد و بتوان با کمک آن قسمتی از زمان را ثبت کرد، پیدا نخواهیم کرد جز عکاسی، تا چه حد این شاخه بندی ها می تواند ما را به اصول هنر عکاسی برساند؟

هنری مثل نقاشی با هزاران سال قدمت نتوانست کار عکاسی را انجام دهد با اینکه عکاسی ۲۰۰ سال بیشتر قدمت ندارد. بیننده کارهای من باید در مورد سبک هایم صحبت کند، بحث کند و به نتیجه برسد؛ عکسهای من مختص خودم است، از سوزه های مختلف معماری، مردم نگاری، مستند اجتماعی، چیدمان تا طبیعت سوزه هایی هستند که مجموعه عکسهایم را تشکیل می دهد.

شاخه بندی کارهای من در قالب و مکتب های خاص چندان اهمیتی برایم ندارد اما نگاهم را طوری در پیرامونم می چرخانم تا همان نگاه بتواند بیشترین تأثیر را در بیننده عکسهایم ایجاد

اکباتان: شما از تعبیر جالبی برای عبور از کالبد انسانی که نماد دنیای فانی است استفاده کردید و نامش را «پل» گذاشتید؛ پل ذاتا دارای حرکت همراه با لغزش است، لغزشی ناشی از ترس، عبور، رفتن و ماندن؛ تعبیر عباس عربزاده از این پل و چگونگی نلغزیدن روی آن چیست؟ عباس عربزاده: پل یک مسیر و شاید یک میزان است به طوریکه اگر باور داشته باشیم هنر همان پلی است که وصل کننده به وارستگی و مسیر دل کنند از نگاه های معمول زندگی است پس طی کننده این مسیر فردی است که هنرمند خوانده می شود. هنرمندی که نگاه، زندگی، برداشت و اساساً عقاید و تفکراتش باید متفاوت باشد تا بتواند اثرش را متمایز از هزاران اثری کند که همزمان با خلق اثر او موجودیت می یابد و حالا همین هنرمند اگر روی پل قرار بگیرد و کوچکترین خطایی از او سر بزند بزرگترین سقوط کننده خواهد بود و می توان مدعی شد که مرگش فرا رسیده، چراکه آنچنان که باید بر تردیدها، نفس ها و من بودن هایش تسلط نداشته و در جایی از مسیر هنر «پل» لغزیده، سر خورده و در نهایت سقوط کرده است. ما به عنوان یک هنرمند در هر حوزه ای زیر شاخه های هنراگر نتوانیم از این هنر پلی بنزیم که بتواند فردی را از زنجیر یا به زنجیر عشق وصل کنیم مقصریم و نتوانستیم دین به هنر و مردمان هنردوست را ادا کنیم

ایسمها در عکس های من جایی ندارد اکباتان: جدا از اینکه اهالی هنر، شما را عکاس، فیلمساز

اکباتان: درست نمی دانم در چه قالبی تعریفش کنم، عکاس، فیلم ساز، شاعر، نویسنده و... چیزی که من از او دیدم مجموعه ای کامل از همه آنهاست. قلمم را با نگاهش به زندگی زنجیر کردم و مصاحبه ما با فلاش بکی به گذشته او شروع شد.

عباس عربزاده: وقتی به این فکر می کنم که چه کسی بودم و امروز زندگی ام به چه شکلی است به یاد می آورم اولین و بزرگترین پتک زندگی را از کسی خوردم که نه نسبتی خونی با من داشت و نه استاد به مکتب رفته ای که من شاگردش باشم، این انسان عالیقدر به تعبیر من البته که معنای حقیقی و به تمام آزاد مردی است پیرمردی بود که سالهای خیلی دور در محله کودکی من همان کوچه معروف به «کوچه قصابان» آهنگری داشت و زنجیر ساز بود.

اگر زنجیر را تعریف کنم باید هر دو معنای آن را در نظر بگیریم زنجیری که حصر است و زنجیری که معنای آزادی می دهد چون به یاد آزاد مردی انسانی از تبار نور، به سینه می خورد تا زخمش تو را تبدیل به تویی کند که بتوانی پل میان انسانیت را به وارستگی طی کنی، زنجیری که حاج محمود قصه های کودکی من به هم وصل می کرد از نوع آزادی بود و دقیقاً باهمان پتک سنگین ضربه زنده به آهن های گداخته چنان ضربتی بر وجود من زده شد که امروز بزرگترین آرزویم عبور از پل انسانیت به وارستگی است اما متأسفانه هم چنان در ابتدای این پل و تردیدهای درونی ام درجا می زنم و عبور از آن قابی رویاهای دست نیافتنی من است، افرادی مانند باباطاهر این بزرگ مرد، افتخار اکباتان و دیار همه دانان که امروز اولین عکس های من قبل از آمدن به دفتر شما در کنار این اسوه و الگوی انسانیت ثبت شد به بالاترین درجات انسانیت رسیده و همانطور که می دانید و در شرح حال او می خوانیم زندگی خود را در گمنامی پشت سر گذاشته و به تدریج بر اثر تهذیب نفس، خودسازی و بی علاقتی به امور دنیا دارای کراماتی شده است که همیشه نام او را در تاریخ زنده نگه داشته است. من عاشق باباطاهر هستم چون از تمام از آرایش ها عریان است. باباطاهر عاشق خداوند، طبیعت و انسان بودن است تا آنجا که بارها در کلامش از رفتو اخلاق نیکو و ستایش خداوند سخن گفته است و امروزه به جایی رسیده است که من عربزاده آرزو دارم در کنارش لحظاتی از زندگی را ثبت کنم تا با هر بار دیدنش سفری کنم به اوج انسان بودن این شخصیت وارسته در سراسر سرزمین من کم نیستند کسانی که از مرزهای انسانیت و تردیدهای درونی رد شده و به نگاهی رسیده اند که فهم و ثبتش در قلاب دوربین من به عنوان یک عکاس کاری است که هزاران سال زمان خواهد برد و شاید در فرادهایی دور پسر پسران من هم توان انجامش را نداشته باشند. به دلیل اینکه وارستگی دوره ندارد. من انسان ۱۶ سالگی هزاره سوم هستم ولی اگر برگردیم به اصالت انسانیت، هیچ دوره ای وجود ندارد و در هر دوره می توانیم صاحب تفکراتی باشیم که انتهایی ندارد و پایان پذیر نیست و اساساً هر فردی که هنرمند خوانده می شود این قابلیت را دارد که در هر بازه ای از زندگی و در هر یک از طبقات هفتگانه هنر صاحب تفکر و ایده باشد برای خلق اثری که انتها ندارد و جاودانه است.

## عکاسی برای گردشگری یا گردشگری برای عکاسی؟

اگرچه صنعت جهانگردی در حال حاضر یکی از سودمندترین صنایع در سطح جهان به شمار می رود اما علی رغم تأکید و تذکر بسیاری از صاحب نظران بر لزوم توجه به آن، متأسفانه هنوز جایگاه شایسته خود را در ایران نیافته است.

این صنعت چندوجهی که دارای ابعاد بسیار گسترده ای در زمینه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... است؛ به ویژه در میان عامه جامعه، همچنان ناشناخته باقی مانده و بسیاری از افراد جامعه با تورست آشنایی ندارند. مسلماً در شناساندن این صنعت به مخاطبین و نیز اعمال آموزش های احتمالی بسیاری از عوامل و ابزارها می توانند نقش آفرینی کنند و صالبتی یکی از این ابزارها، ابزار تصویر است. در این یادداشت به نقش متقابل هنر عکاسی در آشنا کردن جامعه با صنعت گردشگری پرداخته ایم.

امروزه گردشگری به ویژه گردشگری هنری و هنرگردی گستره جهانی یافته است؛ صفت گردشگری هنری یکی از استراتژی های توسعه هنرگردی برای ورود ارز، ایجاد اشتغال و حمایت از رشد همه جانبه است. سرزمین باستانی ایران از کهن ترین تمدن های بشری محسوب می شود و در حال حاضر آثار هنر و معماری در بناهای تاریخی، هویت شناخته شده مملکت ماست. در این میان استان همدان را به اعتبار آثار و بناهای تاریخی پرتنوعش باید در زمره استثنائی ترین شهرهای ایران به شمار آورد؛ شکوه تمدن، معماری بومی و سرشار از زیبایی، آن را در شمار نمونه های کم نظیر دیدنی های جهان در آورده است.

از این رو در اینجا سؤال این است که پتانسیل ها و محدودیت های توسعه گردشگری هنری کدام است و چه راهبردها و راهکارهایی جهت توسعه گردشگری هنری که منجر به جذب گردشگران داخلی و خارجی می شود وجود دارد؟ با توجه به اینکه کشور ایران یکی از کشورهای درحال توسعه و پرچاقده هنری در خاورمیانه به شمار می رود بدیهی است که توسعه گردشگری به طور اعم در کشور ما مورد توجه قرار گیرد؛ توسعه هنر عکاسی و توسعه گردشگری دو عامل مرتبط با یکدیگرند که توسعه هر کدامشان تأثیری مثبت بر دیگری دارد. نکته لازم به توضیح آنکه در تعیین یک ابزار، هنر عکاسی، به عنوان عنصری تأثیرگذار در آموزش و گسترش هر وجه از وجوه جهانگردی - یا دیگر موارد - قصد بزرگنمایی اغراق آمیز در توانایی های عکاسی و کم اثر جلوه دادن دیگر جنبه های مؤثر در این آموزش مطرح نبوده است؛ بلکه هدف این بوده است تا بگوییم چنانچه عکاسی را به عنوان یکی از ابزارهای مناسب در گسترش و آموزش فرهنگ پذیرش جهانگرد و گردشگر مورد استفاده قرار دهیم، می توان از میان ابزارهای متنوع آن، یک یا چند ابزار را که تناسب بیشتری با خواسته های







# به آبی کنید خضرا بسوجم فلک را جلد سرتاپا بسوجم بسوجم ارزنه کارم را بساجی چه فریابی بساجی یا بسوجم



## باباطاهر را به خاطر عریانی از آلاشی ها عاشقانه دوست دارم

سازند بزرگ هستند و آنقدر بزرگ که نامهای بزرگ دنیای هنر خارج از مرزها، در مقابلشان حرفی برای گفتن ندارد. من عکاسی هستم که می خواهم عکاسی را با موسیقی عجین کنم و اگر از من بخواهید در مورد هنر صحبت کنم جوابی از من نخواهید شنید جز اشک، چراکه باورم این است هنر چیزی فراتر از من است و من از زبان چرخاندن در مورد آن ناتوان هستم.

اینکه امروز عکاسی را با بعضی رفتارهای کوچک مورد تهمت و خیانت قرار می دهیم زبینه ارزش آن نیست. عکسی که با عکاس هنرمندش می تواند مرادنگی را در چهره پیرمردی کلاه بر سر، تسبیح به دست، یا انگشترهای یاقوتی در انگشتانش و جیب بدون تراول های بانکی او تصویر کند هنری است ستودنی و به قدری قابل احترام که اگر در موردش حرفی بزنیم فقط او را از این چیزی که هست، ویران تر کرده ایم.

امیدوارم عاطفه، زمان و عشق این فرصت را به من بدهد که با آن بتوانم دنیای فکر، عقیده، باور و زندگی تنها یک نفر را تغییر بدهم.

### لبو فروش اولین سوژه عکاسی من

اکباتان: از اولین عکسی که گرفتید و افتخارات کسب شده در این مدت که عکاسی کرده اید برایمان بگویید؟  
عباس عزیززاده: اولین عکسم را از لبو فروشی گرفتم که لبوهایش را بسار الاغ کرده بود، هنوز هم این عکس برایم بهترین عکس از دوران عکاسی ام است اما در مورد افتخاراتم (چند لحظه سکوت می کند) من هیچ افتخار و مقامی ندارم و افتخار و مقام برای من روزی است که بتوانم همان پلی را که برایتان ترسیم کردم حداقل تا نیمه مسیر طی کنم. پس استدعا دارم بنویسید عزیززاده عکاسی بدون افتخار و لوح و تندیس است.

اکباتان: سطح عکاسی در استان همدان را چطور ارزیابی می کنید؟

عباس عزیززاده: عکاسی در همدان در حد متوسط است، نه پایین نه بالا. اما عکاس های خوبی در این شهر وجود دارند که متأسفانه متعهد نیستند و همگی بخاطر همین نبود اتحاد و یکپارچگی در سطح هنر جو باقی مانده اند و سعی دارند یکدیگر را خط زده و یا آثار یکدیگر را رد کنند و این یعنی نداشتن نگاه حرفه ای به این وادی از هنر، به طوریکه سوپر حرفه ای ها هیچگاه یکدیگر را زیر سوال نمی برند زیرا باور دارند شعور هنر نمی تواند شعور و شغف هنر دیگری را بی اثر و خنثی جلوه دهد.

زمانی عکاسی در همدان رشد می کند که یاد بگیریم انسان باشیم، انسانی که من را دوست دارد، تو را دوست دارد و این یعنی معنای عبور از انسانیت به وارستگی است که در صحبت هایم بارها به آن اشاره کرده ام.

اکباتان: و سخن پایانی؟

می دانم روزی، روزگاری به همدان شهر باباطاهر و بوعلی ها، شهر باورها و اعتقاداتم بازخواهم گشت. زنده و یا مرده برایم فرقی نمی کند اما آرزو دارم پرچم ایران عزیزم که جوانی ام را برایش داده ام روی تابوتم انداخته شود. جانم را برای سربلندی و پیشرفت جوانانم که سرمایه های روزهای بعد از من هستند، نثار می کنم.

### مهدی شریفی

فرار دهیم که غنای روحی و فکری مطلوب را داشته باشد. این موضوعات بر عهده فعالان حوزه فرهنگی است که باید حوزه های مطلوب باشند. حوزه مطلوب نیز حوزه های است که باید تمام محصولات هنر به طور جداگانه مورد مطالعه قرار گیرد. اما متأسفانه می بینیم که هیچ مطالعه ای در این حوزه انجام نمی شود. هنر عکاسی به صورت مستقیم و غیرمستقیم ضمن نمایش مفاهیم زیبایی شناختی و معرفی جاذبه های فرهنگی، تاریخی و گردشگری جوامع مختلف، می تواند نقش مهم و مؤثری در توسعه و رونق صنعت گردشگری داشته باشد.

درباره نقش عکاسی در توسعه صنعت گردشگری باید گفت این موضوع در حوزه گردشگری هنر جای دارد و تولیدات عکاسی و مستند به عنوان ابزار تبلیغاتی می توانند در جذب گردشگر نقش مؤثری داشته باشند.

عکس در میان پل های ارتباط جمعی ابزار مهمی برای اطلاع رسانی و تبلیغات است و گروه های مختلف سنی می توانند به این ابزار دسترسی داشته باشند. عکس ابزاری قدرتمند است که می تواند به صورت غیرمستقیم بسیاری از مباحث و آموزه های فرهنگی را به مخاطبان آموزش دهد و به وسیله آن می توان جاذبه های گردشگری را بر حسب شرایط سنی و جنسی به مخاطبان معرفی کرد.

معرفی جاذبه های گردشگری باید باهدف، برنامه و ابزاری مناسب انجام شود؛ حال آنکه عکاسی و تولیدات آن می تواند باعث ایجاد و توسعه فرهنگ گردشگری و در نهایت جذب گردشگر و رونق این صنعت اقتصادی شود. این صنعت اقتصادی می تواند به هدف گردشگری ساخته می شوند باید هدفمند انتخاب شده تا مخاطبان بتوانند با این آثار همزادپنداری کنند و برای دیدن جاذبه های معرفی شده در آثار از شهر خود خارج و از این جاذبه ها دیدن کنند.

در جهان امروز، گردشگری و تبلیغات از پر فروش ترین صنایع اقتصادی هستند که با حمایت از فعالان و عکاسان استان که می توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد و توسعه گردشگری و آموزش مردم ایفای نقش کنند.

آنچه مسلم است اینکه در دنیای آینده، سهم تفکر و هنر در توسعه کشورها بیشتر خواهد شد و سرزمین ما نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود به همین دلیل لازم است طوری برنامه ریزی کنیم که اقداماتی هدفمند و مؤثر موجب توسعه بازارهای هنری بومی، ملی و حتی جهانی شود و بهره وری از این طریق پویایی اقتصاد گردشگری، هنر گردی و معرفی کشور در حوزه های مختلف را به همراه داشته باشد.

ادامه دارد...



۲۵ آبان سال ۱۳۵۰ در تهران چشم گشود اما اساساً خود را یک همدانی می‌داند و معتقد است عرق خاصی به زادگاه اجدادی خود دارد. آرش معیریان، کارگردان و تدوین‌گر سینمای ایران که ساخت مجموعه تلویزیونی جلال‌الدین و فیلم‌های سینمایی چون کما، ساعت شلوغی، شانس عشق تصادف و کالسکه را در کارنامه کاری خود به همراه دارد، او که برادرزاده جلال معیریان گرمور صاحب سبک سینمای ایران می‌باشد بنا به گفته خودش، فیلم‌سازی تجاری است.

معیریان تنها کارگردان سینما بعد از انقلاب می‌باشد که تمام ژانرهای جنگی، تاریخی، ملودرام، اجتماعی، کمدی، هنری و... را تجربه کرده است.

با او در دست زمانی آشنا شدم که قرار بود اولین شماره اکباتان با عنوان اولین نشریه فرهنگی ورزشی استان همدان شروع به کار کند و این ترغیب‌کننده من برای شروع گفت‌وگو با او بود که حالا عزم خود را جزم کرده تا در سرزمین پدری خود استارت تله‌فیلم جدیدش را بزند.

گفت‌وگویی که جدا از بررسی‌های اجمالی بر سینمای امروز ایران، دیدگاه خاص او را در زمینه فیلم‌سازی و اساس کار سینمایی‌اش به دنبال داشت.

آرش معیریان که تبسم را می‌توان عضو جدانشدنی از چهره‌اش عنوان کرد صحبت‌های خود را با تمصبش به همدان شروع می‌کند. آرش معیریان می‌گوید: به همدانی بودن افتخار می‌کنم و از آنجایی که یک فیلم‌ساز باید هر نقطه از ایران را برای به تصویر کشیدن در نظر داشته باشد و به دنبال تنوع‌گرایی در لوکیشن باشد، آمده‌ام تا دین خود را به همدان، استانی با جاذبه‌های بالا در طبیعت، اماکن تاریخی و گردشگری که متأسفانه در فضاهای فیلم‌برداری چه در سینما و چه در تلویزیون مظلوم واقع شده را ادا کنم.

او از اینکه اهالی فرهنگ و هنر در همدان هنوز قدمی برای معرفی شهر خود در قالب یک اثر هنری برنداشته‌اند، ابراز تأسف می‌کند و همین موضوع را بهانه‌ای می‌داند برای ساخت تله‌فیلم جدیدش در همدان با مضمونی اجتماعی که به بحث اهدا عضو می‌پردازد.

از او درباره اهدافش از فیلم‌سازی به‌خصوص ساخت تله‌فیلم اخیرش می‌پرسم تا بتوانم با طرح این سؤال، گریزی هم به وضعیت حال حاضر سینمای ایران بزنم و معیریان پاسخ می‌دهد: کسی که شغلش فیلم‌سازی است وظیفه دارد هر آنچه بر اساس چارچوب قانونی جمهوری اسلامی ایران بر عهده او گذاشته می‌شود را انجام دهد.

من نیز بنا بر هدفی که از همان ابتدای ورودم به عرصه سینما داشتم، فیلم‌سازی را به‌عنوان حرفه انتخاب کردم؛ بنابراین هر نقطه از ایران با موضوعات مختلف، مسائل فرهنگی و اعتقادی آن برای من می‌تواند موضوع مناسبی برای ساخت یک فیلم سینمایی یا سریال باشد.

آرش معیریان معتقد است نیروی انسانی ۷۰ درصد اهالی سینمای ایران را شهرستانی‌ها تأمین می‌کنند و ادامه می‌دهد: بیش از ۲۰ سال است که در رشته سینما تدریس می‌کنم و به جرأت می‌توانم بگویم که استعدادهای فعال و قابل توجه مربوط به شهرستان‌ها بوده و تنها ۳۰ درصد از استعدادهای فیلم‌سازی اهل پایتخت هستند.

برخلاف این نگاه کلی نسبت به پتانسیل‌های موجود شهر تهران، من تصمیم بر تهران‌گریزی گرفتم و با این تفکر که استعدادهای خوبی در

شهرستان‌ها وجود دارد به‌ویژه شهری که به آن تعلق خاطر دارم، همدان را انتخاب کردم و یکی از اهدافم را استفاده از استعدادهای استان برای ساخت این تله‌فیلم در نظر گرفته‌ام.

با توجه به این می‌توان نتیجه گرفت پایتخت بودن تهران بدین معنی نیست که همه استعدادها در آن نهفته است، متأسفانه مهاجرت به شهرهای کلان همیشه با این نگاه صورت گرفته و همین مسئله عاملی برای متمرکز شدن فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این شهر می‌شود.

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که می‌تواند در استان همدان رخ بدهد جذب چهره‌ها و استعدادهای نهفته فیلم‌سازی است که بر این اساس بخش عمده دستمایه ما استفاده از فضاها، لوکیشن‌ها و موقعیت‌هایی می‌باشد که همدان به‌عنوان پایتخت تاریخ و تمدن ایران‌زمین، هم از نظر ظرفیت‌های تاریخی و هم از نظر ظرفیت‌های جغرافیایی و طبیعی، در خود دارد اما متأسفانه در اکثر سریال‌ها از این قابلیت غفلت شده است.

تولید یک فیلم در شهری مثل همدان ما را ملزم می‌کند که به بهترین شکل این فضا را به تصویر بکشیم و فیلمی تولید کنیم که نه تنها در سراسر ایران بلکه در بخش برون‌مرزی بتواند مخاطب خود را جذب کند تا ادای دینی باشد به قابلیت‌های فراوان این دیار که از توجه به دورمانده است.

نیت من این است که هم از منابع انسانی با استعداد در زمینه فیلم‌سازی و بازیگری استفاده شود و هم فضای دیده نشده استان را تا جایی که اقتضای قصه می‌طلبد به‌درستی به تصویر بکشیم تا مردم ایران چه امروز و چه در سال‌های آینده این فیلم را ببینند و با قابلیت‌های کمتر دیده‌شده این استان آشنا شوند.

### ■ موریانه‌ای بنام فضای مجازی در سینمای ایران رخنه کرده است

مهم‌ترین دلیل اینکه تعدادی از اهالی سینما معتقدند حال سینمای ایران خوب نیست، این است که سینما تا یک مقطعی کامل‌ترین و هفتمین هنر تلقی می‌شد و رقیب دیگری در مقابلش نبود اما امروزه جریان‌های فرهنگی و هنری به موازات سینما رشد و نمو پیدا کرده‌اند و این فضا هنر هفتم را کنار می‌گذارد و به هنر هشتم تبدیل می‌کند؛ این تعبیر آرش معیریان از حال‌وروز سینمای ایران در حال حاضر است که در ادامه با اشاره به ورود فناوری و تأثیر فضای مجازی آن را تکمیل می‌کند و ادامه می‌دهد: با پیشرفت فناوری و گسترش فعالیت‌های مجازی، هنری از نوع رسانه‌های مجازی، در شبکه‌ها و سایت‌ها در حال شکل‌گیری است که رقیب سینما به شمار می‌رود؛ زمانی به شوق دیدن فیلم به سینما می‌رفتیم و سینما مناسبات و قواعد خودش را داشت اما امروز می‌توانیم در موبایل جدیدترین فیلم را به بهترین کیفیت ببینیم بدون اینکه متحمل صرف انرژی خاصی شویم.

### ■ تماشای فیلم در سینما هزینه‌های سنگینی برای مخاطبان دارد

به این قسمت از بحث که می‌رسیم جهت‌دهی گفت‌وگو را در دست می‌گیرم و به سمتی می‌کشانم که هدفم از پرسش اولیه‌ام بود و با تأکید بر این‌که حال سینمای ایران خوب نیست از او می‌خواهم که نظرش را بگوید. معیریان در پاسخ سؤالم با تبسم همیشگی خاص خودش عنوان می‌کند: اینکه سینما

در ایران حال خوشی ندارد یک کلیت نسبی است و شاید به اعتقاد من حال سینما خیلی هم خوب باشد چون معتقدم دلیل جهانی برای این موضوع وجود دارد به‌طوری‌که صنعت سینما به‌شدت وابسته به نقدینگی، اقتصاد و جنبه‌های مالی شده و می‌توان مدعی بود وقتی یک نوع رکود اقتصادی کلی بر هر جایی حاکم باشد، همه شاخه‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد و سینما هم از این قاعده مستثنی نیست؛ تا وقتی که وضعیت اقتصادی ایده‌آل نشود، هر ساعت و دقیقه آن پیامدهای مالی کلانی را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین به‌طور طبیعی نمی‌توانیم شاهد فعالیت‌های قابل‌توجهی در این عرصه و استقبال چشمگیر حوزه سینما و سالن‌های آن باشیم.

از طرفی دیگر بهانه‌های زیادی وجود دارد که انگیزه ما را به‌عنوان یک شهروند برای رفتن به سینما تضعیف کند؛ دلایلی چون آلودگی هوا، ترافیک، هزینه‌بر بودن حمل‌ونقل، بلیت سینما، شرایط سالن‌ها و در نهایت کیفیت فیلم از جمله این عوامل به شمار می‌رود. وقتی به این مراحل نگاه کلی داشته باشیم نتیجه می‌گیریم، تماشای فیلم در سینما هزینه‌های سنگینی برای مخاطبان به دنبال دارد.

در حال حاضر به‌راحتی و بسا هزینه‌اندک می‌توان با استفاده از قابلیت‌های نمایش خانگی فیلم‌های روز دنیا را در خانه دید و این خود ضربه مهلکی برای سینما و به‌خصوص سینمای ایران است؛ فرهنگی که نشأت‌گرفته از سیستم غلط فرآیند اکران و توزیع نادرست فیلم‌ها در نمایش خانگی است به‌طوری‌که پیش از پایان اکران فیلم در سینما، فیلم‌ها به نمایش خانگی می‌رود، غافل از آن که این مسئله به‌خودی‌خود از مهم‌ترین چالش‌های حال حاضر در سینمایی است که عنوان «حالم خوب نیست» را این روزها با خود در محافل هنری به یاد می‌کشد.

### ■ مردم دوست دارند زندگی خود را در فیلم‌های ببینند

سخنان آرش معیریان در رابطه با وضعیت سینمای ایران باعث گپ‌وگفت صمیمانه با موضوع داغ حال سینمای ایران باعث می‌شود آرش برهانی که به‌عنوان نویسنده این تله‌فیلم معیریان را در سفرش به همدان همراهی می‌کند و از ابتدای گفت‌وگو سکوت کرده است، نظرات خود را در این زمینه بیان کند.

برهانی معتقد است سیاست‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی فضا را از سینماگران گرفته و نمی‌توانند به سمت قصه‌های اجتماعی بروند و همین باعث می‌شود که سیاه‌نمایی جای خود را در سینما باز کند.

باورم این است اقتصاد در فیلم‌سازی مسئله‌ای اساسی و پایه می‌باشد؛ بنابراین زمانی که اقتصاد ضعیف شود فیلم‌ها به سمت آپارتمانی شدن سوق پیدا می‌کند و کمتر می‌توان فضا و لوکیشن جدید را در آن‌ها مشاهده کرد.

برهانی مخالفت خود را با بحث تضعیف سینما یا ورود فناوری که در صحبت‌های معیریان به آن اشاره شد ادامه می‌دهد و من خوشحال از اینکه توانستم فضای گفت‌وگو را به سمت مباحثه پیش ببرم به این نظریه دامن می‌زنم و او را ترغیب می‌کنم تا ادامه دهد: اگر بخواهیم پیشرفت فناوری را زنگ خطری برای سینما بدانیم صنعت سینمای آمریکا به‌خوبی آن را تقض می‌کند چراکه نه تنها پیشرفت فناوری در سینمای آمریکا تأثیر منفی نداشته بلکه وجود آن در این کشور به قدرتمند شدن صنعت سینمایی کمک شایانی کرده است تا جایی که امسال آمریکا بیشترین میزان فروش

سینما را در جهان با همین قابلیت برای خود ثبت می‌کند. برهانی ادامه می‌دهد: فیلم‌های ما به دلیل اقتصاد ضعیف تنوع ندارد و این فضا اجازه نمی‌دهد قصه‌های جدیدی شکل بگیرد. پیش‌تولید یک اثر نیاز به سه یا چهار ماه زمان دارد اما متأسفانه برای اینکه فیلم‌ها به جشنواره‌ها برسد مدت‌زمان پیش‌تولید کاهش پیدا می‌کند و همین ضریب کیفیت را در فیلم‌های تولیدشده پایین می‌آورد.

امروز دیگر سوپرستار در حوزه بازیگری کشور نداریم و کارگردانان ناچار به استفاده از سوپرستارهای نخ‌نما در هر نقشی می‌شوند. در حالی‌که روزهایی نه‌چندان دور عطش لازم برای رفتن به سینما وجود داشت اما حالا غول کارگردانی نداریم و فیلمی که جذب کند در سینمای ایران وجود ندارد؛ وقتی اقتصاد قوی باشد یک کارگردان مجبور نیست از بازیگری که عمر سوپرستاری او سال‌هاست به پایان رسیده استفاده کند ولی متأسفانه در حال حاضر چنین وضعیتی را در سینما شاهد هستیم و مسئله‌کپی در این ماجرا که داستانی دراز دارد باعث پس زدن سینماگران شده است.

در شرایط سخت اقتصادی مردم به فکر تأمین نیازهای اساسی زندگی هستند و رفتن به سینما جزء اولویت‌های آن‌ها نیست.

رسانه‌های تصویری به همان نسبت که به سینما کمک کرده‌اند به همان اندازه هم لطمه زدند و همه در انتظار هستند تا فیلم‌ها در قالب دی‌وی‌دی به نمایش خانگی دربیاید و با کمترین هزینه به تماشای فیلم بنشینند؛ متأسفانه سطح فرهنگ پایین آمده است؛ وقتی فیلمی با هزینه ده‌ها میلیاردی ساخته می‌شود و با کمترین میزان به فروش می‌رسد، فاجعه است.

### ■ وقتی در همدان سینما کم است مردم کجا فیلم ببینند

از برهانی در ارتباط با برداشت اولیه‌اش از همدان فضای لازم برای فیلم‌سازی در آن سؤال می‌کنم و پاسخش برای من که یک همدانی هستم جالب‌توجه بود؛ آرش برهانی می‌گوید: قبل از این هم به همدان سفر کردم و از فرهنگ مردم‌مان لذت بردم اما وقتی همدان دو یا نهایتاً سه سینما بیشتر ندارد، مردم کجا می‌توانند فیلم ببینند.

سطح فرهنگ مردم پایین آمده و این موضوع از استانداردهای زندگی نیست؛ همه به اقتصاد فکر می‌کنند و همین باعث می‌شود که فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان تعداد روزهای کاری خود را کمتر کنند تا بتوانند پروژه‌های بیشتری را در دست بگیرد، در نتیجه کیفیت عملکرد آن‌ها پایین می‌آید.

### ■ مردم تشنه دیدن کوه‌های برفی همدان در یک فیلم هستند

سخنان آرش برهانی در رابطه با همدان، دوباره گفت‌وگو را به سمت صحبت‌های معیریان پیش می‌برد و او چنین ادامه می‌دهد: یکی از مواردی که باعث شده امروز در همدان باشم، تغییر سلیقه زمانه است و اگر غیر از این بود هرگز پای من به شهر همدان باز نمی‌شد چون به این نتیجه رسیده‌ام که تماشاگر سینما بابت دیدن یک فیلم با فضای تکراری و آپارتمانی و سوزدهای نخ‌نمای تکراری، هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند؛ با این وضعیت نمی‌توانیم توقع داشته باشیم مخاطب چنین فیلمی را دوست داشته باشد.

وقتی فعالیت‌های فیلم‌سازی به شهرستان‌ها

متماثل شود، تماشاگر را بابت پولی که می‌دهد و زمانی که صرف می‌کند، قانع خواهد کرد و مخاطب می‌داند که وقتی تلویزیون را روشن کند چشم‌انداز جدیدی را در فیلم‌ها می‌بیند. جای تأسف و تأثر دارد که همدان با این پیشینه تاریخی در فیلم‌های ۲۰ یا ۳۰ سال اخیر دیده نشده است در حالی‌که بسیاری از شهرهای مشابه از نظر ابعاد فرهنگی با همدان حداقل در موارد انگشت‌شمار هم که باشد مورد توجه قرار گرفته‌اند. مردم تشنه دیدن کوه‌های برفی همدان در یک فیلم هستند، صحنه و فضایی که سال‌هاست مردم ندیده‌اند. در سال‌های پیش فیلم‌هایی وجود داشت که به دلیل استفاده از لجه‌های مختلف، فروش خوبی را به دنبال داشتند، فیلمی مثل بیست که لجه زیبای همدانی مهران احمدی در آن باعث افزایش مخاطب و جذابیت اثر شده بود از جمله آن‌هاست.

تفکر و تلاش من بر این است، فیلمی را که در همدان قصد تولید آن را دارم ظرفیت‌های گردشگری را نیز به تصویر بکشد؛ متأسفانه هیچ‌گاه غار علی‌صدر با ظرفیت‌های فراوانی که دارد، در هیچ فیلمی دیده نشده و پرداختن به این غار شگفت‌انگیز تنها به گزارشات کوتاه خبری ختم گردیده به‌طوری‌که من به‌عنوان مسافری که سال‌هاست به همدان سفر تک‌رده‌ام تصور در رابطه با غار علی‌صدر قابلیت پنج‌درصدی از وضعیت فعلی آن است در حالی‌که اطمینان دارم این غار به‌تنهایی ظرفیت و استعداد ساخت یک سریال کامل را دارد.

تلاش بر این است تا ساخت این فیلم تا جایی که امکان دارد قابلیت‌ها، فضای شهری، آب‌وهوا، بستر تاریخی و نگاه جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه را مورد توجه قرار دهد و این اتفاق کار ساده‌ای هم نیست.

### ■ مدیران بدانند کار فرهنگی در قالب بنرها و بیلبوردها نیست

آخرین جملات این گفت‌وگو به سخنان آرش برهانی ختم می‌شود که به اهمیت رسانه تصویری می‌پردازد.

برهانی معتقد است در حوزه فرهنگی اهم و فی‌الاهم داریم و تأکید می‌کند وضعیت مطالعه و حوزه چاپ و نشر تأسیربرانگیز است؛ با توجه به این مسلماً رسانه تصویری و فیلم‌سازی برای فرهنگ‌سازی در این زمینه جوابگو می‌تواند باشد و در این راستا یک مدیر توانمند استانی، با درایتی که دارد می‌تواند برای شناختن هر شاخه از فرهنگ در زمینه رسانه تصویری و فیلم‌سازی حمایت کند تا حرکت‌های مثبتی در این مسیر اتفاق بیفتد اما متأسفانه این موضوع چندان مورد اهمیت قرار نگرفته است و ما به‌عنوان یک فیلم‌ساز باید شفاف‌سازی و روشن‌گری کنیم تا مسئولان بدانند این اقدام هزینه نیست بلکه سرمایه‌گذاری در حوزه‌ای می‌باشد که نیازمند توجه خاص مسئولین است.

مدیران باید بدانند که کار فرهنگی در قالب بنرها و بیلبوردها نیست و سینما به‌راحتی می‌تواند تمام توصیفاتی را که در بنرها به آن پرداخته می‌شود نشان دهد.

گفت‌وگو با ایسن دو عزیز و سرمایه‌های سینمایی کشور در حالی پایان می‌گیرد که به نظر می‌رسد مباحث مطرح‌شده خوشایند برای مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌کننده بوده است و در نهایت دیدار و گفت‌وگو ما با گرفتن عکس یادگاری با آرامگاه بوعلی که نمادی از همدان است به پایان می‌رسد.

## پای فیلم‌ساز همدانی به اکباتان باز شد

# نگارش

# تله فیلم جدید

# معیریان

# در همدان



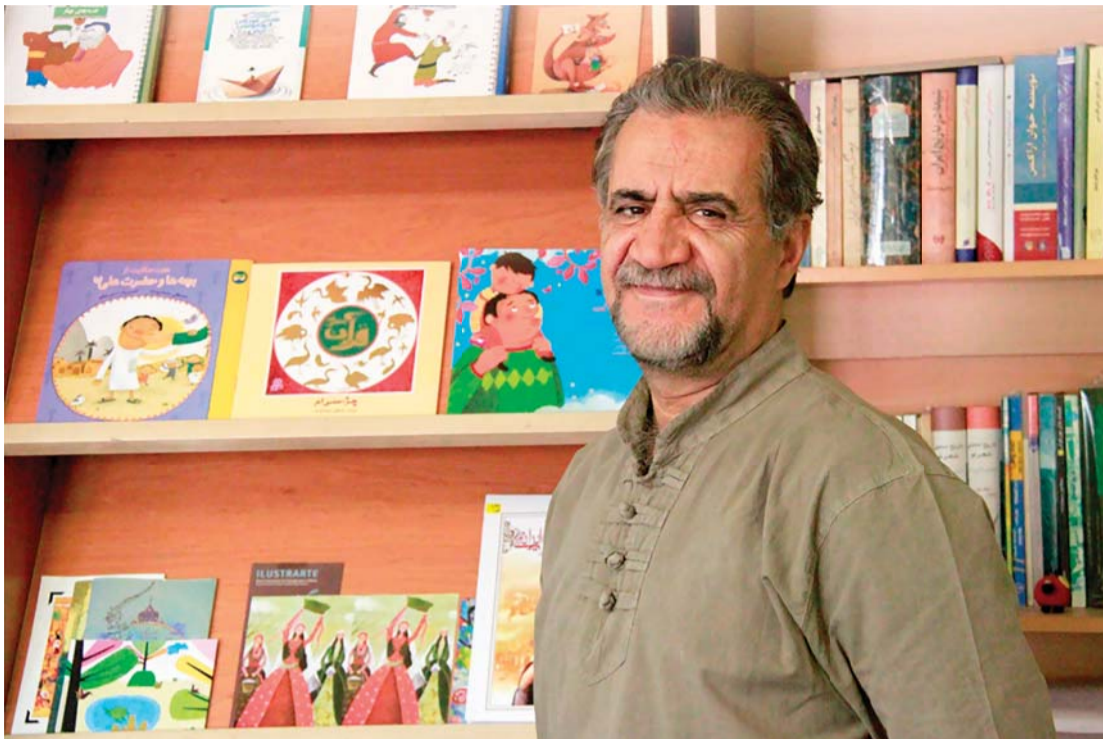
شکوفه رنجبر - فرشته اکبری



نامه‌هایی که مصطفی رحماندوست را از همدان دور کرد

فرشته اکبری

# تا وقتی بچه‌ها هستند حال من خوب خوب است



با وجود اینکه به لطف آزادراهها و بزرگراهها مسیر همدان به تهران طولانی نیست اما فناوری هم دست به دست راهها داده تا مسیر برای گفتگو با شاعر همدانی هموارتر و کوتاه‌تر شود و همین بهانه‌ای شد تا از راه دور به پای حرف‌های شاعر «صد دانه یاقت» بنشینیم.

کودکان دارد؛ این حس متفاوت در حالی است که مصطفی رحماندوست ۱۶۳ کتاب تألیف و ترجمه کرده اما نوستالژی ترین حس از دانه‌های یاقت می‌چکد. رحماندوست معتقد است که همدان مفاخر و بزرگان زیادی را هم در گذشته و هم امروز پروراند و متقابلاً همدانی‌ها هم به خوبی می‌دانند که یکی از مفاخر محبوب این دیار مصطفی رحماندوست است.

از همدان با این نیت رفتیم که روزی برگردم اما همه نقشه‌هایم نقش بر آب شد و سر نوشت من در پایتخت رقم خورد. اتفاقات و شرایط همچون «صد دانه یاقت» دست به دست هم می‌دهند تا شاعر محبوب همدانی‌ها عطای زادگاهش را به لقایش ببخشد و امروز تنها به انگیزه دیدار با خانواده‌اش به همدان سفر کند.

زندگی و فعالیت می‌کنند. من زمانی که دبیر جشنواره تئاتر کودک و نوجوان بودم خیلی سعی کردم که جشنواره به همدان برگردد چون زادگاه این جشنواره

فکر نیستیم که با چه انگیزه‌ای به کجا بروم، فقط به دنبال این هستیم که چگونه می‌توان فضایی ایجاد کرد که کودکان بیشتر مطالعه کنند و شعور اجتماعی آن‌ها افزایش پیدا کند. در اشعاری که سرودم هیچ شعری مربوط به همدان نبوده و هیچ وقت نشد که شعری در این رابطه بگویم جز شعر کوتاهی به لهجه همدانی که در مراسمی خواندم و امروز آن شعر را به خاطر ندارم.

قصه را شروع کنیم از ۲۹ تیرماه ۱۳۲۹ که بارقه امید در خانواده رحماندوست زنده شد و اندیشه‌های نو در شعر کودک و نوجوان پا به دنیای هستی گذاشت.

## جوی آب، اسباب‌بازی روزهای کودکی

حالا نوبت به شاعر شهرمان است که داستان زندگی‌اش را به زبان خود آغاز کند و از محله و خاطرات کودکی بگوید و او این‌گونه شروع می‌کند: من در محله امامزاده حبیبی همدان به دنیا آمدم، چند سال در محله حاجی زندگی کردیم و دوباره به محله امامزاده برگشتیم. دوران کودکی خاص و قابل بیانی نداشتیم. مثل همه بچه‌ها بازی می‌کردم و درس می‌خواندم. اسباب‌بازی مهمی هم نداشتیم. وسیله بازی من جوی آب کوچکی بود. سدی جلوی خانه می‌ساختم و جریان آب را به آن سمت هدایت می‌کردم و با این کار حوضچه‌ای درست می‌شد، پانچ سلولار را بالا می‌زدیم و پاهایم را در آب خنک بازی می‌دادم.

## دوست داشتم دبیر ادبیات شوم

در سال ۱۳۴۹ پس از گرفتن دیپلم در همدان، برای تحصیل در دانشگاه به تهران رفتم و پس از پایان تحصیلات برای سربازی به‌عنوان افسر وظیفه مأمور به خدمت در آموزش و پرورش، به همدان برگشتم. خیلی دوست داشتم دبیر ادبیات شوم، همه اتفاقات به‌خوبی پیش رفت اما چون سابقه سیاسی داشتم ساواک با فعالیت من در آموزش و پرورش و دبیر شدنم موافقت نکرد و همه نقشه‌هایم نقش بر آب شد.

## گفتند سر فلانی بوی قورمه‌سبزی می‌دهد

البته تا گفته نماند دو نفر از دبیران همدان هم نامه‌هایی نوشتند که فلانی سرش بوی قورمه‌سبزی می‌دهد و نباید در همدان تدریس کند و همین اتفاقات باعث شد در همدان نمانم و به تهران بروم و در آنجا ماندگار شوم.

## صله رحم تنها انگیزه برای سفر به همدان

در گذشته برای دیدن پسر مرحومم به همدان می‌آمدم و امروز هم با انگیزه دیدن خواهرم و خانواده همسرم گاهی به همدان سفر می‌کنم و می‌توانم بگویم انگیزه من برای سفر به زادگاهم، بیشتر صله‌رحم است. امکاناتی که در تهران برای من به‌عنوان یک هنرمند وجود دارد در همدان وجود ندارد و نمی‌توان فعالیت کرد.

من نه به همدان فکر می‌کنم نه به ایران بلکه به تمام بچه‌های جهان فکر می‌کنم و به این فکر می‌کنم که چگونه می‌توانم به آنها کمک کنم.



همدان بود و برگزاری آن سطح فرهنگ شهر و استان را بالا می‌برد. از حال شعر کودک و نوجوان هم از مصطفی رحماندوست پرسیدیم که این‌گونه پاسخ داد: حال شعر کودک و نوجوان تابع مطالعه است و اگر مطالعه بیشتر شود سطح بالایی دارد اما اگر مطالعه در وضعیت فعلی باشد، حال خوبی ندارد. استعدادهای خوبی در حوزه شعر کودک و نوجوان در کشور داریم که شنبه هر هفته در جلسه شعر که در تهران برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند و گاهی هفت یا هشت نفر از شاعران همدانی هم در این جلسات شرکت می‌کنند که توان بالایی دارند و شعرهای خوبی می‌سرایند. مصطفی رحماندوست سخنانش را به ارزش قدم‌های «اکباتان» پیوند زد و ابراز امیدواری کرد که این نشریه به

چیزی که امروز کودکان دنیا را رنج می‌دهد استثمار مستقیم و غیرمستقیم توسط سرمایه‌داران جهانی است که آن‌ها را به بردگی می‌برد؛ در ایران هم بی‌سوادی و سطح پایین فرهنگ در خانواده‌ها و نداشتن قدرت انتخاب و قدرت حل مسئله رنج‌آور است که به کمبود مطالعه برمی‌گردد.





فرهنگ صحیح استفاده، مهمترین عامل بهره‌برداری مفید از همه ابزارهاست

# شبکه‌های اجتماعی؛ آری یا خیر؟

با پیشرفت فناوری هرروز شاهد گسترش وسایل و ابزارهای ارتباطی هستیم که صرف‌نظر از انواع مختلف و کاربردهای متفاوت شبکه‌های اجتماعی نسبت به یکدیگر، تأثیرات مثبت و منفی فرهنگی و اجتماعی بسیار زیادی در جامعه می‌گذارد.

نقاط قوت و ضعف و چرایی این مسئله در بخش‌های مختلفی قابل‌طرح می‌باشد که در این یادداشت تلاش داریم به آن‌ها بپردازیم.

## چرا شبکه اجتماعی؟

فرار از فناوری و یا بستن بستر استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی در هیچ جامعه‌ای امکان‌پذیر نیست و در گذشته ثابت‌شده که مقاومت در برابر ورود فناوری از سوی دولت‌ها، اغلب موجب حاکمیت ابزارهایی در جامعه می‌گردد که بعضاً مشکلات و دردسرهایی را برای مسئولین مربوطه در حوزه‌های ارتباطات عمومی ایجاد می‌نماید.

به همین سبب دولت‌ها تلاش دارند، مردم از ابزارهایی در حوزه شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند که از امنیت بالاتر و آسیب‌های پایین‌تری برخوردار باشند. در جامعه امروزی و فضای زندگی شهرنشینی مخصوصاً در شهرهای بزرگ، افراد از مشغله‌های بسیاری برخوردارند و عوامل زیادی بر زندگی مردم حاکم شده است که اجازه وقت گذاشتن برای دوستان، اقوام و نزدیکان مانند گذشته‌های نه‌چندان دور را نمی‌دهد؛ ترافیک، درگیرهای کاری و ذهنی، مشکلات اقتصادی، دور شدن از سنت‌ها و روی آوردن به زندگی مدرن، تجمل‌گرایی، چشم و هم‌چشمی و مواردی از این دست موجب ایجاد فاصله بین افراد شده است. استفاده از شبکه‌های اجتماعی؛ گروه و کانال‌های خانوادگی و دوستانه، به راهکاری برای پر کردن رخنه‌های ایجادشده بین افراد تبدیل‌شده است، البته به صورت مجازی.

شبکه‌های اجتماعی مضرات و فواید اجتماعی و فردی زیادی دارند که به تفکیک به آن‌ها خواهیم پرداخت.

## فواید استفاده از شبکه‌های اجتماعی

**۱- اطلاع‌رسانی سریع**  
در حوزه اطلاع‌رسانی با روی کار آمدن شبکه‌های اجتماعی، انقلابی وسیع و عظیم صورت گرفت؛ رویدادها، اتفاقات، گردهمایی‌ها و... به سبب دسترسی ساده و آسان به افراد جامعه هدف، به سرعت صورت می‌پذیرد و با یک پیام حجم بالایی از افراد مرتب در جریان موضوع قرار می‌گیرند.

**۲- هزینه نسبتاً پایین**  
مانند موردی که در بالا گفته شد با ارسال یک پیام ساده و کوتاه در یک گروه مثلاً تلگرامی می‌توان به‌سادگی تعداد افراد زیادی را با هزینه‌ای بسیار کم از موضوع موردنظر مطلع نمود اما اگر به‌عنوان مثال قرار بود با ارسال پیامک به فرد فرد ایشان موضوع اعلام شود، قطعاً هزینه بالاتری در پی داشت.

**۳- استفاده‌های تبلیغاتی**  
بسیاری از شرکت‌ها با ایجاد گروه، صفحه، کانال و روش‌های نرم‌افزاری ارسال انبوه پیام در شبکه‌های اجتماعی به‌خوبی تبلیغ محصولات و کالاهای تولیدشده خود را در یک فضا با مدیریت مستقیم، به دست مخاطبان و مشتریان خود می‌رسانند.

**۴- سهولت در استفاده**  
طراحی ساده این برنامه‌ها به شکلی است که افراد با کمترین سطح برخورداری از سواد می‌توانند به‌سادگی برنامه‌های مربوط به شبکه‌های اجتماعی را روی گوشی‌های تلفن همراه خود نصب کرده و از آن‌ها استفاده نمایند.

**۵- دسترسی آسان**  
با خریدن یک تلفن همراه دارای سیستم‌عامل اندروید، IOS و ویندوز به‌سادگی افراد می‌توانند با نصب نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی در آن‌ها عضو شده و از مزایای آن از جمله ایجاد ارتباط و تماس با آشنایان بدون در نظر گرفتن ابعاد مسافت و زمان به‌آسانی بهره‌مند شوند. از دیگر مزایای شبکه‌های اجتماعی اینکه حتی پیدا کردن دوستان و آشنایان قدیمی که کاربر سال‌ها از آن‌ها بی‌خبر بوده، به‌سادگی و با یک جستجوی ساده امکان‌پذیر می‌شود.

**۶- ایجاد ارتباطات جدید**  
در گروه‌ها و فضاهای ایجادشده در شبکه‌های اجتماعی با موضوعات خاص اغلب امکان ایجاد ارتباط با افرادی جدید در حوزه‌های مختلف پیدا می‌شود که ممکن بود در فضای حقیقی هرگز این امکان برای فرد فراهم نشود؛ مثلاً یک مقام مسئول، یک چهره

ورزشی معروف و مواردی از این دست.  
**۷- طرح موضوعاتی که امکان مطرح کردن رودررو برای افراد مشکل است**  
برخی اوقات حرف‌ها، عکس‌ها و فایل‌هایی که امکان بروز آن‌ها به‌صورت رودررو وجود ندارد به‌سادگی از طریق شبکه‌های اجتماعی ردوبدل می‌شود تا افراد پس از رویارویی به‌سادگی بتوانند طرح موضوع نموده و نتیجه‌گیری کنند؛ به‌عنوان مثال انجام یک کار با باز خوردهای مالی و محاسباتی بین دو دوست یا یک پدر و فرزند یا ارائه تراز مالی شرکت به اعضای هیئت‌مدیره شرکت پیش از برقراری جلسه.

**۸- ارسال ساده و ارزان فایل‌های صوتی و تصویری**  
ارسال فایل‌های صوتی و تصویری از جمله موسیقی، پیام صوتی، عکس و فیلم با سریع‌ترین سرعت، کمترین زمان و مناسب‌ترین هزینه به‌سرعت بین افراد و گروه‌ها جابه‌جا می‌شود.

## مضرات استفاده از شبکه‌های اجتماعی

**۱- آسیب‌های روحی و جسمی**  
هرچند تاکنون این مسئله به‌طور قطعی و علمی اثبات نشده اما به نظر می‌رسد که قرار گرفتن در معرض اشعه و امواج مرتبط با تلفن‌های همراه و اینترنت موبایل برای افراد در درازمدت اثرات منفی جسمی داشته باشد. همچنین استفاده مستمر از تلفن‌های همراه روی دید و سطح بینایی افراد تأثیر مستقیمی خواهد گذاشت که در درازمدت این مسئله می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به فرد وارد نماید. از طرف دیگر مشاهده بسیاری از رفتارها، ناهنجاری‌ها و مسائل مرتبط با افراد در جامعه مجازی و عدم امکان دستیابی و دسترسی به آن‌ها می‌تواند اثرات روحی منفی‌ای در پی داشته باشد.

**۲- امنیت اطلاعات و حریم خصوصی افراد**  
ناآگاهی به مسائل و شرایط محرمانگی و امنیت ضعیف برخی از شبکه‌های اجتماعی بعضاً موجب بروز مشکلاتی برای استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اجتماعی می‌شود به‌طوری‌که گاهی اوقات مشاهده می‌شود اطلاعات و تصاویر افراد مورد سوءاستفاده برخی کاربران قرار گرفته و موجب بروز دردسرهایی برای ایشان می‌گردد.

**۳- ضعیف شدن روابط حقیقی**  
با گسترش ارتباطات مجازی از طریق شبکه‌های اجتماعی تمایل افراد برای

ارتباطات حقیقی و دیدارهای رودررو کاهش یافته است که این مسئله در درازمدت موجب کاهش عاطفه و محبت در بین اقوام، خویشان، دوستان و آشنایان می‌گردد.

## مشکلات امنیتی

شبکه‌های اجتماعی از بعد اطلاع‌رسانی در صورت عدم استفاده صحیح و سودجویی‌های افراد مغرض، گاهی اوقات می‌تواند مشکلات امنیتی را نیز در جامعه ایجاد نماید که تبعات منفی زیادی را برای افراد فریب‌خورده و همچنین مسئولین امنیتی ایجاد نمایند.

## شخصیت‌های کاذب

متأسفانه در برخی موارد مشاهده می‌شود که کاربران با هویت مجعول و تقلبی نسبت به ساخت اکانت و پروفایل‌هایی با نام افراد غیر اقدام می‌نمایند که آن مسئله هم برای فردی که از نام او استفاده‌شده مشکل‌ساز می‌شود و اینکه مخاطبانی که باور دارند کاربر مخاطب همان فرد است، ممکن است تخلیه اطلاعاتی شوند و مباحث و فایل‌هایی را ردوبدل کنند که در آینده انتشار آن‌ها برایشان مشکل‌ساز شود.

## عدم توجه به سن کاربران

برخی خانواده‌ها بدون توجه به سن و سال فرزندشان اقدام به خرید تلفن همراه و نصب نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی برای آنها می‌نمایند که بعداً با عضویت ایشان در گروه‌ها و کانال‌های نامناسب، ممکن است مطالب و فایل‌هایی را دریافت و مشاهده کنند که برای سن‌شان اصلاً مناسب نباشد و آثار مخرب جبران‌ناپذیری را بر ایشان بگذارد.

نکته دیگر اینکه اعضای گروه‌ها نیز در ارسال



### فایل‌های صوتی و تصویری و مطالب اغلب توجهی به

سنخیت و تناسب آن‌ها با اعضای گروه نمی‌کنند که این مسئله عمده‌ترین علت ورود آسیب به کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

### سست شدن بنیان خانواده‌ها

وقت گذاشتن زیاد روی شبکه‌های اجتماعی و متمرکز شدن روی تلفن‌های همراه برخی اوقات موجب ایجاد فضای منفی در خانواده‌ها به‌خصوص زوج‌های جوان می‌شود؛ تردید در چگونگی استفاده طرف مقابل، شک در نحوه ارتباطات، عدم اختصاص وقت به‌طرف مقابل به سبب تمرکز بیشتر بر روی تلفن همراه و مواردی از این دست موجب سستی بنیان خانواده‌ها می‌شود که هم‌روزه در اخبار موارد ریزودرشتی را در این زمینه مشاهده می‌نماییم.

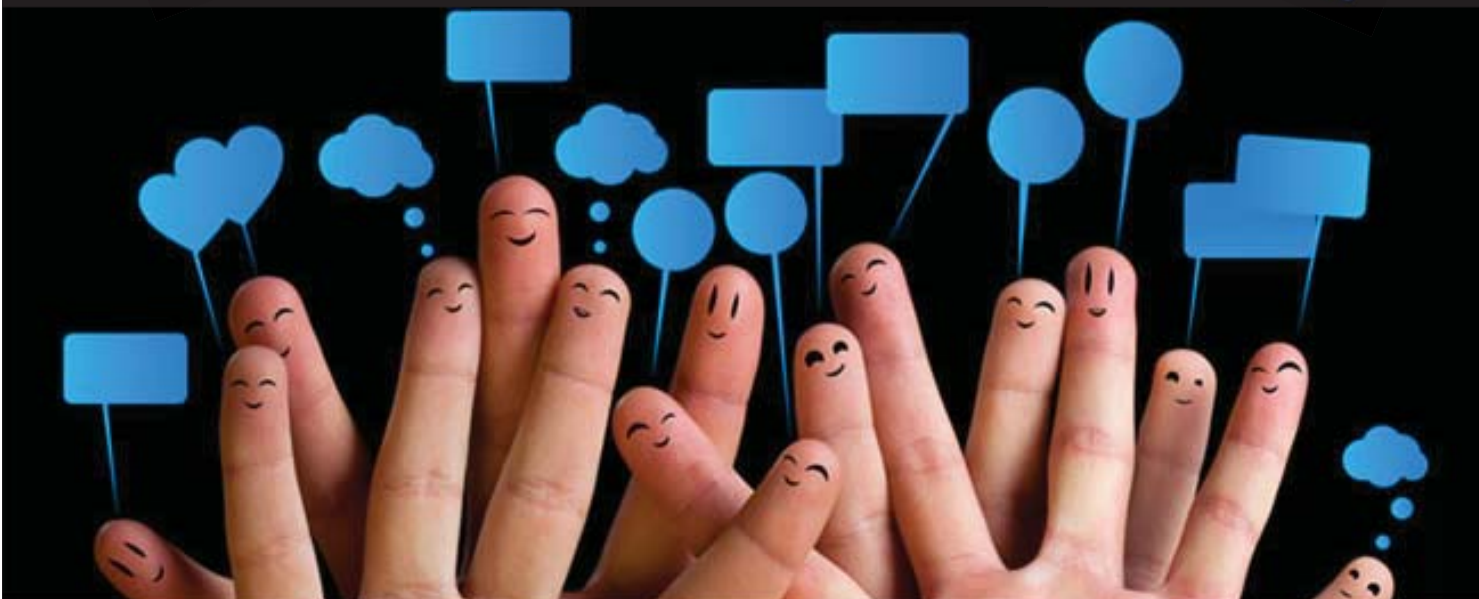
### فرهنگ پائین استفاده

امان از جهان سوم؛ جایی که بیشترین کاربران، کمترین استفاده مفید از فناوری و علم روز مانند شبکه‌های اجتماعی را دارند. استفاده طولانی، اسراف دیتا و ترافیک صرفاً برای ردوبدل کردن چوک، فایل‌های بی‌محتوا و عدم استفاده‌های مفید مثل تبلیغات و اطلاع‌رسانی، موارد آسیب‌پذیری است که اغلب ناشی از بی‌فرهنگی کاربران استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی می‌باشد.

## نتیجه‌گیری:

شبکه‌های اجتماعی در صورت استفاده پهنه، به‌اندازه و هدفمند مفید و در صورت استفاده ناصحیح، افراط و وقت‌گذرانی مضر است.

علی تقفی / کارشناس فناوری اطلاعات



پس از گذشت نزدیک به ۱۹ ماه از مدیریت ریحان سروش مقدم در میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان به عنوان دستنگاه حساس و مورد اهمیت دولت تدبیر و امید، حالا نوبت به علی مالپور رسیده تا به تپش قلب گردشگری استان سرعت و شدت ببخشد.

به گزارش اکباتان، در چند ماه اخیر بارها زمزمه های تغییر مدیریت این نهاد دولتی در جلسات مختلف شنیده می شد و استاندار همدان نیز در یکی از جلسات شورای توسعه و برنامه ریزی استان از استعفاي سروش مقدم و عدم تمایل به فعالیت در میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و بررسی برای جایگزینی مدیر جدید، خبر داده بود. گردشگری به عنوان شعار دولت یازدهم مدنظر بود که چه در کشور و چه در استان همدان به حیات خلوتی تبدیل شده بود که گهگاهی مدیران و صاحب نظران نگاهی به آن می انداختند و جز سکوت، خبر قابل توجهی از این نهاد شنیده نمی شد.

مشکلات اقتصادی نیز فضا را برای بی توجهی و یا تلاش های بی نتیجه فراهم کرده بود و همین باعث شد که اندک برنامه ریزی های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بی ثمر بماند که استان همدان نیز از این ماجرا مستثنا نبود و تراژدی بی پولی در لایه های میراث فرهنگی همدان نیز رسوخ کرده بود و در کنار دلایلی دیگر به بهانه ای برای سکوت گردشگری استان تبدیل شده بود.

همین شرایط باعث شد که مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان و مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و میراث فرهنگی استان همدان و نتیجه تلاش ها در این راستا به برگزاری مراسم تودیع و تقدیر ریحان سروش مقدم مدیرکل سابق و معارفه علی مالپور به عنوان مدیرکل جدید میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان ختم شد.

در این مراسم که با حضور اسدالله درویش امیری معاون امور مجلس، حقوقی و امور استان های سازمان میراث فرهنگی کشور، محمدناصر نیکبخت استاندار همدان، آیت الله غیاث الدین طه محمدی نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان و جمعی از مسئولان استان همدان برگزار شد، ریحان سروش مقدم سکان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان را به علی مالپور سپرد.

## همدان یکی از ۵ شهر شناسنامه دار کشور است

معاون امور مجلس، حقوقی و استان های سازمان میراث فرهنگی در این مراسم، همدان را یکی از ۵ شهر مهم گردشگری کشور عنوان کرد و گفت: همدان یکی از شهرهای دارای شناسنامه تاریخی است و قابلیت های فراوانی در صنایع دستی به ویژه سفال دارد به طوریکه شهر لالچین به عنوان پایتخت سفال ایران و یا حتی جهان در این استان واقع شده است.

اسدالله درویش امیری با اشاره به اینکه کشور، سی و هشتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری را پیش رو دارد، اظهار داشت: تلاش وزیر امور خارجه قدرتمند، با کفایت و تدبیر ایران اسلامی و مجموعه وزارت خارجه جای تقدیر دارد چراکه پس از ۱۲ سال که ایران در سخت ترین و بدترین شرایط بین المللی قرار داشت، مذاکرات به نتیجه رسید.

وی از بی تفاوتی نسبت به این اتفاق بزرگ جهانی در کشور ابراز تأسف کرد و گفت: در ایران از کنار این دستاورد بزرگی که جهانیان را مات و مبهوت کرد، به سادگی گذشتند.

درویش امیری در ادامه یادآور شد: با لغو تحریم ۵۰ میلیارد دلار از دارایی های کشور در دسترس ایرانی ها قرار گرفت و ۴۰۰ شرکت ایرانی از تحریم خارج شدند و این اتفاق در حالی صورت گرفت که ایران در بحران اقتصادی به سر می برد.

وی با اشاره به نگاه جناحی و سیاسی برخی افراد به این دستاورد بزرگ بین المللی، اظهار داشت: یکی از مهمترین تأثیرات برجام، ایجاد تحول اساسی و بنیادی در حوزه گردشگری است.

درویش امیری افزود: گردشگری ایران نه تنها چوب تحریم را بر شانه های خود احساس کرد بلکه سیلی محکمی خورد و آسیب جدی دید. وی با بیان اینکه صنعت گردشگری سومین صنعت جهان است، خاطر نشان کرد: دنیا به خوبی از این صنعت بهره گرفت به طوریکه ۱۰ شهر اول حوزه گردشگری دنیا در سال ۲۰۱۵ درآمدهای قابل توجهی را از مسیر گردشگری به دست آوردند.

معاون امور مجلس، حقوقی و استان های سازمان میراث فرهنگی با تأکید بر اهمیت ظرفیت گردشگری در ایران، یادآور شد: کشور ما با تمدن بیش از ۱۰ هزار سال و با صدها هزار اماکن تاریخی و فرهنگی مهم، می تواند منبع بزرگی برای اقتصاد کشور باشد و جایگزین نفت شود. وی تأکید کرد: برای جبران مسائل و مشکلات گذشته در حوزه گردشگری باید موانع را حذف کنیم و از مسیر گردشگری مشکلات زیادی همچون اشتغال جوانان را برطرف کنیم.

درویش امیری با اشاره به ورود سرمایه گذاران به کشور پس از لغو

درویش امیری در بخش دیگری از سخنان خود، همدان را یکی از پنج شهر دارای شناسنامه تاریخی در کشور عنوان کرد و گفت: همدان آثار طبیعی منحصر به فردی از جمله غار علیصدر را دارد که باید در شناسنامه یونسکو به ثبت برسد.

وی ادامه داد: تپه هگمتانه از مهمترین آثاری است که دنیایی را در خود جا داده و حرف های زیادی برای گفتن دارد.

معاون سازمان میراث فرهنگی کشور ابراز امیدواری کرد که با کمک استاندار همدان، همراهی بخش خصوصی و به ویژه دستگاه های اجرایی سهم گردشگر داخلی و خارجی را از میزان فعلی که ۱۳ درصد است، افزایش می یابد. اسدالله درویش امیری با اشاره به وسعت مأموریت سازمان میراث فرهنگی، خاطر نشان کرد: هدف و برنامه این است که از ظرفیت نسل های بعدی در سازمان استفاده شود، با وجود اینکه افراد متخصصی در این سازمان مشغول به فعالیت هستند اما افراد دیگری نیز به ظرفیت سازمان اضافه می شود. وی همچنین تصریح کرد مدیرانی که در سازمان به کار گرفته می شوند باید از قدرت تعامل بالایی برخوردار باشند.

## برجام، نعمتی که نصیب ملت ایران شد

استاندار همدان نیز سخنان خود را با برجام آغاز کرد و این اتفاق را نعمتی دانست که نصیب ملت ایران شده است.

محمد ناصر نیکبخت گفت: دلاورمردان سپاه پاسداران اسلامی در حفظ و حراست از مرزهای کشور به خوبی عمل کردند و توفیق یافتند که قایق های جنگی دشمن را محاصره کنند و تفنگ داران آمریکایی را در اختیار بگیرند که باعث شد آمریکا علاوه بر اعتراف خود به خطا، ناوگان آمریکا و فرانسسه به این نتیجه رسیدند که مرزهای ایران قابل تعرض و ورود بی اجازه نیست.

وی افزود: علاوه بر این برجام به نتیجه رسید و توفیق بزرگی نصیب ملت ایران شد به طوریکه پس از ۱۲ سال تحریم های ظالمانه و پس از ۱۲ قطع نامه شکننده اساسی که تصویب شد و هر یک از این قطع نامه ها یک کشور معمولی را به زانو در می آورد، مذاکرات نتیجه بخش بود.

استاندار همدان در ادامه یادآور شد: در طول این سالها انرژی صلح آمیز هسته ای به فصل هفتم شورای امنیت برده شد که تصویب آن برای هر کشور، بدون تغییر رژیم و نابودی آن به نتیجه رسید اما با لطف خداوند، تدبیر دولت و به ویژه رییس جمهور برجام به نتیجه رسید.

نیکبخت با بیان اینکه حمایت های خستگی ناپذیر ملت ایران در این توفیق نقش اساسی داشت، خاطر نشان کرد مردم خواستار رفع مشکلات برجام و انرژی هسته ای بودند و حمایت ها و هدایت های کارساز مقام معظم رهبری از نمایندگان دولت در مذاکرات سازمان یافته باعث شد که ایران به توفیق دست یابد.

## هیچ رخدادی پس از انقلاب

### به عظمت برجام نبود

وی تأکید کرد: غیر از رخداد انقلاب اسلامی ایران هیچ رخدادی را به این عظمت نداشتیم، حتی ملی شدن صنعت نفت نیز به این اتفاق نمی رسد چراکه آن زمان حریف ایران یک کشور بود اما امروز شش کشور بزرگ دنیا و اتحادیه اروپا در برابر ایران هستند.

استاندار همدان با بیان اینکه دشمن زمانی معتقد بود که تمام پیچ و مهره های انرژی صلح آمیز هسته ای ایران را باید دور بیزید، یادآور شد: امروز دنیا حقانیت ایران را پذیرفته است و ایران در حال حاضر در بازار جهانی حضور دارد که این دستاورد ستودنی است.

وی با اشاره به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی، گفت: بنا به فرموده مقام معظم رهبری، باید فضا به گونه ای باشد که حضور حداکثری را شاهد باشیم اما ممکن است با رویه موجود آسیبی به این حضور وارد شود.

نیکبخت با بیان اینکه شورای نگهبان می تواند ورود سازنده ای به جریان انتخابات داشته باشد و امیدواریم با تجدید نظر شورای نگهبان شاهد رفع پاره ای از اعاده حقوق تضییع شده برخی داوطلبین باشیم.

استاندار همدان گفت: اشتباهاتی در رد صلاحیت ها صورت گرفته به طوریکه دلیل رد صلاحیت ۵۱ نفر از افراد رد صلاحیت شده، عدم التزام به اسلام و نظام اسلامی بر اساس بند یک ماده ۲۸ است و صلاحیت ۷۲ نفر از آنها احراز نشده که این موارد قابل بررسی است.

نیکبخت ابراز امیدواری کرد که هیات نظارت و شورای نگهبان به خوبی در این زمینه وارد شوند تا مردم این تصور را نداشته باشند که رد صلاحیت ها مهندسی شده است.

استاندار همدان در بخش دیگری از سخنان خود گفت: میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری از اولویت های توسعه در استان همدان به شمار می رود و همدان تمام شرایط را دارد اما چیزی که باید باشد ورود بیشتر سیستم اداری است به گونه ای که از منظر طبیعی، صنایع دستی و ظرفیت های تاریخی و گردشگری به بهترین شکل استفاده شود.



## سبقت کشورهای مختلف برای ورود به ایران

وی همچنین تصریح کرد: در این ایام و سالها اهمیت این بخش بیشتر از همیشه است چراکه کشورهای پیشرفته دنیا در حال سبقت گرفتن برای ورود به ایران هستند.

مدیر ارشد استان همدان با اشاره به فضای امن کشور، اظهار داشت: در کشورهای اطراف نامی وجود دارد و شهرهایی همچون استانبول که گردشگران زیادی را جذب کرده بوند دیگر امنیت چندانی ندارند.

نیکبخت خاطر نشان کرد: ایران در حال حاضر مقصد گردشگری است و کشورها یکی پس از دیگری به دنبال جلب نظر ایران هستند که نتیجه برجام ومقاومت مردم است.

وی به طور مجدد تأکید کرد: تقضای رهبر معظم انقلاب و رییس جمهور برای حضور در انتخابات این است که دنیا بداند که اگر ایران

در مذاکرات موفق بوده به دلیل حضور پرشور مردم است.

استاندار همدان همچنین تصریح کرد: هیچ کشوری نیست که شرایط ایران و آرامش و امنیت ایران را داشته باشد.

## رییس میراث فرهنگی از سربازی به سرداری رسیده است

وی با بیان اینکه سازمان گردشگری متولی خوبی دارد، خاطر نشان کرد: مسعود سلطانی فر رییس این سازمان از سربازی به سرداری رسیده است.

استاندار همدان گفت: شرایطی که در میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در استان وجود دارد وظایف را سنگین تر می کند و از همه دستگاه ها تقاضا می شود که به رییس جدید این سازمان برای تحقق اهداف کمک کنند چراکه گردشگری برای ما مهم است.

## گردشگری همدان با وضعیت فعلی به قله نمی رسد

وی با بیان اینکه صنعت گردشگری باید به گونه ای احیا شود که استان را نجات دهد، خاطر نشان کرد: با توجه به فعالیت و شرایط فعلی کشور با این میزان اعتبارات قله ای که برای میراث فرهنگی در نظر گرفته شده، تحقق نخواهد یافت.

استاندار همدان ضمن تقدیر از تلاش مدیرکل سابق میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، گفت: مدیرکل قبلی این سازمان در همدان با وجود تمام مشکلات و مصایب تلاش خود را انجام داد. وی ادامه داد: ۵۲ فیلم مستند از استان همدان برای بخش در این استان در حال ساخت است که نتیجه تلاش و پیگیری مدیرکل میراث فرهنگی و کارکنان این مجموعه است.

## روی مدیر جدید میراث فرهنگی تصمص دارم

وی تأکید کرد: مدیرکل جدید میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان انتخاب خودم بوده و بر وی و عملکردش تصمص دارم و همه باید برای توسعه این بخش با مدیرکل جدید همکاری کنند اما علاوه بر همکاری دستگاه های استان نیاز به اعتبار و همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور وجود دارد. نیکبخت در پایان سخنان خود خاطر نشان کرد: خط قرمز توسعه استان همدان بسیار متعادل به میراث فرهنگی است و رویکرد باید رویکرد تغییر و توسعه باشد و هیچ کم کاری و سکونی پذیرفتنی نیست.

## می خواهیم از همدان قلبی پر از عشق بزم

مدیرکل سابق میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان نیز در این مراسم در ابتدا تأکید کرد که همچون دیگر مراسم

های تودیع و معارفه، نمی خواهد کلیشه ای سخن بگوید.

ریحان سروش مقدم گفت: اگر کاری در حوزه گردشگری استان انجام شده نتیجه تلاش زنجیره ای در درون و برون سازمان و درون و برون استان بوده و علاوه بر این، همه نهادها نیز برای توسعه گردشگری در استان با سازمان میراث فرهنگی همکاری کردند.

وی با تأکید بر تأثیر تدابیر دولت تدبیر و امید بر رونق گردشگری، اظهار داشت: این تدابیر باعث شد تا رویاهای دست نیافتنی حوزه گردشگری در سال های قبل و حالت امنیتی گذشته به فضایی امن در بخش اقتصادی تبدیل شود که این اتفاق ارزشمند است.

سروش مقدم با اشاره به اهمیت انجمن ها و سازمان های مردم نهاد در استان همدان، خاطر نشان کرد: سازمان های مردم نهاد در این حوزه با کمترین هزینه و باری بر دوش دولت فعالیت کردند.

وی تأکید کرد: فعالیت در حوزه میراث داری هگمتانه و آرامگاه بوعلی سینا و باباطاهر برای من از افتخاراتی بود که به انجام رسید.

مدیرکل سابق میراث فرهنگی استان همدان با بیان اینکه همدان قابلیت های فراوانی برای جهانی شدن دارد، اظهار داشت: رقیب همدان در داخل کشور نیست، بلکه شهرهایی همچون استانبول، قاهره و دبی در خارج از مرزها هستند که گردشگر ما را به سرقت بردند، اما امروز با وجود شرایط ناامن منطقه، این فرصت فراهم شده که با ارزیابی میراث ارزشمند، گردشگر را به استان جذب کنیم.

وی با بیان اینکه سال ۲۰۱۶ لالچین به عنوان پایتخت سفال جهان، همدان را جهانی می کند، خاطر نشان کرد: در سال ۲۰۱۷ نیز یکی از آثار طبیعی یا تاریخی همدان برای ثبت در فهرست آثار جهانی انتخاب خواهد شد.

سروش مقدم همچنین تصریح کرد: همدان به واسطه میراث معنوی، مکتوب، ملموس و ناملموس خود در کشور و فراتر از آن ایفای نقش می کند و چندین اثر این استان در آینده در جهان به ثبت خواهد رسید که می تواند همدان را به مقصد گردشگری تبدیل کند.

مدیر کل سابق میراث فرهنگی استان همدان گفت: من نمی خواهم از همدان زبانه دانی از اتفاقات تلخ و افکار اشتباه با خود بزم و می خواهم قلبی آکنده از عشق را با خود از همدان ببرم و در هر جایی که باشم خود را در خدمت گردشگری می دانم.

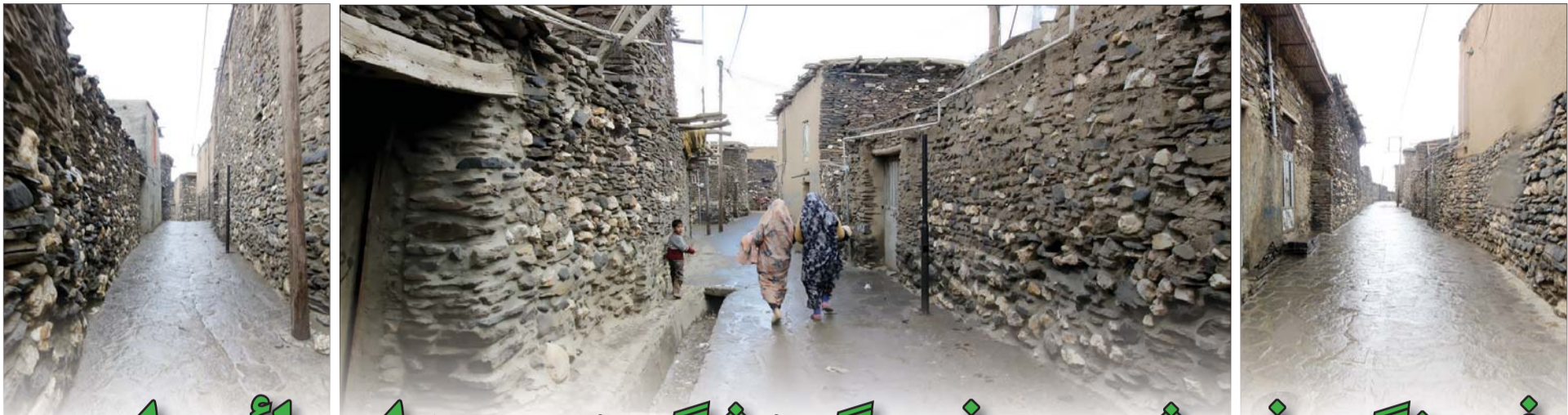
ریحان سروش مقدم در پایان سخنان خود ابراز امیدواری کرد که میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان در ادامه مسیر با حضور و فعالیت مدیری جوان، خوش فکر و توانمند از جنس فرهنگ استان و آشنا با فرهنگ غنی همدان به نقطه خوبی برسد و این تغییر رونق گردشگری و میراث فرهنگی را در استان رقم زند.



# از کندوان و پالنگان تا ورکانه

با شعار گردشگری همدان توسعه پیدا خواهد کرد؛

علی ثقفی



## فرهنگ پذیرش و جذب گردشگر در همدان پائین است

صنعت گردشگری امروزه به یکی از مهم‌ترین منابع اقتصادی از سوی دولت‌ها تبدیل شده و چند سالی است که در کشور ما نیز حرف‌های جدیدی در این حوزه مطرح گردیده و نگاه جدیدی نزد متولیان امر برای بهره‌مندی از این صنعت جهت رشد اقتصادی کشور با توجه به ظرفیت بالای ایران، در راستای سیاست‌های اقتصاد بدون نفت حاکم شده است.

مواردی که در گردشگری بسیار حائز اهمیت است بیشتر در دو مقوله می‌گنجد که بیشترین گردشگران را مجذوب خود کرده و همچنان خواهد کرد؛ زیبایی‌های طبیعی و اماکن تاریخی که همواره مورد توجه گردشگران بوده است و در این بین سهم اماکن تاریخی برای گردشگران خارجی معمولاً بیشتر است.

در این راستا در سالیانی نه‌چندان دور سازمان ایران گردی و جهانگردی تشکیل شد تا وظیفه انجام این مهم و تبلیغات در حوزه‌های داخلی و خارجی برای گسترش صنعت گردشگری در ایران را بر عهده بگیرد؛ اما نزدیکی موضوع فعالیت این سازمان با سازمان میراث فرهنگی به سبب مرکزیت توجه به اماکن تاریخی در بحث گردشگری، منجر به ادغام دو سازمان و تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شد که در نهایت سازمان صنایع دستی نیز به‌عنوان یکی از محورهای توسعه صنعت گردشگری با دو سازمان قبلی ادغام شد تا سازمانی عریض و طویل با مسئولیتی خطیر شکل گیرد. هماهنگی دستگاه‌های متولی با این ادغام برای کسانی که دغدغه گردشگری را داشتند و در این سازمان صاحب سمت شدند، مطلوب و تسریع‌کننده بود؛ چراکه همه ابزارهای لازم جهت انجام کار در اختیار ایشان قرار گرفت و از نظر منابع انسانی نیز سازمان ارتقاء ویژه‌ای پیدا کرد.

شرایط برای انجام کار در این حوزه نسبت به گذشته هموارتر شده بود اما کارسازاری و تأثیر این نهاد بر توسعه گردشگری با توجه به ظرفیت‌های استان، توان، تخصص و دلسوزی مدیران و کارکنان زیرمجموعه و مشارکت و آمادگی ذهنی و فعلی مردم در مناطق مختلف کشور نسبت به هم متفاوت بود؛ استان‌های غربی کشور و به‌ویژه همدان باوجود ظرفیت بالا در حوزه گردشگری تاریخی و طبیعی بنا به دلایل متعددی که در نکات ذکر شده در مطالب قبلی مستتر است، همچنان در توسعه این صنعت مغفول مانده است. توسعه گردشگری در یک منطقه تنها با تشکیل کارگروه و کمیته و مواردی از این قبیل در استانداری یا سایر دستگاه‌های ذی‌ربط میسر نمی‌شود؛ شاید بتوان گفت که بخش اصلی و مهم در توسعه صنعت گردشگری در هر منطقه، ارتقاء فرهنگ پذیرش و جذب گردشگر نزد فرد فرد مردم آن منطقه می‌باشد.

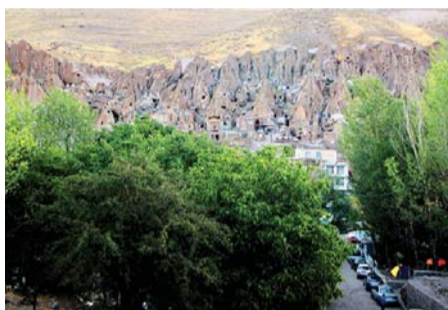
حاصل اینکه استارت و نقطه شروع این حرکت از جایی شکل می‌گیرد که این فرهنگ در جامعه هدف از جمله: کسبه و بازاریان، ساکنین روستاها و مناطق گردشگری، هتلداران، رانندگان تاکسی و به‌طور کلی همه واحدها، اشخاص و نهادهای خدمات رسان به مسافران و گردشگران، نهادینه شود.

نکاتی که در این مطلب تحلیلی به آن‌ها به‌طور تخصصی خواهیم پرداخت، حاصل چندین سفر تفریحی، گردشگری به مناطق مختلف کشور و مقایسه وضعیت گردشگری و فرهنگ برخورد با گردشگر در مناطق مختلف کشور در مقایسه با همدان است.

شاید تا چندی پیش چندان توجهی به جاذبه‌های گردشگری روستایی وجود نداشت، اما امروزه با افزایش جمعیت در شهرها و مشکلات جدید ناشی از شهرنشینی از جمله ترافیک، آلودگی هوا، تشدید استرس و ... مردم به گذراندن زمان خالی و وقت آزاد خود در طبیعت و مناطق بکر و به‌طور کلی اماکنی که از هرگونه ترافیک و تنش و آلودگی صوتی و مواردی از این دست مبری باشد، تمایل زیادی پیدا کرده‌اند؛ نخستین در کنار آشنایی زیبا در منطقه بکر و کمتر دست‌یافته شده و گوش سپردن به صدای آرام‌بخش ریزش آب در قیاس با شلوغی‌های زندگی شهرنشینی، لحظاتی مفرح را برای دوستداران طبیعت فراهم می‌آورد.

مقایسه رویکرد ساکنین مناطق جذاب برای گردشگران در سایر مناطق کشور با موارد مشابه در استان همدان چه از بعد برقراری روابط با گردشگران و چه در زمینه بازاریابی، تبلیغات و درآمدزایی در این حوزه، دست‌آورد‌های ویژه‌ای را برای متولیان امر گردشگری در پی خواهد داشت که با توجه به موارد دیده‌شده در برنامه‌های تفریحی به طرح موارد در زیر خواهیم پرداخت تا شاید مورد توجه مسئولین قرار گرفته و برنامه‌ریزی لازم در این زمینه به عمل آورند.

### کندوان روستایی با سازه‌های کله‌قندی



روستای کندوان در نزدیکی تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی واقع شده و گردشگران بسیاری در طول سال از این روستا بازدید می‌کنند. نکته قابل توجه و اصلی این روستا در جذب گردشگران، بافت جالب روستاست که با تراشیدن بخش تحنانی سنگواره‌های عظیم طبیعی به شکل کله‌قند که به تعداد در این منطقه و چسبیده به یکدیگر وجود دارند، به‌عنوان سازه‌های مسکونی ساکنین روستا می‌باشد. ساخت هتل پنج ستاره گردشگری، تنوع صنایع دستی، محصولات دارویی، عسل، تولیدات لبنی، گیاهان و عرقیات گیاهی، عبور رودخانه خروشان از دل روستا و هوای خوب در فصول گرم سال از جمله مواردی است که علاوه بر نظاره فضای زیبا و منحصر به فرد این روستا، جذب مستمر گردشگران را به دنبال دارد. نکاتی که گفته شد برای تبدیل روستا به یک منطقه خوب و کامل گردشگری لازم است اما کافی نیست؛ رویکرد بسیار خوب و برخورد مناسب مردم روستا با گردشگران به سبب نقش عمده‌ای که ایشان در تثبیت درآمد و رونق اقتصادی روستائیان دارند و رسیدن به این درک، ریشه اصلی رشد گردشگری در روستا و در نتیجه رونق اقتصادی و انتفاع روستائیان از این امتیاز ویژه شده است.

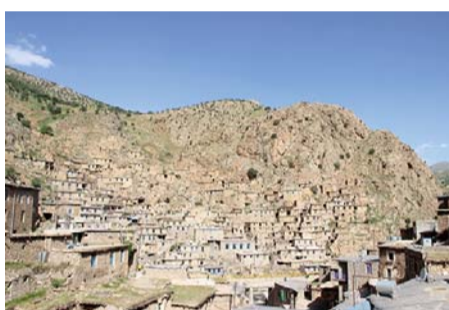


آن‌ها با کیاست از سازه‌های کله‌قندی برای اسکان مسافران و گردشگران نیز استفاده می‌کنند؛ کرایه هر شب اسکان در یک واحد کله‌قندی بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان متغیر است که شاید این مبلغ برای گردشگرانی که دوست دارند تجربه شیرین استراحت در این فضا را تجربه کنند مبلغ اندکی باشد اما برای مالک که در طول سال مرتب آن فضا بدون صرف کمترین هزینه‌ای اجاره می‌دهد مبلغ قابل توجهی باشد.

باز هم این پایان کار نیست؛ مرد روستایی در ابتدای صبح با نیمرویی متشکل از تخم‌مرغ و روغن محلی به استقبال شما می‌آید و در حالی که لقمه‌های متشکل از خامه و عسل تولید شده در روستا را به شما تعارف می‌کند، از شما برای بازدید از محصولات و عرضه صنایع دستی و لبنی در مغازه‌اش دعوت به عمل می‌آورد.

آری آن مرد روستایی به‌خوبی درک کرده که نعمت حضور گردشگر در روستا چقدر با رنگین شدن سفره و تأمین آینده خانواده‌اش ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد و این روستا مملو بود از مردان و زنانی این‌چنین که بدون طی مدارج تحصیلی در عرصه گردشگری، آیتم‌های مؤثر این علم را به‌خوبی واقف بودند و بدون حضور در جلسات و نشست‌های فوق تخصصی موارد را به کار می‌بستند. از حق نگذریم مسئولین مربوطه نیز حمایت‌های خوبی از ایشان داشته‌اند؛ ایجاد بسترهای مناسب، تبلیغات خوب در رسانه ملی، روزنامه‌ها و فضای مجازی و فشار کم برای اخذ عوارض و مالیات، اصلاح مسیر جاده‌های منتهی به روستا و مواردی از این دست.

### پالنگان؛ پلکانی از فرش تا عرش



روستای پلکانی پالنگان در شهرستان کامیاران از استان کردستان واقع شده است. بافت این روستا به شکلی است که خانه‌ها به‌صورت پلکانی در دو طرف رودخانه‌ای خروشان و بر دامنه کوهستانی مرتفع و سنگی قرار گرفته که به‌ویژه در فصل بهار، گردشگران بسیار زیادی نه‌تنها از نقاط مختلف کشور که حتی گردشگران خارجی، از این منطقه دیدن می‌نمایند. در بدو ورود به روستا، استقبال گرم ساکنین با لیخندی بر لب و ندای «خوش هانی» ایشان خطاب به مسافران موجب دلگرمی و خوش‌ذوقی گردشگران می‌شود؛ همان ابتدا غرفه‌های فروش صنایع دستی، محصولات لبنی و گیاهان بومی و دارویی منطقه در مسیر عبوری کنار رودخانه توجه گردشگران را به خود جلب می‌کند و مدتی از زمان خود را به این بازدیدها اختصاص می‌دهند.

در قسمت‌های بالاتر به سفره‌خانه‌های سنتی برخورد کردیم که با بهره‌مندی از نعمت وجود رودخانه، پرورش ماهی را در دستور کار قرار داده بودند و به‌خوبی از طریق طبخ و توزیع ماهی امرامعاش و درآمدزایی می‌کردند؛ اجاره خانه‌های روستایی با بافت مشخص و خاص روستا یکی دیگر از راه‌های کسب درآمد ساکنین پالنگان بود.



### ورکانه روستایی منحصر به فرد اما مغفول

بعد از بر پشت از این دو سفر این فکر تمام ذهن من را در بر گرفت که چرا کندوان و پالنگان به‌اما ورکانه نه!

باینکه قبلاً به ورکانه زیاد مراجعه کرده بودم، مجدداً با نگاهی نو به این روستا سر زدم تا ظرفیت‌ها را بررسی و مقایسه کنم؛ وجود آب در روستا، عبور از کنار سد اکباتان که امکان بسیاری از تفریحات کنار آبی و آبی را فراهم می‌کند، اصطبل باستانی مهری قراگوزلو، باغات فراوان انگور و گردو باقابلیت برپایی جشنواره‌های فصلی مربوطه، شهر زیرزمینی ارزانفود در فاصله اندک با ورکانه و بافت سنگ‌فرش و سازه‌های سنگی روستا از جمله ظرفیت‌هایی بود که حتی در ذهن فضایی به‌مراتب مهیاتر از نظر جذب و حفظ گردشگر را در ذهن تداعی می‌کرد. با چند تن از بزرگان روستا وارد صحبت شدیم که چرا در این روستا نگاه اقتصادی به مقوله گردشگری وجود ندارد؟ چرا به‌جای ارزان و کلی‌فروشی محصولات دک‌هایی جهت عرضه محصولات به مسافران در ورودی روستا تعبیه نمی‌شود تا هم ایشان از محصولات روستا مطلع شوند و هم سود بیشتر حاصل باغداران و کشاورزان روستا شود؟ چرا کسی به فکر اجاره دادن خانه‌های روستایی نیست؟ چرا زنان روستا محصولات لبنی جهت فروش به گردشگران تهیه نمی‌کنند؟ و ...

مشکلاتی مطرح شد اما قانع‌کننده نبود. نیاز به ترویج فرهنگ استقبال از گردشگر و فرهنگ‌سازی در خصوص درک منافع اقتصادی جهت ایجاد نگرش نو در روستا برای درآمدزایی از راه

جذب گردشگر، به‌شدت محسوس بود اما سؤال اینجاست که این کار وظیفه چه کسی است؟ هر روز شاهد تخریب هر چه بیشتر اصطبل مهری قراگوزلو مخصوصاً از نواحی سقف آن به علت عدم نظارت صحیح هستیم و با ادامه این روند شاید یکی از ظرفیت‌های مکمل روستای گردشگری ورکانه به‌زودی از بین برود. آیا مسئولین و متولیان امر گردشگری در استان فکری برای ایجاد یک مسیر گردشگری خوب از ابتدای جاده سد اکباتان تا رسیدن به ورکانه و ارزانفود کرده‌اند؟

وقتی شرایط پیرامونی ورکانه را با دو مورد روستایی که در بالاتر مثال زدیم مقایسه می‌کنیم، ضعف عمده در عقب‌ماندگی روستا از لحاظ صنعت و اقتصاد گردشگری را عدم پرداختن به مباحث فرهنگی و تفهیم اهالی روستا و افراد مرتبط در خصوص منافع مستقیم اجرایی اقتصادی شدن طرح برای ایشان است.

از طرفی دیگر برخورد مردم ورکانه با گردشگران از لحاظ خوش‌رویی و استقبال از حضور، به نسبت روستاهای بادشده، اصلاً قابل‌مقایسه نیست که با توجه به عدم منفعت حضور گردشگر در روستا در شرایط فعلی این امر جز مزاحمت برای ساکنین روستا، عوایدی را در بر ندارد که با اجرای شدن طرح کامل گردشگر پذیری در روستا، مرتفع خواهد شد. هتل گردشگری سال‌هاست که در

ورودی روستا در حال ساخت است، اما هنوز هم خبری از تکمیل و افتتاح آن نیست.

تبلیغات درخور و مناسبی نیز از سوی نهادهای ذی‌ربط جهت معرفی روستا صورت نپذیرفته و حتی هتل‌های همدان هم باوجودی که می‌توانند در توره‌های نیم‌روزی خود بازدید از این روستا را برای مسافران پیش‌بینی کنند، در این زمینه برنامه‌ای را در دستور کار ندارند. شرکت‌های گردشگری و خدمات مسافرتی استان همدان هم بیشتر از این که به فکر جذب گردشگر باشند، به هماهنگ‌کننده اخذ لبط و توره‌های گردشگری از شرکت‌های بزرگ مقیم پایتخت برای همدانی‌ها تبدیل‌شده‌اند تا بیشتر از اینکه آورنده درآمد و اشباع دهنده گردشگری استان باشند، ناوگان دورریزی از سرمایه‌ی وجوه نقد استان به سایر استان‌های کشور باشند.

این درست که ارتقاء وضعیت موجود نیازمند حرکت خودخواسته مردم ورکانه است اما چه کسی باید این فرهنگ‌سازی را انجام دهد؟

اگر یکبار این فرهنگ‌سازی به‌درستی صورت بگیرد و متولیان امر با اهالی روستا نشست‌هایی جهت ترغیب ایشان به تغییر رویکرد در زمینه گردشگری برگزار کرده و منافع این کار را برای ایشان تشریح نمایند، این مهم بعد از اجرایی شدن دیگر مزاحمتی را برای مسئولین بخش گردشگری ندارد و با انجام این زحمت (فقط یکبار برای همیشه)، مادام از مزایای وجود این مرکز پایلوت گردشگری رونق یافته، بهره‌بردار می‌شوند.

امیدواریم مسئولین به‌جای شعار دادن و برپایی جلسات دورهمی، به کار عملی، تحقیقی و تحلیلی روی بیاورند که گسترش و رونق صنعت گردشگری با پشت‌میزنشینی و به کار بردن جملات زیبا میسر نخواهد شد.

شاید بتوان گفت که بخش اصلی و مهم در توسعه صنعت گردشگری در هر منطقه، ارتقاء فرهنگ پذیرش و جذب گردشگر نزد فرد فرد مردم آن منطقه می‌باشد

شاید بتوان گفت که بخش اصلی و مهم در توسعه صنعت گردشگری در هر منطقه، ارتقاء فرهنگ پذیرش و جذب گردشگر نزد فرد فرد مردم آن منطقه می‌باشد

شاید بتوان گفت که بخش اصلی و مهم در توسعه صنعت گردشگری در هر منطقه، ارتقاء فرهنگ پذیرش و جذب گردشگر نزد فرد فرد مردم آن منطقه می‌باشد

# چند سوال از استاندار...

امیر غلامی پارسا

بیش از ۸۷ روز از عمر دولت یازدهم نگذشته بود که محمدناصر نیکبخت به عنوان سیزدهمین استاندار همدان معرفی شد. «نیکبخت» در نخستین مصاحبه‌اش گفت: «توسعه استان، معیشت مردم، ایجاد اشتغال و بهبود وضع اقتصادی» اولویت برنامه‌ها و اهداف ما است که استاندار همدان در گفته‌های خود آنگونه که باید و شاید به موضوع فرهنگ نپرداخته است.

«محمدناصر نیکبخت» در شش ماهگی انتصاب خود باتوجه به اینکه «خسرو بیات» مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان در آستانه بازنشستگی قرار داشت، باید دست به انتخاب مدیر جدیدی می‌زد، چرا که مدیریت فرهنگ و ارشاد منصوب است که همیشه با حاشیه‌ها، موافق و مخالفانی در استان روبرو بوده است.

بعد از شایعات مختلف در انتخاب نفرات متعدد سرانجام در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ماه ۹۳، فاضل عبادی که سابقه فعالیت در معاونت فرهنگی-هنری اداره کل ارشاد، رئیس اداره فرهنگی فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان، رئیس انجمن کتابخانه‌های همدان، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان و مشاور مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان را در کارنامه کاری خود داشت به عنوان مدیرکل جدید ارشاد اسلامی استان همدان انتخاب شد.

«فاضل عبادی» در مراسم معارفه خود به چند دقیقه سخن از دیپلماسی فرهنگی و اهداف دولت تدبیر و امید و همچنین بخشی از رهنمودهای مقام معظم رهبری بسنده کرد و سخنی از برنامه‌های فرهنگی خود نگفت که عملکرد وی تا امروز در این مقال نمی‌گنجد.

یک ماه پس از انتصاب عبادی، شایعات جالبی یک مدیر فرهنگی دیگر استان یعنی مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان به گوش رسید؛ شایعاتی که این بار بیش از آنکه به اسامی افرادی که احتمال انتصاب آن‌ها است دامن بزند، به نحوه کنارگیری مدیر سابق یعنی علیرضا ایزدی می‌پرداخت.

مراسم معارفه «ایزدی» (مدیرکل اسبق میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و صنایع دستی استان) بدون حضور خبرنگاران برگزار شد، اما مراسم تودیع وی همراه با حاشیه‌های مختلف در خرداد ماه سال ۹۳ انجام شد و «ریحان سروش مقدم» که در کارنامه خود، سابقه چهارسال ریاست سازمان مسکن و شهرسازی چهارمحال و بختیاری و سه سال ریاست مسکن و شهرسازی همدان را داشت و در سال‌های اخیر دبیر کمیسیون راهبری سازمان، مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی بوده است، به عنوان مدیرکل جدید معارفه شد.



بسیاری از منتقدین مدیر جدید، عدم سابقه و تحصیل «سروش مقدم» را دلیل بر نقدهای خود به این انتخاب می‌دانستند.

عمر مدیریت «ریحان سروش مقدم» به نیمه عمر مدیریت «علیرضا ایزدی» نرسیده بود که شش‌ده‌ها حاکی از استعفای او از این سمت بود و سرانجام در دی ماه ۹۴ دومین مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان در دولت تدبیر و امید در دوران «محمدناصر نیکبخت» استاندار همدان منصوب شد و «علی مال میر» مدیرکل جدید و حال حاضر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان معارفه شد.

سوالاتی که مطرح است، اینکه چرا انتصاب علی مال میر که فارغ التحصیل رشته MBA در مقطع کارشناسی ارشد و مهندسی صنایع است و همچنین تجرب و سابق وی مربوط به بحث گردشگری و فرهنگ نمی‌شود، با حاشیه‌ها و انتقادهای علنی روبرو نشد؟ جای بسی تأمل دارد. این دو سمت فرهنگی در استان را به عنوان اصلی‌ترین ارکان بحث فرهنگ استان مثال زدیم تا گوشه‌ای از انتخاب‌هایی که می‌شود بهتر و با تأمل بیشتر انجام شود را بازگو کنیم؛ کما اینکه در انتصاب‌های مختلف فرهنگی نیز این مشکل وجود دارد.

متأسفانه مدیران فرهنگی در مقابل فشارهای مختلف به افزایش کمی فعالیت‌های خود روی می‌آورند و این کار از کیفیت و محتوای خوب فعالیت‌هایی که می‌کند.

در آخر سوالاتی از استاندار محترم همدان به عنوان مدیریت ارشد استان مطرح می‌کنیم که برای انتخاب و انتصاب این مدیران مدنظر است و امیدواریم شاهد پاسخی از سوی جناب آقای محمدناصر نیکبخت باشیم.

آیا میزان مهارت‌های مختلف در بین مدیران فرهنگی و مدیران دیگر ادارات یکسان می‌باشد؟

دستیابی به توسعه فرهنگی و حصول فرهنگی پیشرو، پویا و غنی در استان همدان چه جایگاهی دارد؟

آیا مدیران فرهنگی استان ویژگی‌های یک مدیر فرهنگی را دارند؟

آیا مظلوم تر از قشر فرهنگی برای ایجاد سابقه برای انتصاب مدیران غیر متخصص در این حوزه وجود ندارد؟

چند درصد از مدیران فرهنگی استان رضایت خاطر شما را جلب نموده‌اند؟

## به یاد زمزمه های ماندگار

علی اکبر محمودی وثاق

یادش بخیر قیامه روزگاری داشتیم  
دس پلان آچوق بود کسبی و کلاری داشتیم  
حیاطلمان کنده بود دلواز دل زنده بود  
میان خانه هلمان ما آب جاری داشتیم  
بخچه و حوض و مودار دوکوله مان سربار  
بو اشکنه میاد ماقول ناهاری داشتیم  
پهلو داد او تم نه خصه بووونه غم  
سرازی اسم بوام ما اعتباری داشتیم  
بی دنک و تنگ و راحت  
میرفتیان فلاهت  
بساط چای آلم بود ستور تازی داشتیم



۲۳  
EKBATAN  
CULTURE

فرهنگ

شماره ۱ بهمن ماه ۱۳۹۴  
No1 January-February 2016

کتابخانه

## از قلب تاریخ تا امروز

# گویش همدانی

امیر غلامی پارسا

قبایل و نژادها در کشورها و شهرها دارای فرهنگ‌های متفاوتی هستند و از این رو مردم هر منطقه برای بیان فرهنگ و نژاد خود زبان و گویش مختص به خود را به کار می‌برند. پس نتیجه می‌گیریم زبان و گویش جزئی از فرهنگ است. گویش مردم همدان از زمان پهلوی به‌جامانده تا جایی که کاربرد و استفاده از واژه‌های کهن در این گویش بیانگر این موضوع است.

همدان از سال‌های کهن تا به امروز دارای فرهنگی غنی بوده است و با کمی تفحص به راحتی می‌توان به تاریخ سه‌هزارساله این شهر پی برد. این شهر در زمان پیش از اسلام در دوران میانه (ایالت جبال) و از زمان سلجوقی «عراق عجم» نامیده می‌شده که این امر باعث شد تا زبان مشترک مردم آن ایالت را (فهلوی) و آثار ادبی آن را (فهلویات) بنامند که شامل سروده‌ها و ترانه نیز بوده است.

**ترافیک کاتور**

همشهری گرامه!!

در هنگام عبور از چراغ قرمز با حداکثر سرعت مجاز از چراغ عبور نمایید تا تعداد بیشتری از خودروهای پشت سر بتوانند از چراغ عبور نمایند و ترافیک کمتری حاصل شود.

ایلان کیمیا شورو همیشه...  
م بدنم کی به تو تصدیق داده...  
یکان پده تا خنکانه...  
یهوئم یکیین میانه تلگرامم...

طرح: محمود نظری

فهلوی را در آن دوران لهجه‌ای می‌دانستند که ویژه مردم مغرب و جنوب غربی ایران بود که در مقابل لهجه «دری» مربوط به مردم مشرق و خراسان قرار گرفته بود. حال اگر بخواهیم لهجه و گویش همدانی را مورد بررسی قرار دهیم عناصری در پی آن وجود دارد. عناصری که طی شش-هفت قرن گذشته در گویش و فرهنگ مردم همدان تأثیر بسزایی داشته، که مختصر مروری بر آن‌ها داریم.

در قرن پنجم و ششم که ابتدای راه تسلط ترک‌زبانان بر سطح کشور بود، واژه‌هایی بسیار از این زبان وارد گویش همدانی شد که تا به امروز شاهد آن هستیم و زبان روستانشینان استان غالباً زبان ترکی است.

همچنین پس از حمله اعراب مقداری از واژه‌های عربی و سامی نیز به گویش همدانی اضافه و باعث شد این گویش دستخوش تغییراتی شود.

در تقسیم‌بندی گویش‌ها، به دلیل شرایط جغرافیایی گویش همدانی جزء گویش‌های جغرافیایی محسوب می‌شود؛ به‌نوعی که شاهد هستیم بعد از گذشت قرن‌ها، نژاد مردم آن تغییر خاصی نکرده و دلیل این امر تأثیر گویش اصیل پارسی در آن است.

لهجه مردم همدان میراث گران‌بهایی است که از زبان‌های کهن ایرانی به یادگار مانده‌است و کاربرد واژه‌های کهن در این لهجه بیانگر این موضوع است.

گسترده‌ی اقوام در استان همدان باعث شده تا لهجه و گویش همدان روزبه‌روز بیشتر به فراموشی سپرده شود. زبان‌هایی چون فارسی که اغلب شهروندان شهر همدان به این زبان تکلم می‌نمایند و البته در شهرستان‌ها نیز رایج است، زبان ترکی که ساکنان هم‌جوار استان زنجان به این زبان سخن می‌گویند و ساکنین این منطقه از قرن یازدهم به ایران آمدند که زبان آن به آذربایجان نزدیک است اما از کلمات فارسی به آن اضافه‌شده است. همچنین زبان لری که ساکنان شهرستان‌های نهاوند، سامن و ملایر به این زبان صحبت می‌کنند، زبان کردی که ساکنان منطقه غرب استان و هم‌جوار با استان‌های کرمانشاه و کردستان به این زبان تکلم دارند.

عده‌ای نیز در شهر همدان هستند که به زبان مخصوص ارمنی سخن می‌گویند که تعداد آن‌ها بسیار کم است.

از ویژگی‌های دستوری گویش همدانی می‌توان «ابتدا به کسر کردن»، «به هنگام تلفظ واژه‌ها را نام ببریم. مانند «پدر من» که در گویش همدانی به‌صورت «پدر مه»، تلفظ می‌شود. از دیگر ویژگی‌های این لهجه که با لهجه تاجیکی همانندی‌های فراوانی دارد، جمع بستن واژه‌ها با «ها» می‌باشد. اگر حرف یکی مانده به حرف آخر فتحه باشد تبدیل به کسره می‌شود. پاکت‌ها می‌شود پاکتا و دفترها می‌شود دفترا.

در این لهجه حتی گاهی یک واژه جانشین یک جمله کوتاه می‌گردد برای مثل واژه (مچیم به این معنی می‌باشد: من چه میدانم اگر بخواهیم از ویژگی‌ها و عناصر گویش همدانی بنویسیم، نثرها باید نوشت که در این مقال نمی‌گنجد. نکته‌ای که در پایان قابل ذکر است زنده نگه‌داشتن این گویش است که فرهنگ ناب و غنی همدانی را زنده نگه می‌دارد. اگر ما شهروندان همدانی بخواهیم این لهجه و گویش زیبا و تاریخی را به فراموشی بسپاریم و کمتر در مکالمات روزمره استفاده کنیم در واقع فرهنگ همدان و همدانی را به دست فراموشی سپرده ایم.

در شمارگان بعدی «کتابان» شمارا بیشتر با گویش همدانی آشنا خواهیم کرد.

زوم



مسعود رحیمی، متولد ۱۳۵۶، سابقه ۲ سال  
دیاف ۵,۶ - شاتر ۱,۱۶۰ - ایزو ۲۰۰

چرخ و فلک / بوستان مردم همدان



عادل باخدا، متولد ۱۳۷۳، سابقه ۵ سال  
دیاف ۴ - شاتر ۱,۱۲۵ - ایزو ۱۶۰۰

تئاتر بیدلی بیدلان / جشنواره تئاتر کودک و نوجوان / آوینی - همدان



غلامرضا زنگنه، متولد ۱۳۶۵، سابقه ۶ سال  
دیاف ۴,۵ - شاتر ۱,۱۲۵ - ایزو ۱۰۰

آرامگاه بوعلی سینا / همدان



مصطفی اسدیکی، متولد ۱۳۷۲، سابقه ۲ سال  
دیاف ۱۴ - شاتر ۱,۱۲۵ - ایزو ۱۰۰

شهر سرکان بالای محل دکل تلویزیون / توپسرکان

زوم



مصطفی شیرمحمدی، متولد ۱۳۶۳، سابقه ۱۶ سال  
دیاف ۵,۶ - شاتر ۱,۲۵۰ - ایزو ۶۴۰۰

سفالگری / لالچین



محمدابراهیم ارجی، متولد ۱۳۵۶، سابقه ۲ سال  
دیاف ۳,۲ - شاتر ۱,۸۰۰۰ - ایزو ۱۰۰

پیست اسکی تاریک دره / همدان



منصور رضایی زاده، متولد ۱۳۴۸، سابقه ۶ سال  
دیاف ۳,۲ - شاتر ۱,۸۰۰۰ - ایزو ۱۰۰

روستای گاوزبان از توابع بخش سردرود / رزن

زوم

زوم

The 1st Monthly Cultural & Athletic Magazine Of Hamedan Province

EBKIBATAAN

No1 January-February 2016

شماره ۱ بهمن ماه ۱۳۹۴

سامانه پیام کوتاه اکباتان: ۳۰۰۶۷۵۸

کانال تلگرام: <https://Telegram.me/ekbataan>

وبسایت: [www.ekbataan.ir](http://www.ekbataan.ir)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: علی تقی  
فانم مقام مدیر مسئول: علی دجودیان  
سر دبیر: فرشته اکبری  
مدیر اجرایی: اشکان بوسقی  
مدیر هنری: جلال محمدکریمی

عکاسان:

غلامرضا زنگنه، عبدالرحمن رافعی، مصطفی اسدیکی  
همکاران این شماره:  
مینم ناصرزاد، شکوفه رنجیر، ارش بوسقی، معصومه علیزاده  
امیر غلامی پارسا، جواد همدانی، علی بیات، مهدی شریفی  
مجتبی مظهری، زهرا محمودی

چاپ: امید نشر ایرانیان  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

اکباتان

همدان، ابتدای خیابان سعیدیه  
برج تجاری سعیدیه، طبقه ششم، واحد ۶۱۴  
تلفن: ۶-۳۸۳۱۱۵۵ / فکس: ۳۸۳۱۱۷۷  
امور تبلیغات و بازرگانی: ۰۹۱۸۳۱۱۴۹۰۰